

# افروز تازه

سال اول / شماره دوازدهم / مهر ماه ۱۳۹۵ / قیمت ۶۰۰۰ تومان  
نخستین ماهنامه اقتصادی دوزبانه  
New Horizon - Bilingual Economic Monthly



## تهران؛ رکورددار فرونشست در جهان!

⊕ چهار تهدید خفته، پایتخت را تهدید می کند  
⊕ آیا راه‌حلی برای فرونشست زمین در ایران وجود دارد؟

پرونده ویژه افق تازه

## ابهام در نرخ بیکاری

⊕ آفتی به نام مدرک گرایی در ایران

⊕ آمار بیکاری جمعیت جوان طی ۱۹ سال گذشته

⊕ ۸۵ درصد اشتغال کشور در کدام بخش است؟

⊕ بیداد بیکاری در سرزمین ثروت

⊕ با گفتارهایی از:

فرشاد مومنی و حسین راغفر



رو به اورپین فقط لجنه ت را تعریف کنی



محک

موسسه خیریه حمایت از  
کودکان مبتلا به سرطان



با هر درآمدی می توانی به آنها کمک کنی. تنها با چند کلیک ساده . . .

[mahak-charity.org](http://mahak-charity.org)

# روزهایی کارآمدتر

با هدایا و دفتر یادداشت‌های تیج



NoteBook های تیج محصولی از

**TIJ Calendar**®

۸۸۸۹۷۵۶۷-۹

[www.tijco.com](http://www.tijco.com)

اپلیکیشن



کتابچه



یادداشت‌ها





## صنایع غذایی شیر حسین با بیش از نیم قرن سابقه درفشان

اولین تولیدکننده

روغن کنجد بکر، روغن هسته انار و روغن بادام زمینی در استان یزد

تولیدکننده

انواع فرآورده‌های کنجدی و روغن‌های گیاهی

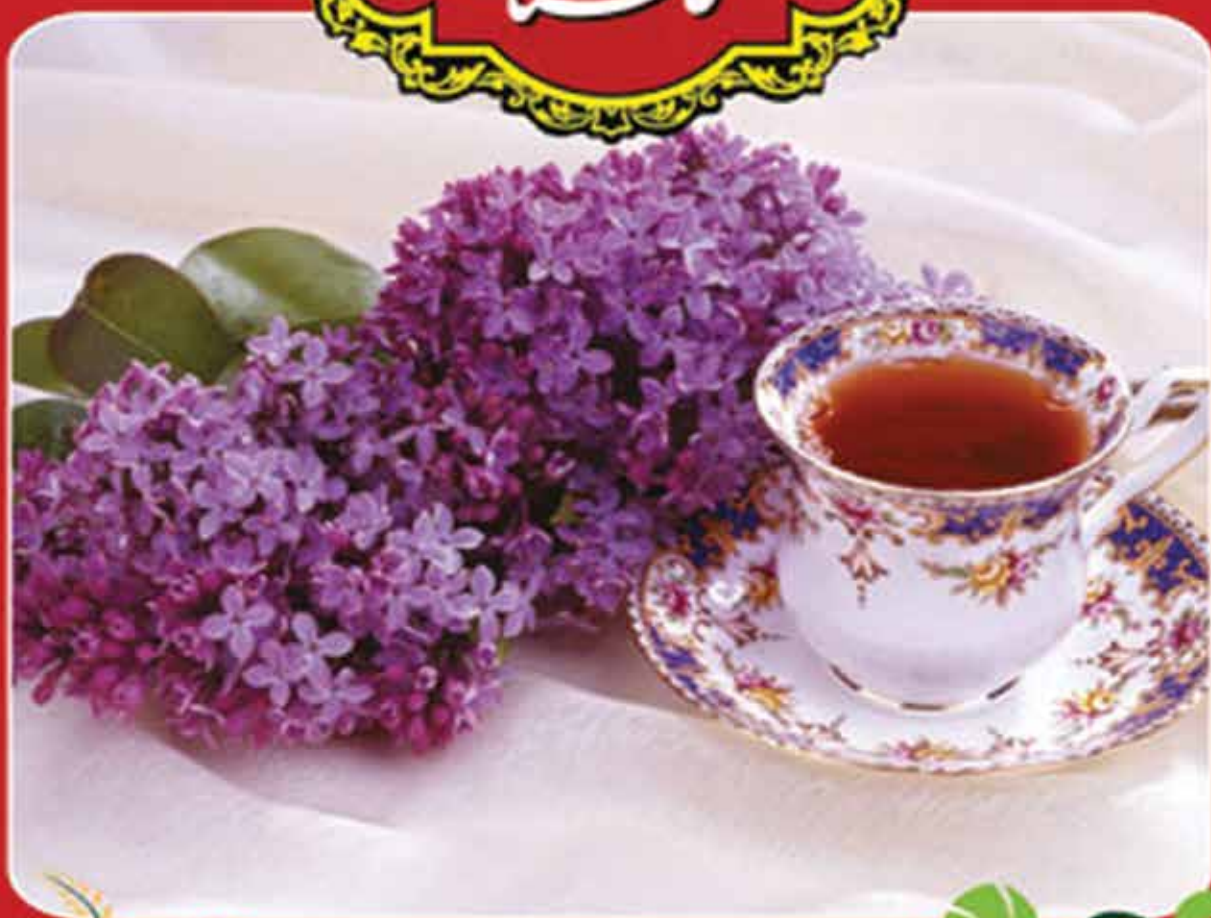
دفتر و فروشگاه مرکزی: یزد، سه راه شمنه، ابتدای خیابان شهید مطهری  
کارخانه: شهرک صنعتی یزد، فاز ۳، بلوار ارغوان، ارغوان ششم  
تلفن: ۰۳۷۲۴۷۹۶۳ - ۳۵ تلفن پاسفگو به سولات شما: ۰۹۱۳۱۵۴۸۱۴  
فکس: ۰۳۷۲۴۷۹۶۳ - ۳۵ مدیر بازرگانی: ۰۹۱۳۱۵۳۰۱۴۸



shirhossein  
www.shirhossein.com



گلستان



چای کیسه‌ای



۲۵  
عدد



چای کیسه‌ای  
• صددرصد خارجی •  
درجه یک

## گام‌هایی برای اشتغالزایی



امیر دیانی  
مدیر مسئول

روند فزاینده نرخ بیکاری در کشور همیشه محل مناقشه بوده است و یکی از ایراداتی که به همه دولت‌ها وارد بوده بحث اشتغالزایی است. بحران بیکاری در واقع به عنوان پاشنه آشیل اقتصاد کشور همیشه مطرح بوده و در چشم‌انداز بر نامه توسعه همیشه کاهش آن مدنظر بوده که به واقع این مهم در تمامی این سال‌ها مغفول مانده است و روندی مناسب در اتخاذ سیاست‌های کلان برای مقابله با این بحران آنطور که باید تعبیه نشده است.

جالب‌ترین نکات در بحث بیکاری متهم انگاشتن دولت‌ها در رفع معضل بیکاری و همچنین تضادهای آماری در استخراج نرخ بیکاری است. این در حالیست که اتخاذ سیاست‌های نامناسب در بحث کلان برای رهایی از غول بیکاری و همین‌طور ارائه آمارهای درست و اصولی در همه دولت‌ها کار راه جایی رسانیده که دولت‌ها تنها با متهم کردن یکدیگر در بحث اشتغالزایی خود را مبرا از کم کاری کنند. از طرفی در بسیاری از دولت‌ها برای خوب جلوه دادن چهره اقتصادی آمارها آنطور که شایسته و بایسته است استخراج نمی‌شود ضمن اینکه با گذشت این همه سال همچنان تعریف درستی از شغل و اینکه به چه کسانی شاغل می‌گویند و به چه کسانی بیکار وجود ندارد.

از منظر دیگر در بحث بیکاری آمار عجیب فارغ التحصیلانی است که به امید اشتغال پا به دانشگاه‌ها می‌گذارند اما دریغ از اینکه آفت مدرک گرایی بدون تخصص در کشور گریبان بسیاری از همین دانشجویان را خواهد گرفت که تنها صرف داشتن مدرک جوایز کار هستند. ضمن اینکه اکنون دانشگاه‌ها در فضای سایبری شکل گرفته که حتی دانشجویان دیگر زحمت سر کلاس رفتن را هم به خود نمی‌دهند و با رابطه‌ای دورا دور اخذ مدرک کاری سهل و آسان است. بدون شک یکی از پاشنه‌های آشیل بیکاری دوری از فضای کسب و کار و تجربه‌اندوزی است بطوریکه دانشجویان به صورت تئوریک به کسب دانش نائل می‌شوند اما این دانش تئوری به دور از کسب تجربه در فضای کسب و کار هیچ گونه عایدی را متوجه دانشجویان نخواهد کرد.

در کشوری به مانند انگلیس و به عنوان نمونه‌ای از یک کشور توسعه یافته اکثریت وزرایش دارای مدرک لیسانس هستند اما در کشور ما شوق و ذوق اخذ مدارک کارشناسی و دکترا پیدا می‌کند دریغ از اینکه این مدارک به خودی خود ایجاد اشتغال نخواهد کرد.

پس در رویکرد کلی باید به چند نکته توجه داشت. اول اینکه در سیاست‌های کلان اقتصاد تعریف درستی از اشتغال را ارائه دهیم. دوم اینکه در فضای اقتصادی کشور مسئولان باید شرایطی فراهم آورند که بخش‌های مختلف اعم از کارخانجات، کارگاه‌های تولیدی، بخش خصوصی و ... بتوانند سرپا بایستند و به خاطر تورم و رکود اقتصادی عنان از کف ندهند و مجبور به تعدیل نیرو گردند. در بحث آموزشی نیز باید سیاست‌های مناسب تری اتخاذ گردد بطوریکه دانشجویان صرف اخذ مدرک وارد دانشگاه نشود و فضایی فراهم گردد تا دانشجویان به صورت عملی در کنار مباحث تئوری به کسب دانش و تجربه بپردازند. نکته دیگر نظام آماری جامع از میزان بیکاری در کشور است چنانچه تا زمانی که ما ندانیم چه تعداد بیکار در کشور داریم و چگونه باید برای آنان برنامه‌ای تدوین کنیم نمی‌توان پیش بینی درستی از آینده داشت.

بحث مهم دیگر شناسایی فرصت‌ها و منابع کشور است که می‌توان به راحتی جوانان را ترغیب کرد تا به جای روانه شدن به سوی دانشگاه‌ها از منابع موجود استفاده کرده و با حمایت دولت کسب و کار راه بیاندازند.

امید است که دولت‌ها به نحوی چشم‌انداز اقتصاد کشور را در بر نامه‌های توسعه‌ای ترسیم کنند که واقعیت‌های کشور مدنظر قرار گرفته و با برنامه ریزی مدون بهترین بهره برداری از منابع در راستای منافع کشور صورت گیرد.

# افوژتازه

ماهنامه

- صاحب امتیاز و مدیر مسوول: **امیر دیانی**
- قائم مقام مدیر مسوول: **هادی قهرمانی**
- سردبیر: **نیما نوربخش**
- مدیر اجرایی: **مجید بهره مند**
- مدیر بازرگانی: **شقایق محبوبی‌زاده**

### زیر نظر شورای سردبیری

- تحریریه: **سمیه تقی‌خانی - زهره دیانی**  
**مینو پرتوی مهر - محمدرضا دیانی**  
**نوید قهرمانی - فاطمه آقایی فرد**  
**سعید حصار - رضا عابدی**  
**علیرضا حیدری - امین فیاضی**  
**محمد رضا دیانی - مهدی اله دادی**  
**زهرا سلیمانی - صنم بیانانی**

- ترجمه: **فاطمه دیانی**
- گرافیک و صفحه آرایی: **آتلیه «افق تازه»**
- عکاس: **مهدی نعیم محبوبی**
- چاپ: **نشر چاپ امید ایرانیان**
- توزیع: **پدیده نوین**

مطالب این ماهنامه تنها با ذکر منبع «افق تازه» قابل استفاده است.

آدرس: خیابان شریعتی - خیابان پلیس پلاک ۳۰-۱ واحد ۱

تلفن: ۰۲۱۸۶۰۲۲۷۷۸ - فکس: ۰۲۱۸۶۷۳۹۰

سامانه پیامکی: ۰۲۱۸۶۰۲۲۷۷۸

[www.ofoghetaze.com](http://www.ofoghetaze.com)

[ofoghetazeh@gmail.com](mailto:ofoghetazeh@gmail.com)

[ofoghetazeh@yahoo.com](mailto:ofoghetazeh@yahoo.com)



# فهرست



چشم انداز برنامه توسعه ششم و نرخ بیکاری

۶



بحرانی عظیم بیخ گوش تهران

۲۶



سایه سنگین تغییر اقلیم بر سر فقرای جهان

۳۹



Keep on running: train your brain

۲۴

- ۶ چشم انداز برنامه توسعه ششم و نرخ بیکاری
- ۸ رویای اشتغال زیر پوست شهر  
فرشاد مومنی:
- ۱۰ ایران همچنان جزو بیست کشور با بالاترین نرخ تورم و بیکاری است
- ۱۲ رمز گشایی از کلید اشتغالزایی
- ۱۳ بیکاری پاشنه آشیل اقتصاد ایران  
اقتصاددانان تشریح کردند
- ۱۴ ابهام در نرخ بیکاری ایران  
۸۰ درصد دانشجویان فاقد مهارت هستند
- ۱۶ آفتی به نام مدرک گرایی در ایران
- ۱۸ افزایش نرخ بیکاری با اهرم مشارکت اقتصادی
- ۲۰ بستر کار برای بی سوادان فراهم تر است
- ۲۱ ۸۵ درصد اشتغال کشور در کدام بخش است؟
- ۲۲ بیداد بیکاری در سرزمین ثروت
- ۲۳ داستان بیکاری جوانان و کلیدی به نام اقتصاد مقاومتی
- ۲۴ آمار بیکاری جمعیت جوان طی ۱۹ سال گذشته  
حسین راغفر:
- ۲۵ بیکاری جوانان را بی هویت می کند
- ۲۶ بحرانی عظیم بیخ گوش تهران  
چهار تهدید خفته پایتخت را تهدید می کند
- ۲۸ تهران بر مدار حادثه ها  
مشاور رئیس سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور تشریح کرد:
- ۳۰ تهران؛ رکورددار فرونشست در جهان!
- ۳۱ یک نظریه در مورد دلایل فرونشست های اخیر تهران
- ۳۲ آیا راه حلی برای فرونشست زمین در ایران وجود دارد؟  
علت زمین لرزه های شبانه در تهران چیست؟
- ۳۳ لرزه بر تهران
- ۳۴ اما و اگر های سفر بدون ویزا به سرزمین تزارها سرزمین تزارها
- ۳۶ نشانه هایی برای اعتماد به شریک زندگیتان  
ازدواج کنید اما استقلال هم داشته باشید
- ۳۸ با این نشانه ها زندگی تان در خطر است
- ۳۹ سایه سنگین تغییر اقلیم بر سر فقرای جهان  
گفت و گو با موفق ترین تاجر فرش ایرانی
- ۴۰ مرد بحران های تنیده شده در تارو پود قالی  
دکتر علی اصغر جهانگیری در گفت و گوی تفصیلی با «افق تازه»
- ۴۲ کارآفرینی یک بیماری دلنشین است

# چشم انداز برنامه توسعه ششم و نرخ بیکاری



نوید قهرمانی

navid\_gh62@gmail.com

مناسبات نرخ بیکاری و چشم انداز چیده شده برای برنامه ششم توسعه در رابطه با بیکاری آنطور که باید همخوانی ندارد بطوریکه ایجاد اشتغال و ظرفیت جمعیتی ایران طی سالهای آینده از تراز مناسبی برخوردار نیست. ظاهراً تدوین کنندگان برنامه ششم شاخص بیکاری را در پایان برنامه ششم و سال ۱۴۰۰، ۷ درصد لحاظ کرده‌اند؛ فرض آنان این است که سالانه به‌طور متوسط ۶۸۵ هزار شغل ایجاد شود و در نتیجه به نرخ بیکاری ۷ درصد برسند.

فرض کنیم که هدف اصلی که ایجاد ۶۸۵ هزار شغل در سال است، محقق شود، ولی این امر به معنای رسیدن نرخ بیکاری به ۷ درصد نخواهد بود. برای این منظور کافی است که به تفاوت دو موضوع نرخ بیکاری و نرخ فعالیت اشاره شود. منظور از نرخ فعالیت، نسبت کسانی است که در حال فعالیت (اعم از شاغل یا بیکار) هستند به تعداد جمعیت بالای ۱۰ و در برخی موارد ۱۵ سال، در مقابل نرخ بیکاری نسبت بیکاران به کل جمعیت فعال (شاغل و بیکار) است.

در همین رابطه روزنامه شهروند در گزارشی نوشت: وضعیت نرخ فعالیت تابعی از سطح توسعه اقتصادی هر جامعه است؛ برای مثال نرخ فعالیت در سوئیس حدود ۸۰ درصد است و در اتحادیه اروپا ۶۶ درصد و در ترکیه ۵۰ درصد است. هر چه جامعه توسعه یافته‌تر شود، نسبت افراد شاغل به جمعیت نیز افزایش پیدا می‌کند. این نرخ در ایران ۱۱ بیکاران عطای آن را به لقایش بخشیدند و از جرگه فعالان اقتصادی خود را خارج کردند و خانه‌نشین شدند. در حالی که اگر وضع اشتغال و اقتصاد خوب شود، آنان یا افراد مشابه آنان دوباره وارد بازار کار می‌شوند و تقاضا برای شغل افزایش پیدا می‌کند و بیکاری نه تنها کم نمی‌شود، ممکن است افزایش نیز پیدا کند. یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر این فرآیند، اشتغال زنان است. نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران در سال ۱۳۹۴، حدود ۱۵ درصد اعلام شد که بسیار کم است، تقریباً این کمترین رقم نرخ مشارکت زنان در کشورهای اسلامی است. مصر، ترکیه و حتی عربستان نرخ‌های بالاتری از اشتغال زنان دارند، در حالی که زنان ایران دارای سطح تحصیلی بالاتری هستند و حدود ۶۰ درصد ورودی‌های دانشگاه‌ها را به خود اختصاص می‌دهند و طبعاً باید نرخ مشارکت اقتصادی آنان حداقل دو برابر رقم موجود باشد. بنابراین هر گونه تحولی در بازار کار موجب فعال شدن این گروه و حضورشان در بازار کار خواهد شد؛ به‌ویژه آن که ساختار بازار شغل در حال دگرگونی است و تناسب بیشتری با توانایی‌های تخصصی و اجرایی زنان پیدا می‌کند و سهم مشاغل یدی در حال کاهش است.

بنابراین انتظار داریم که تا پایان برنامه پنج‌ساله ششم نرخ فعالیت افزایش پیدا کند. اگر این نرخ به ۴۵ درصد هم برسد در این صورت، تعداد فعالان اقتصادی در آن تاریخ، حداقل ۳۱ میلیون نفر خواهد بود که از تعداد کنونی حدود ۵/۵ میلیون بیشتر است و اگر در این ۵ سال نیز حداکثر ۵/۳ میلیون شغل ایجاد شود، باز هم بر تعداد بیکاران حدود ۲ میلیون نفر اضافه خواهد شد به عبارت دیگر میزان و حتی نرخ بیکاری ممکن است بیشتر هم بشود.

با توجه به ملاحظات فوق توصیه می‌شود که دولت هدف خود را کاهش نرخ بیکاری قرار ندهد که دست‌نیافتنی است. هدف اصلی همان ایجاد شغل باشد که در بهترین حالت سالانه ۷۰۰ هزار شغل هم ایجاد شود، مناسب و قابل دفاع است. البته منظور مشاغل مولد است؛ یعنی حداقل به همین نسبت باید رشد اقتصادی نیز داشته باشیم، ضمن این که رشد اقتصادی با برنامه‌ریزی برای افزایش بهره‌وری باید بیشتر شود. پس چه بهتر که کاهش نرخ بیکاری را از محاسبات خود خارج کنند چرا که نمی‌توانند مانع از ورود متقاضیان جدید برای بازار کار شوند.





# رویای اشتغال زیر پوست شهر



فاطمه آقایی فرد

درس خوانده‌اند و حالا باید وارد بازار کار شوند؛ کاری مرتبط با رشته تحصیلی‌شان، جایی که سال‌ها برای فعالیت در آن زحمت کشیده و هزینه کرده‌اند. هر روز که می‌گذرد، آگهی‌های استخدام را برای یافتن کاری هم‌شان با مدرک دانشگاهی‌شان، مصمم‌تر دنبال می‌کنند، «به یک مهندس مکانیک (آقا)، با سابقه حداقل پنج سال نیاز مندیم»، «به یک مسئول فنی مواد غذایی با سابقه کار نیاز مندیم»، «فقط مدرسان حرفه‌ای و با سابقه بیمه تماس بگیرند» و «شرکت انتقال آب به مهندس ناظر با ۶ سال سابقه نیاز مند است». تماس با هر یک از شماره‌های اعلام شده، کافی است تا یأس ناشی از نداشتن رزومه چندین ساله، ذهنشان را درگیر کند. هنوز مهر فراغت از تحصیلشان خشک نشده، حرف از سابقه کاری می‌زنند و کوله‌باری از یأس و ناامیدی مهمان روزهای شیرین جوانی‌شان می‌شود. هر قدمی که به سوی کار کردن برمی‌دارند، راه خداحافظی با رؤیاهای دوران کودکی‌شان هموارتر می‌شود؛ رؤیای خطاب قرار گرفتن با عناوینی چون دکتر، مهندس و نشستن پشت میزهایی که روزگاری برای دستیابی به آن از خواب شب و تفریح روزهای نوجوانی هزینه کرده‌اند.

دید یک شروع به آن نگرست و انتظار دیگری نداشت. «به عقیده او، پخش تراکت در دو نوع معمولی و حرفه‌ای است و باید برای رسیدن به نوع حرفه‌ای آن از انواع ابتدایی شروع کرده و درآمد مناسب و تجربه خوبی کسب کرد. او در این باره می‌گوید: «باید جوری برنامه‌ریزی کنید که دو سال بعد از شروع پخش تراکت بتوانید با دست کاملاً پر، وارد مرحله بعدی کسب و کار شوید، کارهایی مثل مغازه‌داری. من معتقدم با یک برنامه‌ریزی حرفه‌ای دو تا شریک و دوست می‌تواند بعد از دو سال پخش تراکت حرفه‌ای، یک مغازه خیلی خوب در گذری پررفت و آمد بزنند. یا اگر بخواهند در همان راستای تراکت کارشان را ادامه بدهند، می‌تواند در آینده به یک شرکت چاپ و تبلیغات خوب فکر کنند.» به گفته این فعال، برای پخش تراکت حرفه‌ای می‌توان ساعتی معادل ۱۰ تا ۱۵ هزار تومان را کسب کرد.

#### ■ آمارها با تعریف‌های مختلف از اشتغال بالا و پایین می‌شوند

آمار شغلان بیشتر شده، بیکاری کمتر شدن» شاید شما هم بارها این صحبت‌ها را از طرف مقامات مسئول شنیده باشید، بازار کار اما چیز دیگری می‌گوید. پس از آنکه در حد فاصل سال‌های ۸۴ تا امروز، ورود به دانشگاه‌ها آسان‌تر شده و دانشگاه‌ها هم تعدادشان افزایش پیدا کرد، آمار بیکاری هم بیشتر شد. حالا دیگر جوانان تحصیل کرده دوست دارند به فراخور مدرک تحصیلی‌شان، شغلی آبرومند داشته باشند، شغلی که به آنها تضمین یک زندگی راحت بدهد، به هر حال، آنها سال‌ها درس خوانده‌اند که در آسایش زندگی کنند نه اینکه با دغدغه‌های بیکاری دست و پنجه نرم کنند. اینکه آمارهای ارائه شده تا چه اندازه به واقعیت نزدیک هستند، مشخص نیست اما یکی از کارشناسان که انتقاد زیادی به آمارهای ارائه شده از سوی دولت نهم و دهم داشت، می‌گفت: قبل از این دولت، هر جوانی را که هفت روز کار نکرده بود، بیکار می‌نامیدند و لی‌الان این آمار را به ۱۰ روز افزایش داده‌اند، یعنی اگر یک جوان در ۱۰ روز، یک روز کار کند و درآمدی داشته باشد، جزء بیکاران محسوب نمی‌شود؛ بنابراین آمار بیکاران کاهش پیدا کرده در صورتی که عملاً تعداد آنها تغییری نداشته است، در واقع، با تغییر در تعریف، آمار را دستکاری می‌کنند؛ البته فراموش نکنید که دانشجویان و سربازها جزء بیکاران طبقه بندی نمی‌شوند.

آنها وعده می‌دهند تا در صورت شرکت در این کلاس‌ها، فرصت استخدام را برایشان فراهم آورند. به گفته یکی از جویندگان کار؛ «وقتی برای کار در آموزشگاه زبان وارد یکی از مراکز شهر شدم، با داشتن مدرک کارشناسی در این رشته دو میلیون تومان پرداخت کرده و حدود ۶ ماه در کلاس‌های تربیت مدرس شرکت کردم تا برای فعالیت در این زمینه با من تماس بگیرند اما هنوز بعد از گذشت دو سال همچنان بیکار هستم و با بدقولی آنها همه امیدم را از دست داده‌ام.»

#### ■ فروشنده‌گی یا منشی‌گری

فروغ، دختری ۲۹ ساله است که با مدرک کارشناسی ارشد در رشته مدیریت بازرگانی از یکی از دانشگاه‌های دولتی حالا دیگر رؤیای مدیریت بودن را در ذهن ندارد. وقتی از او درباره کارهایی که به او پیشنهاد می‌شود، می‌پرسیم، در پاسخ می‌گوید: «همه شرکت‌ها افراد با تجربه کاری مرتبط را استخدام می‌کنند و برای من که هیچ سابقه‌ای ندارم، بیشتر کارهای فروشنده‌گی یا منشی‌گری با درآمد ۲۰۰ هزار تا ۳۰۰ هزار تومانی را پیشنهاد می‌دهند، من هم ترجیح می‌دهم، بیکار بمانم تا اینکه بخواهم در محیطی مغایر با علاقه‌ام کار کنم.» به گفته او: «کار کردن به عنوان یک زن در بازار کار با مشکلات بیشتری همراه است و با حقوق‌های پایین و دغدغه‌های زیاد نمی‌توان هر کاری را قبول کرد.» هاله دختری ۳۰ ساله با مدرک کارشناسی در رشته حسابداری است و حالا به گفته خودش بعد از گذشت چندین سال، رشته‌اش دیگر گرمی بازار کار گذشته را ندارد و باید به عنوان یک منشی کارهای دفتری یک شرکت عمرانی را با حقوق ۵۰۰ هزار تومان در ماه انجام دهد.

#### ■ پخش تراکت با مدرک کارشناسی

در میان فارغ‌التحصیلان و دانشجویان عده‌ای هم هستند که با مدرک کارشناسی و شاید بالاتر، کارهایی از قبیل پخش تراکت را به عنوان یکی از فرصت‌های خوب در زمینه کسب تجربه معرفی می‌کنند و با اهدافی بلندمدت سراغ این کار می‌روند. به گفته یکی از فعالان این رشته؛ «بعضی‌ها فکر می‌کنند که پخش تراکت یک کار بدون آینده است و هیچ چیز مفیدی در آن برای یادگیری موجود نیست اما به نظر من تراکت می‌تواند یک شروع خوب برای وارد شدن به دنیای کسب و کار باشد ولی در ابتدا باید فقط به

حکایت زندگی و کار دهه شصتی‌ها و هفتادی‌های تحصیل کرده، داستان صرف هزینه‌های گزاف کلاس‌های کنکور و آزمون‌های شبیه‌سازی شده مؤسسات و آموزشگاه‌های معروف است؛ هزینه‌های چند صد هزار تومانی برای نشستن در اتاق مشاوره کارشناسان و دل بستن به طبل مثبت‌اندیشی آنها. در میان این گروه، برخی هم هستند که حتی نام و نشانی از رشته‌ای که در آن درس خوانده‌اند در آگهی‌های کارایی ندیده و سرخورده‌تر از دیگر جوانان تحصیل کرده قدم در جاده‌های بیکاری گذاشته‌اند، برخی به دنبال کار آزاد رفته و عده‌ای هم در اندیشه مهاجرت به کشورهای دیگر روزگارشان را سپری می‌کنند. برای برخی از آنها داشتن ذهنی آکادمیک و ورود به بازار کار و صرف هزینه‌های میلیونی در راه علم، نتیجه‌ای جز پشیمانی و افسوس نداشته و انگیزه و کشش لازم برای ورود به مقاطع تکمیلی را از آنها گرفته است.

عده‌ای از آنها برای صرف هزینه‌های چند میلیونی و تحصیل در رشته‌هایی که از بازار کار خوبی برخوردار نیستند، حسرت می‌خورند، عده‌ای برای هزینه‌های زندگی در خوابگاه و خانه‌های دانشجویی افسوس می‌خورند و بیشترشان هم حسرت از دست دادن زمانی را می‌خورند که می‌توانستند در بازار کار برای کسب تجربه و پس‌انداز صرف کنند. پای صحبت خیلی از جوانان که می‌نشینیم، نبود بازار کار را برای پسران تأسلف‌بارتر از دختران توصیف کرده و می‌گویند برای پسران تحصیل کرده شرایط کار بسیار سخت‌تر است، آنها مسئول تأمین پول و مخارج زندگی هستند، علاوه بر همه اینها، صرف دو سال سربازی برای آنها به قیمت اشتغال تمامی ادارات دولتی و خصوصی به وسیله دخترها تمام می‌شود.

#### ■ خداحافظی با استخدام بدون سابقه کار

در میان آگهی‌های استخدامی که بیشتر سابقه کاری را در اولویت قرار داده‌اند، آگهی‌های بدون نیاز به تجربه کاری، توجه هر جوینده‌ای را بیش از همه به خود جلب می‌کنند. آگهی‌هایی که کوله‌باری از اعتماد به نفس کاذب را در میان جویندگان کار تقویت و به آنها یادآوری می‌کنند که برای کار در این مراکز نیازی به سابقه و تجربه ندارند. برخی از اینها، گروهی هستند که جویندگان را به محض ورود ملزم به پر کردن فیش‌های چند میلیون تومانی می‌کنند و به

فرشاد مومنی:

# ایران همچنان جزو بیست کشور با بالاترین نرخ تورم و بیکاری است



سعید حساری

saeed.hesari@gmail.com

آمار و ارقام نجومی اختلاس‌ها و مفاسد اقتصادی نشان می‌دهد که بیکره اقتصاد ایران بیمار شده و طی سال‌های اخیر ویروس فساد اقتصادی در آن رشد و نمو چشمگیری داشته است. گزارش نهادهای اقتصادی داخلی و بین‌المللی نیز بر همین موضوع صحنه می‌گذارد. حال باید پرسید که چرا در دهه چهارم انقلاب و به هنگامه ثبات و آرامش کشور و آمادگی بسترهای لازم برای توسعه و پیشرفت اقتصادی با رشد خیره‌کننده چنین پدیده‌هایی روبرو هستیم. برای واکاو ریشه‌های فساد و علت رشد بی‌سابقه آن با دکتر فرشاد مومنی اقتصاد دان برجسته و مستقل به گفت و گو نشستیم. کارشناسی که معتقد است افزایش بی‌سابقه درآمدهای نفتی خود مستعد افزایش فساد است و به هنگامه ای که این افزایش با ناکارآمدی و قانون‌گریزی دولت مردان همزمان شد نتیجه‌ای جز این فسادهای افسارگسیخته نمی‌توان از آن انتظار داشت. وی از دولت تازه نیز گلایه دارد و تاکید می‌کند یگانه راه مبارزه با فساد بر خورد علمی و کارشناسی شده با این موضوع است که تاکنون در این مسیر اقدامی انجام نپذیرفته است. در ادامه گفت و گو با دکتر فرشاد مومنی را می‌خوانید:



■ ریشه‌های فساد در اقتصاد ایران به نظر بعضی از منتقدین و کارشناسان عمیق شده است، نظر شما راجع به رسوخ این مولفه آسیب‌زاد اقتصاد ایران و چرایی این پدیده چیست؟

در سطح نظری گفته می‌شود اقتصادهایی که یک بازتاب نهادی کژ کار دارند، وقتی شوک قیمت نفت پدید می‌آید به صورت بالقوه آن کشور مستعد گسترش و تعمیق فساد مالی متناسب با سطح افزایش قیمت‌ها می‌شود. در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ کشور ما با تجربه بی‌سابقه‌ترین افزایش درآمدهای نفتی روبه‌رو شد. به طور ملموسی مشخص بود که کشور مستعد این است که از نظر گستره و عمق فساد مالی به سمت و سوی قابل توجهی پیش رود. متأسفانه دقیقاً در همین دوره ایران شاهد روی کار آمدن دولتی بود که به صورت نظام‌وار اداره کشور را به روش‌های علم‌گریزانه، قانون‌گریزانه و برنامه‌گریزانه سوق داد و طبیعتاً وقتی عمق فساد بر اثر افزایش قیمت نفت با این طرز حکمرانی که

حتی در شرایط عادی هم برای کشورهای غیرنفتی می‌تواند باعث افزایش فسادهای گسترده شود، هم‌زمان شده و در تلاقی قرار گرفت، نتایج اینچنینی به بار آمد.

■ یعنی شما عقیده دارید افزایش بی‌رویه فساد اقتصادی در کشور مربوط به دولت قبل است و ادامه آن به این دولت رسیده است؟

بحث بر سر این است که اقتصاد نفتی همیشه در سطوحی از فساد نقشی گسترده دارد. اما ترکیب دو مولفه افزایش قیمت و روی کار آمدن دولتی نه چندان کارآمد در دو دوره ی قبل، کشور را به بی‌سابقه‌ترین سطوح از فساد مالی در دوره پس از انقلاب روبرو کرد و ادله اثبات این قضیه هم این است که حتی مقامات رسمی دولتی از پدیده فساد سیستمی در دوره ی قبل یاد می‌کنند. پس مسئله با آن‌ها شروع نشد، اما گستره و عمق بی‌سابقه‌ای پیدا کرد که نشان داد ریشه در فقدان یک حکمرانی با کفایت و با تدبیر دارد و متعلق به یک اقتصاد رانتی است که ترکیب این دو با هم این شرایط



راه نجات خوج از رکود تورمی این است که ما شاهد وقوع رشد با کیفیت باشیم یعنی رشدی که از طریق رونق بخشی به فعالیت‌های حقیقی در اقتصاد اتفاق بیافتد و سرمشأ آن هم گسترش و تعمیق اشتغال مولد است

فعلی از تمدید یک برنامه پیشگیرانه مبارزه با فساد غفلت کند، احتمال اینکه با شیب کمتری نسبت به دولت قبلی در این دولت هم همان گرفتاری‌ها باقی بماند وجود دارد. شاید خیر خواهانه‌ترین توصیه‌ای که به این دولت می‌توان کرد همین است که در هجده ماه فرصتی که از دست داده است، از آن عبرت بگیرد و هر چه سریعتر با همکاری نهادهای دیگر این فضا را برای کشور ایجاد کند که با یک برنامه علمی و سامان دهی شده به مبارزه با فساد موجود در کشور بپردازد و آن را به حداقل برساند.

■ بانک جهانی عنوان کرد که ایران در هشت ماه اخیر رشد اقتصادی داشته است. به نظر شما اگر رشد اقتصادی هم نداشته باشد این دولت کشور را به سمت ثبات اقتصادی پیش برده است یا نه؟

در همین سطح از تورم و بیکاری که کشور را دربر گرفته است، ایران هنوز جزو بیست کشور با بالاترین میزان نرخ تورم و بیکاری قرار دارد. بنابراین اگر در مقایسه با دولت قبلی این سوال مطرح شود پاسخ مثبت است. به این معنا که همان سیاست‌های مخرب قبلی اما با شیب کمتر در جریان است. پس در مقایسه با آن‌ها به بی‌ثباتی کمتری رسیده‌ایم. اما اگر مبنای بر اساس شرایط جهانی در نظر بگیریم، می‌توانیم بگوییم که فاصله معناداری میان آنچه که در جریان است و آنچه که باید باشد وجود دارد. نکته بسیار مهم و کلیدی که کمتر به آن توجه می‌شود این است که در شرایط کنونی که اقتصاد سیاسی ایران گرفتار یک دوره رکود تورمی شده، مهم تر از کمیت رشد اقتصادی، کیفیت رشد است.

راه نجات خوج از رکود تورمی این است که ما شاهد وقوع رشد با کیفیت باشیم یعنی رشدی که از طریق رونق بخشی به فعالیت‌های حقیقی در اقتصاد اتفاق بیافتد و سرمشأ آن هم گسترش و تعمیق اشتغال مولد است.

با کمال تأسف تا کنون دولت محترم در این زمینه اقدام اصولی و چشم گیری انجام نداده است و تأسف بیشتر این است که سمت گیری‌های لحاظ شده در لایحه بودجه سال ۱۳۹۴ هم نشان دهنده حساسیت و دقت کافی در این زمینه نیست. بنابراین باید امیدوار بود که در جریان تدوین برنامه ششم توسعه کشور این غفلت‌ها و سهل انگاری‌هایی که وجود دارد به حداقل برسد و اراده همگانی برای رفتن به سمت رشد با کیفیت در کشور فراهم شود.

اقتصادی حدود پنج برابر بیشتر از دوره قبل دلار نفتی خرج کرده است. این یعنی در واقع رشد اقتصادی حاصل شده در دوره آقای احمدی نژاد را می‌توانستیم با یک پنجم دلارهای نفتی پرداخت شده اداره کنیم و معنایش این است که چهار پنجم دلارهای نفتی دوره هشت ساله دلوپاسان با آمیزه‌ای از فساد و ناکارایی تلف شده و از بین رفته است. بنابراین به نظر من کانون اصلی این خلاء قانونی فقدان یک برنامه علمی مبارزه با فساد است که برای پیشگیری سامان پیدا کرده باشد. چون چنین برنامه‌ای وجود ندارد و به همین دلیل رفتار نهادی ما همواره مستعد فساد مالی باقی می‌ماند و وقوع پر شمار موارد فساد را دامن می‌زند. در نتیجه آن شرکت‌هایی که شما ذکر کردید نمونه‌های کوچکی است از آن چیزی است که در این ساختار ناکارآمد در غیاب یک برنامه مبارزه با فساد می‌تواند به وقوع بپیوندد. در نتیجه با توجه به هشدارهای که بسیاری از کارشناسان مطرح کردند اگر دولت

را برای جامعه‌ی ما به وجود آورد. ■ خلاء قانونی که طی آن شرکت‌های بزرگ سهام خود را خارج از بورس فروختند، دلیلش بی‌کفایتی مسئولین است یا اینکه استحکام قوانین بورس از سطح بالایی برخوردار نیست که بتواند با شرکت‌های بزرگ مقابله کند؟

وقتی که شما در سطح کلان نگاه می‌کنید گسترده و عمق فساد در دوره قبل را در ساده‌ترین شکل می‌توان مشاهده کرد. با مطالعه‌ای که مرکز پژوهش‌های مجلس در مهر ماه سال ۱۳۹۲ منتشر کرد نشان داد که چگونه روش‌های علم گریزانه، قانون گریزانه و برنامه گریزانه دولت قبل کشور را با یک ترکیب بی‌سابقه‌ای از فساد و ناکارایی روبرو کرده است.

برای اینکه ابعاد این مسئله روشن شود شما می‌توانید به مهم‌ترین یافته مطالعه مرکز پژوهش‌ها مراجعه کنید. در آن تصریح شده است که در دوره ریاست آقای احمدی نژاد و کابینه‌ی ایشان کشور ایران برای دستیابی به هر یک از واحدهای رشد

# رمز گشایی از ک

## ■ بالاترین نرخ بیکاری بلندمدت؛ سال ۸۹

امادر این میان، در این سال‌ها، بیشترین نرخ بیکاری بلندمدت به سال ۸۹ اختصاص داشت؛ سال اجرای فاز اول هدفمندی یارانه‌ها، بسیاری از تحلیلگران اقتصادی و کارشناسان بازار کار می‌گویند: افزایش بیکاری در میان دهک‌های درآمدی ضعیف جامعه و همچنین برخی خانوارهای روستایی اثر منفی اجرای ناقص هدفمندی یارانه‌ها از سال ۸۹ به بعد، با رقم ناچیز ۴۴ هزار و ۵۰۰ تومان یارانه نقدی بود. آمارهای غیررسمی می‌گویند: از سال ۸۹ به بعد اوضاع اشتغال و بیکاری در ایران نگران‌کننده‌تر شده است؛ البته هدفمندی یارانه‌ها فقط یکی از دلایلی است که در کنار تشدید تحریم‌ها، کاهش تولید و افزایش رکود در اقتصاد کشور دست به دست هم داده‌اند تا بیکاری هر سال بیش از سال قبل

از ۱۰ سال گذشته تاکنون ثابت مانده است. به این مفهوم که بسیاری از افراد جویای شغل بیش از یک سال دوران بیکاری خود را سپری می‌کنند. همچنین بررسی نوسانات وضعیت بیکاری بلندمدت جمعیت کل کشور در سال‌های ۸۴ تا ۹۳ نشان می‌دهد: این شاخص در سال ۸۴ معادل ۴,۳ درصد از جمعیت کشور را شامل می‌شد و در سال ۸۵ نیز این عدد ثابت ماند. در سال‌های ۸۶ و ۸۷ میزان بیکاری بلندمدت از «کل جمعیت» ۱,۴ درصد بود که البته در سال ۸۶ سهم این شاخص از جمعیت شهری ۵,۲ درصد بود و در سال ۸۷ به ۴,۹ درصد از جمعیت «شهری» کاهش یافت. از طرفی، تعداد افرادی که در کل کشور، در یک سال یا بیشتر بیکار بودند با رشد ۰,۴ درصدی از ۴,۱ درصد در سال ۸۷ به ۴,۵ درصد در سال ۸۸ افزایش یافت.

## ➤ رضا عابدی

نرخ بیکاری در بهار سال ۹۵ به ۱۲,۲ درصد رسیده است، شمار بیکاران در کشور از مرز سه میلیون و صد هزار نفر عبور کرده و در این شرایط یک میلیون و ۸۰۰ هزار جوان در کشور هیچ شغلی ندارند، این آمار چکیده‌ای از تازه‌ترین گزارش مرکز آمار ایران درباره وضعیت بیکاری در کشور است که اعلام کرده بود؛ این اعداد به خوبی از اورژانسی شدن وضعیت اشتغال در ایران حکایت دارند؛ هیچ‌یک از سیاست‌های اشتغال‌زایی هم که در ایران انجام شده است، نتوانسته حتی کمی از وخامت این اوضاع را کم کند. پیش از این هم بررسی آمار رسمی بیکاری حکایت از ۵۰ درصد از تحصیلکرده‌های کشور در لشکر بیکاران دارد. برخی گزارش‌های جدید میدانی هم نشان می‌دهد: شاخص بیکاری بلندمدت در ایران

# بیکاری پاشنه آش



که دولت از همان ابتدا باید حواس تیم اقتصادی را روی ایجاد اشتغال با درپیش گرفتن سیاست‌های انبساطی از جمله افزایش سرمایه‌گذاری و توزیع پول در بخش تولید متمرکز می‌کرد، و گرنه دستیابی به تورم تک‌رقمی در شرایطی که رکود بر اقتصاد کشور حاکم است، نمی‌تواند به عنوان یک دستاورد تلقی شود. اگر چه معتقد هستم به سرانجام رسیدن برجام می‌تواند مهم‌ترین دستاورد دولت یازدهم تلقی شود زیرا ظرفیت‌های اقتصادی بسیاری را برای بهره‌برداری ایران آزاد کرد. حالا تیم اقتصادی در این فرصت باقی مانده از عمر دولت باید بتواند از ظرفیت‌های ایجاد شده به واسطه برجام در راستای رونق و بهبود وضعیت معیشتی مردمی که سال‌ها رنج تحریم‌های اقتصادی را تحمل کرده بودند، استفاده کند.

■ **شاغل کسی است که با وجود درآمد فقیر نباشد!** تحلیلگر بازار کار بر این باور است که مرکز آمار یک سازمان بسیاری تخصصی است و کسی نباید آن را زیر سوال ببرد، اما وقتی پای خط فقر به میان آید فرد شاغل کسی است که دارای درآمد باشد ولی فقیر محسوب نشود. حمید حاج اسماعیلی، اظهار کرد:

## ➤ علیرضا حیدری

نایب‌رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری بیکاری در ایران از مرز بحران هم عبور کرده است. اجرای سیاست‌های نادرست اقتصادی از سوی هر دولتی که بر سر کار آمد، گوشه‌ای از بازار کار در ایران را به آتش کشید. بزرگ‌ترین اشتباهی که محمود احمدی‌نژاد، رئیس دولت‌های نهم و دهم، مرتکب شد، سیاسی کردن همه‌امور از جمله بسیاری از سیاست‌های اقتصادی در کشور بود. برای مثال، احمدی‌نژاد برای طرح مسکن مهر که می‌توانست گوشه‌ای از مشکلات اشتغال در ایران را حل کند، ۲۴ تا ۲۵ هزار میلیارد تومان هزینه کرد اما به دلیل سیاسی شدن این پروژه، تأثیر مطلوب مورد نظر حاصل نشد و بخش عظیمی از منابع مالی مملکت به باد رفت. دولت آقای روحانی هم که بر سر کار آمد، تمرکز خود را بر به سرانجام رساندن توافق هسته‌ای و تحقق وعده تک‌رقمی شدن نرخ تورم گذاشت. این دو انجام شد اما شاهد هستیم که ایجاد شغل در کشور برای سه میلیون بیکار همچنان پاشنه آشیل اقتصاد ایران است. این در حالی است

## لید اشتغالزایی

احتمالاً سالانه ورود ۸۰۰ هزار تا یک میلیون نفر جوان متقاضی شغل به بازار کار، مسئولیت دولت‌ها را به دور از شعار، در تدوین سیاست‌های جلوگیری از ریزش نیروی کار بیشتر می‌کند؛ البته، وزیر کار جلوگیری از ریزش نیروی کار، حفظ اشتغال موجود و ایجاد اشتغال جدید را از سیاست‌های خود در حوزه کار و اشتغال عنوان می‌کند. بسیاری از کارشناسان اقتصادی بر این باور هستند، در پیش گرفتن سیاست‌های انقباضی از سوی دولت یا زدهم برای تحقق وعده تک‌رقمی کردن نرخ تورم در واقع به افزایش بیکاری در کشور دامن زد. در مقابل تحلیلگرانی هستند که می‌گویند: اگر این گونه بود چرا با وجود تورم نزدیک به ۴۰ درصدی در دولت‌های نهم و دهم اما گشایشی در رفع بیکاری جوانان صورت نگرفت؟

جمعیت روستایی، روند صعودی این نرخ را به تصویر می‌کشد؛ نرخ که در سال ۸۴ معادل ۲،۱ درصد بود در سال ۸۸ به ۲،۶ درصد رسید و در سال ۸۹ نرخ سه درصد را تجربه کرد. در جمعیت روستایی این نرخ در سال ۹۰ ثابت ماند و در سال‌های ۹۱ و ۹۲ به ترتیب به ۲،۷ و ۲،۸ درصد کاهش یافت اما دوباره نمودار انتظار شغل جمعیت روستایی در سال ۹۳ به ۳،۱ درصد رسید؛ این آمار نشان‌دهنده این است که مدت انتظار برای جست‌وجوی شغل در روستاها نسبت به جمعیت شهری بحرانی‌تر است. با این حال، ثبات تقریبی این نرخ در ۱۰ سال اخیر در کل کشور و روند صعودی آن در جمعیت روستایی، حاکی از آن است که بیکاری بلندمدت به جای روند کاهشی، در کل کشور روند ثابت و در جمعیت روستایی روند صعودی داشته است که با

گریبان جوانان و تحصیلکرده‌های کشور را بگیرد به طوری که در سال ۸۹، نرخ بیکاری بلندمدت به ۵،۲ درصد رسید. این نرخ از سال ۹۰ ضمن بازگشت به دامنه چهار درصد، هرچند اندک اما سیر نزولی به خود گرفت و در این سال ۴،۷ درصد از جمعیت کل کشور را شامل شد؛ البته در سال ۹۱ نیز میزان جمعیت بیکار «در مدت بیش از یک سال» بدون تغییر نسبت به سال ۹۰ همان ۴،۷ درصد ثابت ماند. در سال ۹۲ نیز این نرخ به ۴،۶ درصد و در سال ۹۳ به ۴،۵ درصد کاهش یافت. بررسی این آمار نشان می‌دهد، نرخ بیکاری بلندمدت در مجموع مردان و بانوان، از ۴،۳ درصد در سال ۸۴ به ۴،۵ درصد در سال ۹۳ رسیده که نه تنها کاهش نداشته است بلکه از رشد ۰،۲ درصدی حکایت دارد. همچنین بررسی بیکاری بلندمدت در

## بیل اقتصاد ایران

و اعتماد مردم به مرکز آمار حفظ شود. حاج اسماعیلی با بیان اینکه در دولت قبل هم به همین استاندارد سازمان جهانی کار استناد کردند و چالش برانگیز شد، گفت: دلیل اینکه امروز نقدهایی بادو گرایش مختلف به آمار اشتغال مرکز آمار وارد می‌شود به دلیل آن است که بخش اعظمی از کارها در کشور سیاست‌زده است و با نگرش سیاسی به آنها نگاه می‌شود و همین امر اعتبار و اعتدالی مرکز آمار را زیر سوال برده است. به گفته وی مرکز آمار یک مرکز علمی و تخصصی است که از مجموعه اطلاعات و داده‌های آماری کشور استفاده می‌کند و از این جهت باید از نگرش سیاسی دوری کند. او تأکید کرد: دولت یا زدهم پذیرفته است که شاغل را کسی محسوب کند که فارغ از اینکه چند ساعت در هفته یا ماه کار می‌کند معیشتش تأمین شود هر چند که ممکن است این مساله از زوایای مختلف تعریف شود ولی وقتی بر اساس خط فقر تعریف می‌کنیم فردی شاغل است که درآمدی داشته باشد اما فقیر محسوب نشود. خوشبختانه معاونت اشتغال وزارت کار نیز به این مساله رسیده و همین تعریف را پذیرفته است که یک گام به جلو محسوب می‌شود.

انتقادی که به مرکز آمار ایران وارد می‌شود این است که افرادی را در سرشماری بر اساس استانداردهای سازمان جهانی کار شاغل محسوب می‌کند که زندگی آنها تأمین نشود بنابراین فردی که زندگی‌اش را در مسیر حداقل‌ها تأمین کند ولو با یک ساعت کار در هفته می‌توان شاغل نامید. وی ادامه داد: اما حقیقت آن است که این تعاریف مربوط به کشورهای توسعه یافته است و سازمان جهانی کار مکانیسم محاسبه یک ساعت کار در هفته را برای کشورهای توسعه یافته پیش‌بینی کرده است؛ چون اقتصاد این کشورها متکی به بخش خصوصی است و مشاغل آنها عمدتاً ساعتی تعریف می‌شود و نکته قابل توجه اینکه حقوق یک ساعت کار در خارج حداقل‌ها را تأمین می‌کند لذا اگر در ایران فرد در روز در هفته هم به این طریق شاغل محسوب شود دارای اشکال است. این کارشناس بازار کار با اشاره به تعریف مرکز آمار از اشتغال ناقص، اظهار کرد: این تعریف ابهام در میزان بیکاری ایجاد کرده است در حالی که باید شغل کامل را برای استخراج نرخ بیکاری شفاف اعلام کنیم تا تردیدهایی که در این زمینه ایجاد می‌شود از بین برود



اقتصاددانان تشریح کردند

# ابهام در نرخ بیکاری ایران



امین فیاضی

اقتصاد

آنگونه که شایسته است در نرخ بیکاری منتشر شده از سوی مراجع رسمی خود را نشان ندهد. این اقدام مورد انتقاد شدید کارشناسان و منتقدان عملکرد اقتصادی دولت نهم و دهم نیز قرار گرفت. البته پاسخ این دولت نیز روشن بود ابتدا اینکه این اقدام و مقدمات تغییر در شیوه محاسبه در دولت هشتم انجام شده است، سپس اینکه طبق تعریف ILO نرخ بیکاری باید به همین شیوه که اکنون مرسوم شده حساب شود.

**پاسخ مرجع رسمی**

در دولت قبل و ابتدای دولت یازدهم در راس مرکز آمار افرادی کرسی ریاست را به عهده داشتند که کمتر خود را ملزم به پاسخگویی به رسانه‌ها می‌دانستند. شاید به همین دلیل هرگز جواب شفاف و روشنی به این سوال داده نشد که بالاخره در مورد این نرخ چه تصمیمی گرفته شده و چرا با وجود انتقاد کارشناسان درباره اینکه این نرخ واقعی نیست تصمیم کارشناسانه‌ای گرفته نمی‌شود. البته با تغییر ریاست این سازمان که حدود سه ماه پیش اتفاق افتاد شرایط تغییر کرد و ریاست جدید در بدو ورود روابط مساعدی را با رسانه‌ها آغاز کرد.

او به این سوال که مرکز آمار در شرایط کنونی و با تغییر دولت یازدهم از چه شیوه‌ای برای محاسبه استفاده می‌کند، بیان کرد: ما نیز مانند آنچه ILO تعیین کرده بر حسب کار ساعتی هفته نرخ بیکاری را محاسبه می‌کنیم. وی همچنین در پاسخ به این انتقاد که عده‌ای معتقد

برای ارایه‌های نادرست شدند. یکی از این آمارها مربوط به نرخ بیکاری بود. مهم‌ترین عامل تاثیر گذار در نرخ بیکاری نیز رشد اقتصادی است و طبیعتاً در سال‌هایی که کارشناسان اقتصادی رشد اقتصادی را هر سال نسبت به سال قبل کمتر ارزیابی می‌کردند، باید این رشد منفی خود را در نرخ بیکاری نشان می‌داد ولی وقتی مراجع رسمی نرخ بیکاری را منتشر می‌کردند آمارها به گونه‌ای بود که گویی رشد منفی به صورت ناچیزی در نرخ بیکاری منعکس شده است.

**تغییر در شیوه محاسبه آمار**

سال‌ها شیوه محاسبه نرخ بیکاری در ایران بر پایه روزانه بود. به این ترتیب که مثلاً اگر فردی در هفته دو روز کار کند جزو بیکاران نرخ بیکاری به حساب نمی‌آید، ولی این شیوه در ابتدای دولت نهم تغییر کرد به گونه‌ای که اگر هر فرد به جای هفته‌ای دو روز، هفته‌ای یک ساعت کار کند در شمار بیکاران به حساب نمی‌آید.

طبیعتاً تغییر به این بزرگی در محاسبه نرخ بیکاری سبب آن شد که کاهش رشد اقتصادی

کارشناسان می‌گویند نرخ بیکاری در ایران ۱۲ درصد نیست و مرکز آمار ایران باید برای رسیدن به عدد واقعی شیوه‌های محاسبه خود را تغییر دهد، مرکز آمار هم می‌گوید شیوه محاسبه بیکاری همان است که در ILO آمده و نمی‌توان آن را تغییر داد. ولی به اعتقاد برخی دیگر از کارشناسان آیا واقعا مرکز آمار ایران راهی برای ارایه اطلاعات جامع و واقعی درباره نرخ بیکاری ندارد؟ زمانی که دولت نهم و دهم بر سر کار بود متهم می‌شد با برخی اقدامات از جمله دستکاری در پایه‌های آماری تلاش می‌کند وضعیت اقتصاد ایران را بهتر از آنچه هست نشان دهد. به هر حال وضعیت اقتصادی کشور در آن هشت سال به سمتی پیش می‌رفت که افراد جامعه افت شاخص‌های کلان اقتصادی

را احساس می‌کردند. با این حال وقتی مراجع رسمی آمارهای مربوط را اعلام می‌کردند این آمارها آنگونه که لازم بود تورم بالا، بیکاری قابل توجه و رشد اقتصادی منفی را منعکس نمی‌کردند. نتیجه آن بود که مراکز رسمی و دولتی ارایه‌های متهم به همدستی با دولت

**مهم‌ترین عامل تاثیر گذار در نرخ بیکاری نیز رشد اقتصادی است و طبیعتاً در سال‌هایی که کارشناسان اقتصادی رشد اقتصادی را هر سال نسبت به سال قبل کمتر ارزیابی می‌کردند، باید این رشد منفی خود را در نرخ بیکاری نشان می‌داد**





هستند این نرخ بیانگر وضعیت واقعی بیکاری در کشور نیست، چنین توضیح داد: این نرخ طبق معیارهای بین‌المللی تعیین می‌شود و ما نباید جدا از شیوه مرسوم دینانرخ بیکاری ارایه کنیم، ولی با این همه نرخ‌های مربوط به شیوه‌های دیگر محاسبه بیکاری در مرکز آمار وجود دارد و در اختیار تصمیم‌گیران قرار می‌گیرد.

#### ■ کارشناسان چه می‌گویند؟

جواب کارشناسان به این مسئله این است که بله، طبق محاسبات ILO نیز بیکار به کسانی اطلاق می‌شود که حتی هفته‌ای یک ساعت هم کار نمی‌کنند. با این همه آنها انتقاداتی را به این شیوه اعلام نرخ بیکاری وارد می‌کنند، مثلاً اینکه این شیوه در ایران چندان به کار نمی‌آید و نمی‌توان در تحقیق و پژوهش و برنامه‌ریزی بر مبنای آن عمل کرد.

داوود سوری در این زمینه توضیح می‌دهد: ILO یک شیوه مشخص را برای اعلام بیکاری معرفی کرده است چرا که می‌خواهد وضعیت بیکاری را در کشورهای جهان به شکل واحدی داشته باشد. ولی با این همه این نرخ در داخل کشور برای سیاست‌گذاران و پژوهشگران به کار نمی‌آید چرا که هیچ اطلاعاتی به این افراد نمی‌دهد. این اقتصاددان اظهار می‌کند: طبیعتاً برای اینکه اطلاعات شفاف‌تری از وضعیت بیکاری در کشور داشته باشیم نیاز داریم آمارهای مربوط به دینامیک بیکاری، مدت زمانی که افراد بیکار می‌مانند و... را نیز داشته باشیم

و بسیاری از کشورها این اطلاعات مربوط به بیکاری را منتشر می‌کنند که خلاء آن در ایران احساس می‌شود.

#### ■ برداشت اشتباه

همچنین یکی از نقدهایی که کارشناسان به مراجع رسمی اعلام بیکاری در ایران می‌کنند این است که آنچه آن‌ها از استانداردهای ILO برداشت می‌کنند اشتباه و بعضاً طبق منافع خود است.

حمید حاج اسماعیلی، در این زمینه می‌گوید طبق آنچه ILO مطرح می‌کند زمانی نرخ بیکاری را می‌توان بر مبنای هفته‌ای یک ساعت حساب کرد که همان یک ساعت کفاف معاش خانواده را بدهد. این موضوع توسط وزارت کار نیز تأیید شده است که لزوماً کسانی که طبق یک ساعت کار در هفته، بیکار محسوب نمی‌شوند، کاری که انجام می‌دهند کفاف معیشت

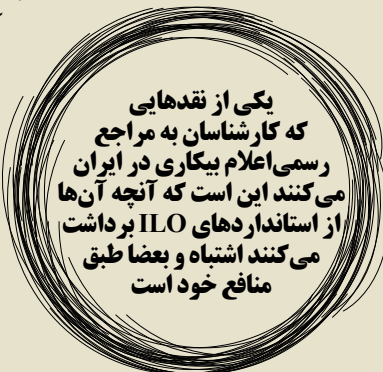
خانواده آن‌ها را نمی‌دهد ولی مرکز آمار ایران همچنان اصرار دارد به همان شیوه نرخ بیکاری را اعلام کند.

وی تصریح می‌کند: البته ما معتقدیم که اگر شیوه محاسبه نرخ بیکاری در ایران به همان شیوه قبل خود برگردد یعنی مبنای محاسبه کار دو روز در هفته باشد

باز هم ارقام به دست آمده منعکس کننده نرخ واقعی بیکاری در ایران نیست چرا که نرخ بیکاری در ایران حدود دو برابر نرخ مطرح شده و در حدود ۲۴ درصد است.

بنابر آنچه گفته شد گرچه شیوه مرسوم ILO و بهترین بیکاری در ایران را شکل‌تر کرده است، ولی به هر حال وضعیت بیکاری در ایران آن نیست که در این آمارها منعکس می‌شود و این موضوعی است که افراد جامعه آن را احساس کرده و کارشناسان نیز آن را تأیید می‌کنند. بنابراین شاید بهتر باشد به اعتبار سخنان برخی کارشناسان مراجع رسمی اعلام نرخ بیکاری، در اعلام این نرخ علاوه بر انتشار آمار مطابق با استاندارد ILO به انتشار اطلاعات دیگر مربوط به نرخ بیکاری از جمله دینامیک بیکاری، مدت زمان بیکار بودن افراد، نرخ بیکاری بر مبنای کار روزانه و... مبادرت کنند.

چرا که این اقدام منجر به آن خواهد شد علاوه بر اینکه اطلاعات لازم در اختیار درخواست‌کنندگان قرار گیرد، به اعتماد و افزایش سرمایه اجتماعی مرکز آمار ایران نیز منجر خواهد شد.





۸۰ درصد دانشجویان فاقد

# آفتی به مدرک

۸۰ درصد وزرا در کشور توسعه یافته‌ای مانند انگلیس دارای مدرک تحصیلی لیسانس هستند، بسیاری از مدیران و کارمندان دولتی در کشور ما پول می‌دهند تا مدرک دکترا بگیرند

اقتصاد

محمد رضا دیانی



۱۳۹۵

دانشگاه عاقلانه است؟ این وضعیت ریشه در چه چیزی دارد؟ کدام نهادها کوتاهی کرده‌اند و چه کسانی باید پاسخگو باشند؟

به گفته کارشناسان طبیعتاً نهادهای مرتبط با بازار کار، بخش خصوصی، دولت و نهادهای دانش بنیان به هر دری هم بزنند با وجود حجم گسترده فارغ‌التحصیلان و ناتوانایی‌هایی که در آنها سراغ دارند، نمی‌توانند در یک بازه زمانی کوتاه پاسخگوی نیاز آنها باشند.

کما اینکه در قبال دانشجویان بی‌مهارت هم مسئولیتی نداشته‌اند. وضعیت آشفته دانشگاه‌ها و بازار زمانی روشن می‌شود که بدانیم کشور ما تبه سوم دنیا در تعداد فارغ‌التحصیلان رشته مهندسی را دارد و بیکارترین‌های کشور در این رشته تحصیل کرده‌اند. به گفته کارشناسان در حالی که ۸۰ درصد وزرا در کشور توسعه یافته‌ای مانند انگلیس دارای مدرک تحصیلی لیسانس هستند، بسیاری از مدیران و کارمندان دولتی در کشور ما پول می‌دهند تا مدرک دکترا بگیرند فارغ از اینکه حتی به یک زبان بین‌المللی اشراف داشته باشند. لیلا دانشمندی، نایب رئیس مراکز مشاوره شغلی کل کشور در اتاق بازرگانی در این رابطه می‌گوید: زمانی که پای ارزش‌ها در میان باشد، مردم حاضرند هر هزینه‌ای بپردازند. فرقی نمی‌کند چه دانشگاه باشد یا هر چیز دیگری؛ برای مردم مهم این است که پا به پای بقیه و همگام با فرهنگی که جامعه برای آنها به‌ارمغان آورده، پیش بروند. به همین دلیل در حال حاضر رفتن به دانشگاه و گرفتن مدرک برای خیلی‌ها ارزش شده است. بعضی از مردم صرفاً برای اینکه از نظر موقعیت اجتماعی جایگاه خوبی داشته باشند، به دانشگاه می‌روند، درس می‌خوانند و مدرک می‌گیرند.

#### ■ انگیزه‌های سودجویانه دانشگاه‌ها

وی با اشاره به خروجی بی‌کیفیت دانشگاه‌ها توضیح می‌دهد: از طرفی انگیزه‌های سودجویی بر دانشگاه‌ها غالب شده و دانشگاه‌ها محلی شده‌اند برای کسب درآمد نه توزیع واقعی علم. دانشگاه‌ها برای به دست آوردن بیشتر بازاریابی می‌کنند و از آنجایی که در قبال آینده دانشجویان مسئولیتی نپذیرفته‌اند، دانشجویانی به جامعه تحویل می‌دهند که بار علمی زیادی ندارند؛ نه دانسته مطلوبی دارند و نه توانمندی موثری. عمر، هزینه و فرصت جوانان امروزی به بطلالت می‌رود و آینده برای آنها روشن نیست.

بنا به آخرین گزارش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، در حال حاضر در ایران ۲ هزار و ۶۴۰ دانشگاه وجود دارد که از این میان سهم وزارت علوم از جمعیت دانشجویی ۶۸ درصد و سهم دانشگاه آزاد ۳۲ درصد است. این در حالیست که براساس اعلام موسسه اسپانیایی CISC چین تنها ۲ هزار و ۴۸۱ و هند هزار و ۶۲۰ دانشگاه دایر کرده است.

دانشگاه‌ها برای جذب دانشجو با همدیگر به رقابت می‌پردازند و برای جذب دانشجوی بیشتر اعتبار دانشگاهی خود را به بوق و کرنا می‌گذارند. سایت‌ها پر است از تبلیغ و آگهی برای پذیرش دانشجو و حتی بنرهای شهری نیز از دست آنها درامان نمانده است. هر شهری یک یا چندین دانشگاه دارد و بعضی مواقع از دیاد دانشگاه‌ها که بیش از ظرفیت دانشجویان است، فضای داخلی دانشگاه‌ها را به ظاهر خالی نشان می‌دهد.

حجم گسترده دانشگاه‌ها چه دولتی و چه غیردولتی، موجی از فارغ‌التحصیلان و دانشجویان را به راه‌انداخته

تحصیل در یک دانشگاه غیردولتی هزینه‌های میلیونی برای دانشجویان دارد. شهریه‌هایی که پرداخت آن ضمانتی برای تضمین آینده شغلی دانشجویان نیست. نه دانشگاه وظیفه چنین تضمینی را دارد و نه دانشجویان همچنین انتظاری. بازار کار هم با وجود وضعیت آشفته‌ای که دارد، خیلی وقت است که از پاسخ به مطالبات فارغ‌التحصیلان شانه خالی کرده است. با این حال آنچه جای سوال و ابهام دارد، انگیزه و هدفی است که مردم را به تحصیل و رفتن به دانشگاه واداشته است. با وجودی که بازار کار نتوانسته است به میزان نیاز فارغ‌التحصیلان شغل ارائه کند، باید پرسیم

د مهارت هستند

نام

# گرایی در ایران

که هیچ بازاری قادر به پوشش توقعات و خواسته‌های آنها نیست.

آیا این دانشگاه‌ها تعهدی به تربیت علمی و حرفه‌ای دانشجویان با وجود آمار ۸۰ درصدی دانشجویان بی‌مهارت، دارند؟ پرداخت این همه هزینه از سوی دانشجو، دانشگاه، دولت و... برای رسیدن به چه مقصودی است؟ آیا این مقصود با وجود بیکاری ۵۰ درصدی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی حاصل شده است؟ از آنجایی که برابر آمارها، ۸۰ درصد افراد جویای کار فارغ‌التحصیلان دانشگاهی‌اند، آیا صرف هزینه و سرمایه برای گرفتن مدرک دانشگاهی یا تاسیس

مردم به چه نیتی به دانشگاه می‌روند؟ تحصیل‌های هزینه‌بر چه کمکی به جامعه و اقتصاد کشور کرده است؟ نهادهای علمی در قبال پولی که می‌گیرند، چه کمکی به جامعه علمی کرده‌اند؟

طی سال‌های اخیر با گسترش دانشگاه‌ها تعداد دانشجویان و به تبع فارغ‌التحصیلان نیز نسبت به قبل گسترده‌تر شده است و حتی دولت، دانشگاه‌ها و نهادهای حمایتی نیز به شیوه‌های مختلف رغبت مردم به دانشگاه را افزایش داده‌اند. کشور ما اکنون ۵ برابر کشورهای پیشرفته دانشگاه دارد و حتی بیشتر از هند و چین با جمعیت میلیاردي، دانشگاه تاسیس کرده است.

# افزایش نرخ بیکاری با اهرم مشارکت اقتصادی

## ■ ایجاد ۷۴۲ هزار شغل در مدت یک سال

بر این اساس باید گفت اگر چه نرخ بیکاری افزایش داشته اما تعداد شغل‌ها نیز در این مدت افزایش داشته است. بر اساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار بهار ۹۵ از سوی مرکز آمار ایران، تعداد شاغلان کشور در بهار امسال برابر با ۲۲ میلیون و ۶۰۴ هزار و ۷۱۸ نفر بوده که نسبت به بهار پار سال ۷۴۲ هزار و ۸۸۲ نفر افزایش یافته است. تعداد افراد خواهان شغل (مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر) نیز در این فصل رشد چشمگیری داشته است به طوری که تعداد آن به ۲۵ میلیون و ۷۵۴ هزار و ۴۰۰ نفر رسیده است که نشان می‌دهد نسبت به فصل مشابه سال قبل ۱،۵ درصد افزایش داشته است. در سال ۹۳ روند کاهشی نرخ مشارکت متوقف شده به طوری که این شاخص طی یک روند صعودی از ۳۷ درصد در ابتدای سال ۹۳ به ۳۸،۲ درصد در فصل دوم ۹۴ افزایش یافت. کارشناسان علت این افزایش نرخ مشارکت را این گونه توصیف می‌کنند که هر چه مردم چشم‌انداز مثبتی را در کشور احساس کنند، آنها بی‌گانه نشسته بودند و فکر می‌کردند که کاری نیست، حالا به بازار کار وارد می‌شوند. افزایش ۱،۹ درصدی مشارکت اقتصادی زنان گزارش مرکز آمار از نرخ مشارکت اقتصادی زنان بالای ۱۰ سال نشان می‌دهد که طی مدت یک سال گذشته به میزان ۱،۹ درصد افزایش داشته است. بر اساس این آمارها در فصل بهار ۹۴ نرخ مشارکت زنان ۱۳،۳ درصد بوده است ولی در بهار ۹۵ یعنی طی مدت این یک سال به ۱۵،۲ درصد رسیده است. آمارهای نرخ مشارکت زنان در این چند سال اخیر نشان می‌دهد که روند نزولی نرخ مشارکت زنان طی یک سال اخیر متوقف شده است. نرخ مشارکت زنان در یک روند صعودی از ۱۱،۷ درصد در فصل دوم ۹۳ به ۱۳،۷ درصد در فصل دوم ۹۴ رسیده است. با توجه به افزایش نرخ مشارکت و به خصوص نرخ مشارکت زنان طی چند فصل اخیر و همچنین توقف روند صعودی جمعیت غیر فعال به نظر می‌رسد، تصمیم جمعیت غیر فعال برای خارج ماندن از بازار کار تغییر کرده است و به سمت جمعیت فعال روی آورده‌اند. علاوه بر افزایش مشارکت زنان، نرخ مشارکت مردان نیز در این یک سال افزایش داشته است. نرخ مشارکت مردان در بهار سال گذشته ۲۶،۹ درصد بوده که در بهار امسال به ۲۶،۴ درصد رسیده است. محتمل است با توجه به بهبود روابط ایران در عرصه‌های

جدیدترین آمارها از نرخ بیکاری نشان می‌دهد هر چند نرخ بیکاری در کل کشور در فصل بهار امسال افزایش یافته و همچنان روند نماگر این شاخص از بهار سال گذشته رو به بالاست، اما این نسبت بیشتر به دلیل افزایش نرخ مشارکت اقتصادی کل کشور بوده است تا کاهش اشتغالی.

مطابق این گزارش نرخ بیکاری در فصل بهار امسال با ۱،۵ درصد افزایش نسبت به مدت مشابه سال قبل به ۱۲،۲ درصد رسیده است و در سوی دیگر نرخ مشارکت با ۱،۴ درصد افزایش به ۳۹،۵ درصد در بهار امسال رسیده است. این امر نشان می‌دهد، افزایش نرخ بیکاری نه به دلیل کاهش تعداد اشتغال بلکه به خاطر افزایش ورود افراد به بازار کار بوده است. بر اساس این آمار در یک سال گذشته تعداد ۷۴۲ هزار شغل در مدت این یک سال ایجاد شده است.

## ■ نرخ ۱۲،۲ درصدی بیکاری در بهار

مرکز ملی آمار گزارش خود را از طرح آمارگیری از نیروی کار بهار سال ۹۵ منتشر کرد. بر اساس این آمار، نرخ بیکاری در این فصل به ۱۲،۲ درصد رسیده است که در مقایسه با بهار سال گذشته به میزان ۱،۵ درصد افزایش داشته است. این افزایش نرخ بیکاری بر اساس آنچه در تعریف نرخ بیکاری است یعنی نسبت افراد بیکار به تمام افراد فعال در اقتصاد (نرخ مشارکت) صورت گرفته است. در ادبیات اقتصادی نرخ بیکاری نسبت به گروهی از جمعیت محاسبه می‌شود که اولاً در سن کار قرار دارند که در این شاخص افراد ۱۵ ساله به بالا را شامل می‌شود و ثانیاً خواهان کار باشند یعنی جزو جمعیت مشارکت‌کننده اقتصادی که جویای کار و در یکی از صفت بیکار یا شاغل قرار گیرند. بنابراین تعریف نرخ بیکاری بر اساس نسبت تعداد افراد فاقد شغل به کل جمعیت مشارکت‌کننده محاسبه می‌شود. بر اساس داده‌های مرکز آمار نرخ مشارکت در این فصل (بهار ۹۵) به میزان ۱،۵ درصد نسبت به فصل مشابه سال قبل یعنی بهار ۹۴ افزایش یافته است. نرخ مشارکت اقتصادی در بهار ۹۵ به ۳۹،۵ درصد رسیده است. این در حالی است که این شاخص در بهار گذشته ۳۸ درصد بوده است. همچنین بر اساس این آمار نرخ مشارکت بهار امسال نسبت به زمستان یعنی فصل قبل تر خود افزایش ۱،۸ درصدی داشته است. زمستان ۹۴ نرخ مشارکت اقتصادی ۳۷،۷ درصد بوده است.

بین‌المللی و تغییر جهت انتظارات عامه مردم و کاهش اثر مایوس‌کنندگی طی فصول آتی شاهد افزایش عرضه نیروی کار باشیم که اگر اقتصاد قادر نباشد، متناسب با این تحولات اشتغال جدید ایجاد کند، نرخ بیکاری افزایش خواهد یافت. مسعود نیلی مشاور اقتصادی ریاست جمهوری نیز در این زمینه اظهار کرده بود که این نشان می‌دهد که تحرکی در بازار کار مادر سمت عرضه ایجاد شده و ما به استمرار اشتغال نیاز داریم. وی متذکر شده که آنچه از همه مسائل برای کشور ما مهم‌تر به نظر می‌رسد، این است که ما چطور می‌توانیم سالانه ۶۰۰ یا ۸۰۰ هزار شغل را مستمر ایجاد کنیم تا انبوه جمعیت تحصیل‌کرده و جوان بتوانند به شغلی دست یابند. بر اساس تصویری که مسعود نیلی در زمینه اشتغالی ترسیم کرده، باید گفت تا حدودی اشتغالی ۷۴۲ هزار در این یک سال محقق شده است اما چیزی که مایه نگرانی کارشناسان و از جمله خود نیلی شده موضوع افزایش مشارکت است که این اقتصاددان آن را یکی از چالش‌های اصلی دولت در آینده عنوان کرده است. در هر حال چیزی که هم‌اکنون اقتصاد کشور به آن نیاز دارد، رشد اقتصادی اشتغال است. بر اساس آمارها رشد اقتصادی در سال‌های ابتدایی دهه ۸۰ و قبل از اعمال تحریم‌ها، اشتغالزایان بوده و حتی آمارها نشان داده که در فاصله سال‌های ۸۵ تا ۸۹ قریب به ۱۸۵ هزار شغل نیز از بین رفته است. مشاور اقتصادی رییس‌جمهور در این زمینه معتقد است که اگر خواهیم، رشد اقتصادی اشتغالزایان داشته باشیم باید رشد اقتصادی کشور پایدار باشد. به گفته او اگر ما به رشد اقتصادی مثلاً ۶ درصدی در یک دوره چند ساله نیاز داشته باشیم، دو حالت وجود دارد؛ یک حالت این است که در تمام سال‌های این دوره رشد ۶ درصدی داشته باشیم و یک حالت دیگر این است که در برخی سال‌های

## چه شغل‌هایی در آمد زا هستند

سوال از درآمد افراد رفتار مودبانه‌ای نیست. با این حال این یکی از بزرگ‌ترین کنجکاو‌های ماست که بدانیم حقوقی که می‌گیریم در مقایسه با دیگران چقدر کم یا زیاد است. زندگی فعلی ما نتیجه انتخاب‌های گذشته ماست. خیلی از ما در مقطعی از زندگی فرصت آن را داشتیم که رشته تحصیلی دیگری را بخوانیم یا شغل دیگری را انتخاب کنیم که مسیر دیگری را در زندگی پیش پای ما می‌گذاشت. شاید شما هم بارها در تنهایی از خود پرسیده باشید اگر آن رشته یا آن شغل را انتخاب کرده بودم الان وضع مالی من چطور بود؟ آیا در آن مقطع انتخاب درستی کردم یا باید آن شغل و تخصص دیگر را پیگیری می‌کردم؟ ایران تلنت با انجام تحقیقی که بیش از ۳۶ هزار شرکت کننده با شغل‌ها و تخصص‌های مختلف در آن شرکت کردند، به نتایج و اطلاعاتی دست پیدا کرده است که می‌تواند تا حد زیادی به این دست‌سوال‌ها پاسخ دهد. در بیشتر شغل‌های موجود، می‌توان سه رده سازمانی را تصور کرد: مدیر، سرپرست و کارشناس. قاعدتاً سطح درآمدی مدیر از سرپرست و سرپرست از کارشناس بیشتر خواهد بود. از طرف دیگر افراد بر اساس تخصص خود میزان درآمد متفاوتی خواهند داشت. بنابراین تخصص و رده سازمانی دو عامل تأثیرگذار برای تخمین میزان درآمد یک فرد محسوب خواهند شد. بر این اساس تخمینی از متوسط درآمد ماهیانه افرادی که در یک سازمان مشغول به کار هستند در ادامه آورده شده است.

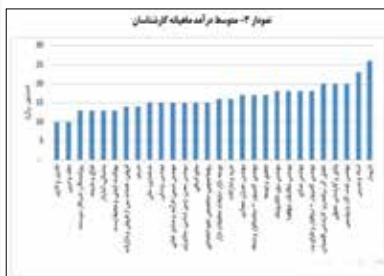


همان‌طور که در نمودار ۱ مشاهده می‌کنید بیشترین درآمد مربوط به مدیران عامل با متوسط درآمد ماهیانه پنج و نیم میلیون تومان و پس از آن به ترتیب مدیران داروساز، نفت و گاز، مدیران مالی و حسابداری است. کمترین درآمد نیز در این سطح، برای مدیران روابط عمومی و مدیران اداری و مدیران دفتر است.



در رده سرپرستان (نمودار ۲) بیشترین درآمدها مربوط به مهندسان ارشد نفت و گاز است. مقایسه نمودار ۱ و ۲ نشان می‌دهد که متوسط درآمد ماهیانه یک مهندس ارشد نفت و گاز از درآمد یک مدیر روابط عمومی و یا مدیر هنری بیشتر است. کمترین درآمد در این سطح نیز برای سرپرستان اداری است.

در مقایسه بین رده‌های سازمانی، در کنار مدیران و سرپرستان یک سازمان، این کارشناسان هستند که بدنه اصلی سازمان را شکل می‌دهند. در میان کارشناسان بیشترین درآمد برای کارشناسان داروسازی است. پس از آن کارشناسان دانشگاهی و مجدداً بخش نفت و گاز بیشترین درآمد را دارند. در رده کم درآمدترین‌ها، پس از کارشناسان اداری و دفتری، معلمان و خبرنگاران کمترین درآمد را دارند.



بنابراین در مجموع به نظر می‌رسد ورود به عرصه‌هایی چون نفت و گاز و همچنین داروسازی می‌تواند درآمد بیشتری برای افراد داشته باشد. کم درآمدترین شغل نیز در حیطه امور اداری و دفتری است که در هر سه رده کمترین درآمد را از آن خود کرده است.



این دوره نرخ رشد ۳ درصدی و در برخی سال‌های دیگر نرخ رشد ۹ درصدی داشته باشیم که در این اقتصاد حالت دوم اشتغالی که ایجاد شود، کمتر از آن حالت اول است.

### ■ مساله بیکاری تحصیلکردگان

مساله مهم دیگری که می‌تواند طی فصول آتی تغییرات قابل ملاحظه‌ای در بازار کار ایجاد کند، مساله افراد دارای تحصیلات عالی و بدون شغل است. بررسی آمارها نشان می‌دهد که در فصل دوم سال ۱۳۹۴ از ۳۹،۴ میلیون نفر جمعیت غیرفعال، ۵،۵ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی (فارغ‌التحصیلان و دانشجویان) هستند که هنوز وارد بازار کار نشده‌اند. همچنین بخش عمده‌ای از این جمعیت در گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال قرار دارند. در صورت کاهش اثر مایوس‌کنندگی این بخش از جمعیت و ورود آن به جمعیت فعال، بهبود قابل توجه در بخش تولید و به‌ویژه ایجاد شغل‌های نیازمند تحصیلات، برای مقابله با افزایش نرخ بیکاری جمعیت دارای تحصیلات عالی، ضرورت بیشتری پیدا می‌کند.

### ■ کرمانشاه همچنان صدرنشین بیکاری

بر اساس داده‌های مرکز آمار از بازار کار استان‌ها، استان کرمانشاه با نرخ بیکاری ۱۹،۲ درصد بیشترین سهم بیکاری را در میان استان‌های کشور دارد. این آمار نشان از افزایش حدود ۵ درصدی نرخ بیکاری در این استان دارد. استان کرمانشاه بهار گذشته نرخ بیکاری ۱۳،۷ درصدی داشت. البته باید متذکر شد که در یک قانون کلی نرخ بیکاری فصول در ایران با توجه به شغل‌های فصلی در برخی فصل‌ها مثل تابستان و پاییز در اکثر آمارهای بهار و زمستان نرخ بیکاری افزایش بیشتری از خود نشان می‌دهد. بعد از این استان، چهارمحال بختیاری با نرخ بیکاری ۱۷،۸ درصد و کهگیلویه و بویراحمد با نرخ ۱۶،۴ درصد بیشترین‌های نرخ بیکاری محسوب می‌شوند. استان آذربایجان شرقی نیز در این آمار کمترین نرخ بیکاری را در میان استان‌های کشور دارد. نرخ بیکاری در این استان ۳،۳ درصد شده که نسبت به بهار سال گذشته ۱،۴ درصد کاهش یافته است.

# بستر کار برای بی سوادان فراهم تر است

قیاس با گذشته نکرده است. از سوی دیگر برآوردهای رسمی نیز تایید می کند خروج از رکود طی سال جاری رخ نمی دهد و روند بیکاری همچنان به همین شکل باقی می ماند.

## ■ سال قبل وضعیت منفی بود

بررسی های آماری تایید می کند که وضعیت بنگاه های صنعتی طی سال گذشته مثبت نبوده است. حتی برخی اظهار نظرها نیز نشان می دهد که رشد اقتصادی کشور سال قبل منفی ۱٫۹ درصد بوده است. بررسی آمارهای مربوط به کارگاه های صنعتی تایید می کند که شاخص تولید کارگاه های صنعتی سال گذشته در قیاس با مدت مشابه سال ۹۳ نزدیک به ۲٫۸ درصد کاهش یافته است. بررسی شاخص کارگاه های بزرگ صنعتی از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۴ نشان می دهد که بیشترین میزان این شاخص مربوط به سال ۱۳۹۰ بوده و هنوز شاخص تولید صنعتی طی چهار سال گذشته به رقم پایه سال نرسیده است. کمترین مقدار شاخص مربوط به سال ۱۳۹۲ و برابر با ۸۸ درصد بوده و بعد از بهبود شاخص در سال ۱۳۹۳، مجدداً این رقم در سال ۱۳۹۴ کاهش یافته است. در چهارمین فصل سال ۱۳۹۴، شاخص تولید در کارگاه های بزرگ صنعتی ۹۵٫۱ رقم خورده که نسبت به فصل پاییز این سال رشد ۶٫۹ درصدی و نسبت به فصل مشابه سال ماقبل، افت حدود ۲٫۹ درصدی را تجربه کرده است.



نرخ بیکاری ۱۱ درصد بوده است. یکی از نمایندگان مجلس نیز در اظهار نظری در مورد آمارهای مربوط به بیکاری گفته است: «در سال ۹۴ بالغ بر ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار بیکار داریم که با احتساب شاغلان ناقص، این میزان به ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر و با احتساب جمعیت فعال دلسرد از اشتغال، این میزان به ۷ میلیون نفر می رسد که رقم فوق تا سال ۱۴۰۰ به ۱۱ میلیون بیکار خواهد رسید که باید توجه داشت تبعات بیکاری صرفاً اقتصادی نبوده و بحران های زیادی مثل طلاق و اعتیاد را به دنبال دارد و لذا باید به این موضوع توجه ویژه ای شود». بررسی ها نشان می دهد در حال حاضر نرخ بیکاری جمعیت جوان کشور تغییر قابل توجهی در

در حالی که نرخ بیکاری افراد تحصیل کرده همچنان روند صعودی به خود می گیرد، گزارش های آماری تایید می کند افراد بی سواد راحت تر کار پیدا می کنند. در تازه ترین گزارش مرکز پژوهش های مجلس اشاره شده که ۱۰ درصد افراد شاغل کشور بی سواد هستند. این در حالی است که نرخ بیکاران فارغ التحصیلان دانشگاهی به رقم ۳۵٫۵ درصد رسیده است.

با وجود برنامه های اشتغال زایی دولت، همچنان بیکاری اصلی ترین بحران اقتصادی کشور به شمار می آید. رکورد دنباله دار اقتصاد ایران و حرکت آرام رشد اقتصادی در مسیر صعودی نیز موجب شده تا خبری از بهبود وضعیت اشتغال نباشد. البته آمارهای وزارت کار تایید می کند وضعیت بازار کار کشور نسبت به ابتدای سال ۱۳۹۲ بهبود یافته است.

در تازه ترین اظهار نظر هانیز مرکز پژوهش های مجلس تعداد بیکاران کشور را ۴٫۸ میلیون نفر اعلام کرده است. این عدد فاصله ۲۰۰ هزار نفری با نرخ ابراز شده از سوی کارشناسان بازار کار دارد. با این وجود تعداد بیکاران مورد تایید مرکز آمار ایران تنها ۲ میلیون و ۷۲۹ هزار نفر اعلام شده است.

مرکز پژوهش های مجلس نیز به تازگی هشدار داده که در صورت عدم تحقق برنامه های توسعه ای تا سال ۱۴۰۰ بیش از ۱۱ میلیون بیکار روی دست اقتصاد ایران می ماند. آخرین رقم اعلام شده در مورد

## کدام استان ها بیشتر به «اشتغال ناقص» مبتلا هستند؟

متوسط نرخ اشتغال ناقص کشور در زمستان سال گذشته ۱۱٫۱ درصد گزارش شده است. به این معنا که از هر ۱۰۰ شاغل در بازار کار کشور ۱۱ نفر به دلایل اقتصادی کمتر از ۴۴ ساعت در هفته کار می کنند و خواهان انجام کار اضافه هستند. افراد دارای «اشتغال ناقص زمانی» شامل تمام شاغلانی است که در هفته مرجع، به دلایل اقتصادی نظیر رکود کاری، پیدا نکردن کار با ساعت کار بیشتر، قرار داشتن در فصل غیر کاری و ... کمتر از ۴۴ ساعت کار کرده و خواهان و آماده انجام کار اضافی در هفته مرجع بوده اند. اما در زمستان ۹۴ کدام استان ها دارای بالاترین و پایین ترین نرخ اشتغال ناقص بوده اند؟

استان لرستان با ۲۱٫۷ درصد دارای بالاترین نرخ اشتغال ناقص در هفته است. بعد از آن استان گلستان و خراسان شمالی با نرخ اشتغال ناقص ۲۰٫۵ و ۲۰٫۶ درصد قرار دارند. خراسان رضوی و اصفهان هم با نرخ اشتغال ناقص ۱۹٫۱ و ۱۶٫۵ درصدی دارای بالاترین نرخ اشتغال ناقص هستند. یعنی تعداد افراد بیشتری در این استان ها در هفته به دلایل اقتصادی نظیر رکود و یا نبودن کار مناسب، کمتر از ۴۴ ساعت کار می کنند.

در مقابل استان بوشهر با نرخ ۳٫۴ درصدی دارای کمترین در صد اشتغال ناقص است. بعد از بوشهر استان البرز و تهران قرار دارند که نرخ اشتغال ناقص آنها ۴٫۷ و ۴٫۸ درصد است. استان هرمزگان و سمنان هم ۵٫۵ و ۶٫۵ درصدی در رتبه های چهارم و پنجم کمترین میزان اشتغال ناقص قرار می گیرند.



# ۸۵ درصد اشتغال کشور در کدام بخش است؟



معاون وزیر کار از ایجاد نظام جامع اطلاعات بازار کار تا پایان سال خبر داده و می‌گوید: از آنجا که بخش قابل توجهی از اشتغال ایجاد شده متعلق به بنگاه‌های کوچک و متوسط است باید تمرکز خود را بر توسعه این بنگاه‌ها بگذاریم و از ظرفیت بالای آنها در جهت اشتغالزایی استفاده کنیم.

عیسی منصوری اظهار کرد: ورود دولت به سیاستگذاری حوزه اشتغال در راستای کاهش بیکاری و ایجاد اشتغال است و با توجه به اینکه در حال حاضر با فقدان نظام جامع اطلاعات بازار کار روبه‌رو هستیم تلاش می‌کنیم که تا پایان سال اولین نسخه این نظام جامع اطلاعاتی را رونمایی کنیم تا صرف نظر از تجربیات سایر کشورها یک نظام جامع در جهت سیاستگذاری‌های معطوف به اشتغال داشته باشیم.

وی درباره محاسبه نرخ بیکاری بر مبنای یک ساعت کار در هفته، توضیح داد: آنچه مسلم است در محاسبات آماری از تعاریف و استانداردهای بین‌المللی تبعیت می‌کنیم و به دنبال تعریف حداقل یک ساعت کار در هفته در محاسبه بیکاری، شرط پوشش معیشت فراهم مورد توجه قرار گرفته است.

به گفته منصوری، مرجع رسمی اعلام نرخ بیکاری مرکز آمار ایران است که در استخراج آمار بیکاری از ابزارهای مکملی همچون داده‌های سازمان تامین اجتماعی، افراد بیمه شده و گزارشهای میدانی استفاده می‌کند.

معاون اشتغال و توسعه کارآفرینی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در عین حال بیش از ۸۵ درصد اشتغال کشور را در بنگاه‌های خرد و کوچک و متوسط دانست و افزود: برای توسعه اشتغال در کشور باید تمرکز خود را بر بنگاه‌های خرد و کوچک و متوسط بگذاریم و یک برنامه مدون در اختیار داشته باشیم.

به اعتقاد وی اشتغالی که با وام شروع شود پایداری لازم را ندارد و دادن وام به واحدهای مشکل‌دار نیز نمی‌تواند به کاهش مشکلات آنها کمک کند چون عمده مشکلات واحدها صرفاً نبود پول نیست.

معاون اشتغال وزیر کار در ادامه طرح «تکاپو و حرکت» را دو طرح ارزشمند و مهم وزارت کار در راستای اشتغالزایی دانست و گفت: وزارت کار با جدیت در حال پیگیری و اجرایی کردن این طرح‌ها است و در صدد شناسایی مزیت‌های منطقه‌ای هر استان است تا به تناسب این مزیت‌ها، برنامه‌ریزی شایسته برای ایجاد اشتغال صورت گیرد.

وی افزود: همچنین تعداد بیکاران هر منطقه بر اساس مهارت‌ها، شایستگی‌ها و میزان تحصیل افراد بررسی و بر اساس جمعیت بیکاران و مزیت‌های استانی، شغل تعریف می‌شود.

۱۰ استان دارای بالاترین و پایین‌ترین نرخ اشتغال ناقص زمستان ۹۴



# بیداد بیکاری در سرزمین ثروت

علی تیموری اصل

ذخایر عظیم خاکهای نسوز و صنعتی کشور است، این استان با وجود منابع آبی فراوان و اقلیم بی نظیر، سد خاکی شاه قاسم و سد بزرگ کوثر به همراه سایر زیر ساخت‌های صنعتی شرایط مناسبی جهت رشد و توسعه و سرمایه گذاری گسترده در بخش صنعت و معدن را فراهم آورده است.

در حالی که ۱۸۰ رودخانه مهم در کشور شناسایی شده‌اند در استان کهگیلویه و بویراحمد چهار رودخانه مهم دارای شناسنامه وجود دارد. این رودخانه‌های مهم که بشار، مارون، زهره و خیر آباد نام دارند در حوزه آبریز خلیج فارس قرار دارند.

مگر چقدر ثروت در یک استان باید باشد تا مردم بتوانند از سطح رفاهی معقول برخوردار باشند؟ این پرسش را باید تمام مسولان استان جواب بدهند که در دوران ریاست آنها چه مقدار از درد مردم کاسته شده است و چرا با وجود منابع بسیار خدادادی باید نیمی از جوانان این استان بیکار باشند در حالی که استان شمالی ما اصفهان نرخ بیکاری ۱۱/۸ درصد را تجربه می کند، جوانان ما برای به دست آوردن شغل فقط می توانند به کارگری و رانندگی تاکسی اکتفا کنند. قطعاً سهم بسیار زیادی از مشکلات مردم با هم فکری و مدیریت مسئولان اجرایی قابل حل شدن هست و در این میان سهم نمایندگان مردم در مجلس بسیار بیشتر از بقیه است، چرا که علاوه بر قدرت در انتصابات استانی می توانند در مجلس هم قوانینی را برای افزایش رضایت مندی و رفاه در استان غنی بیکار ما اجرا کنند.

پیشنهاد ما این است که در اولین مرحله صدا و سیمای استان برنامه‌ای را شروع کند با محوریت مسئولان استان که در این برنامه، برنامه‌ها و راهکارها و حتی انتصاب‌های خود و دلیل آنها را بیان کنند تا بتوان هر سال به ارزیابی این اقدامات، نتایج و بازخوردها، سهم این تصمیمات در پسرقت و پیشرفت استان و میزان رضایت مردم از این تصمیمات پرداخت.

البته در نماز جمعه که هر هفته برگزار می شود می توان یکی از مسئولان را دعوت کرد تا قبل از شروع خطبه‌ها به پرسش‌ها و درخواست‌های مردم پاسخ دهند که هم فضای سیاسی استان رو به بهبود نهد و هم مسئولان از نزدیک خواسته‌های مردم و مشکلات آنان را لمس نمایند و در مقابل مردم با دلایل برخی کارهای مسئولان که برایشان قابل هضم نمی باشد، آشنا شوند.

استان کهگیلویه و بویراحمد به لحاظ برخورداری از ظرفیت‌های اقتصادی و منابع نفت، گاز، آب و خاک، سرزمین ثروت شناخته می شود؛ اما در فروردین امسال با تیتتر " کهگیلویه و بویراحمد بیکارترین استان " در سایت‌های استان روبرو شد. البته این موضوع برای کلیه هم استانی‌ها قابل لمس می باشد. کافی است هر فرد به این سوال پاسخ دهد که در خانواده خود چند نفر را می شناسد که شاغل هستند؟

شاید گوشه ای از این آمارها فضای مقایسه ای را ملموس تر نماید: استان کهگیلویه و بویراحمد با توجه به شهرت داشتن به سرزمین چهار فصل (پایتخت طبیعت) سرشار از ذخایر و منابع آبی بی نظیر با پوشش گیاهی فراوان و جنگل‌های گسترده دارای دو اقلیم آب و هوایی متفاوت می باشد.

جنگل‌های استان کهگیلویه و بویراحمد حدود ۶۵۰ هزار هکتار تخمین زده می شود و اکثر این جنگل‌ها در اثر بهره برداری بی رویه تخریب یافته و از شکل جنگل خارج شده است. میانگین سرانه جهانی جنگل ۶دهم هکتار و در ایران دودهم هکتار است در حالی که این میزان در کهگیلویه و بویراحمد ۶ برابر میانگین کشوری است. تنوع گیاهان جنگلی به گونه‌ای است که ۸۰ درصد آن زیر پوشش گونه بلوط و ۲۰ درصد باقی مانده مشتمل بر درختچه‌های بنه، کیکمه، ارس، زالزالک، زبان گنجشک و بادام وحشی است.

این استان پر آب ترین منطقه جنوب غربی ایران و دومین تولید کننده آب کشور قلمداد می شود.

استان کهگیلویه و بویراحمد با توجه به منابع عظیم نفت و گاز دومین تولید کننده این صنعت کشور محسوب می شود و ۲۵ درصد نفت صادراتی کشور در این استان استحصال و با چهار خط لوله به جزیره خارک در استان بوشهر منتقل می شود. و دارای دو میدان نفتی مهم بنام‌های میدان نفتی گچساران و میدان نفتی بی بی حکیمه می باشد. میدان نفتی گچساران پس از میدان نفتی آسماری اهواز از بزرگترین میدان نفتی ایران است. بنابراین استان در زمینه ایجاد پالایشگاه صنایع پتروشیمی و صنایع پایین دستی نفت و گاز و سایر صنایع وابسته به نفت از توان بالایی برخوردار می باشد.

استان کهگیلویه و بویراحمد دارای بزرگترین معدن فسفات به همراه معادن سیلیس، گوگرد، مس، سنگ‌های تزئینی به همراه

بیش از ۴۵۰۰ مشترک خانوادگی

هر ماه نسخه کاغذی افق تازه را می خوانند



# داستان بیکاری جوانان و کلیدی به نام اقتصاد مقاومتی

حمید زنگنه - استاد اقتصاد دانشگاه وایدنر آمریکا



ایجاد شود، منظور من ایجاد شغل نیست بلکه ایجاد فرصت اشتغال است.

■ ایران می تواند تولیدکننده مواد کشاورزی برای خاورمیانه شود

ایران یک کشوری است با طبیعتی تقریباً کویری، آب به اندازه کافی دارد به شرطی که از ائتلاف آن جلوگیری کنند، به شرطی که آبیاری نوع جدید را ترویج دهند. ایران می تواند که تولیدکننده مواد کشاورزی (غذایی) برای خاورمیانه بشود، اگر متدهای جدید آبیاری کشاورزی به راه انداخته شود می تواند با دنیا در خاورمیانه رقابت کند و یا حداقل میزان وابستگی خطرناک کشاورزی خود را کاهش دهد. ایرانیان باید کاهش قیمت نفت را که همانند دهه ۸۰ میلادی منابع مالی ایران را به حداقل رسانیده است درسی برای خود بدانند و از آن استفاده کنند. هم اکنون که قیمت مواد غذایی نسبت به قیمت مواد صنعتی (مانند نفت و پتروشیمی) پیشی گرفته و درصد بیشتر و بیشتر درآمد معدنی مملکت (به طور صعودی) باید صرف خرید این نوع کالاها شود باید مایه عبرت ایرانیان شود. اگر فرض کنیم که دبروز یک بشکه نفت می توانست ۱۰۰ کیلوگرم گندم تهیه کند، امروز فقط به خاطر کاهش قیمت نفت می تواند ۴۰ کیلوگرم گندم بخرد، در نتیجه صادرات نفت باید ۲٫۵ برابر شود تا مقدار گندم دبروز خریداری شود. همین طور که می بینیم حتی اگر ایران دارای قدرت تولید بیشتر نفت باشد، صادر کردن آن فقط در اختیار و تصمیم ایرانیان نیست. بازار نفت ممکن است که در آینده ای نه چندان دور - که بعید و دور از ذهن هم نیست - نخواهد و یا نتواند صادرات ایران را با قیمت های مناسب بپذیرد، رقیبان ایران هم به احتمال بسیار قوی اجازه نخواهند داد که ایران هر چه خواست تولید کند و با قیمت مناسب بفروشد، در نتیجه نان نخواهیم داشت. در این مقوله مردم هم احتیاج به تعلیم و تربیت فرهنگی دارند و هم به راهبرد صنعت آبیاری های پروپونیک یا ایروپونیک و امثالهم. این روش های مدرن می تواند مصرف آب برای آبیاری کشاورزی را که در حدود ۹۲٪ مصرف آب کشور است ۷۰٪ تا ۸۰٪ کاهش دهد. سرمایه گذاری برای افزایش راندمان آبیاری در کشاورزی ضروری و فوری است. این یکی از مواردی است که مفهوم و مقصود اقتصاد مقاومتی را به روشنی هویدا می سازد، یعنی هم تولید افزایش می یابد، هم امنیت غذایی تأمین می شود، و هم منابع مالی مملکت صرف مصرف نمی شود.

اولین درسی که دانشجویان در اقتصاد بنیانی فرا می گیرند این است که هیچ چیزی در دنیا مجانی نیست. هر عملی قیمتی دارد که به نحوی باید پرداخت شود. این درسی است که خیلی ها از ملت و حتی گردانندگان و دست اندر کاران مملکت یاد نگرفته اند و فکر می کنند که می توانند چیزی بدون هزینه به دست بیاورند. توسعه اقتصادی محتاج تعامل و مشارکت با دیگران، مشقت، و سرمایه گذاری مالی و پولی است.

نمی توان که همه چیز را دوباره اختراع کرد. این نه تنها با عقل سلیم جور در نمی آید، این اسراف و تبذیر منابع بسیار محدود مملکت است. درهای مملکت را بستن و دوباره سازی آنچه قبلاً ساخته شده نه تنها دردی را دوا نمی کند، بلکه مملکت را در ائتلاف وقت و عقب ماندگی محصور می کند. در چند دهه گذشته هر ساله میزان تبادلات فکری، پولی، و کالاها به نوعی سرسام آور تصاعدی افزایش یافته و کشورهای داخل سیستم جهانی از فواید آن بهره مند شده و آنها که به هر دلیلی، خود را از آن جدا نگه داشته اند عقب مانده و عقب روی کرده اند، به طور مثال در ۳۷ سال گذشته اقتصاد سنگاپور ۱۰،۴۵ برابر شده در حالی که کشورهایمانند ایران که به خواسته خود و یا به علت فشارهای بین المللی در خارج از سیستم بوده اند روندی واپس گرا داشته اند. با این منوال اقتصاد ایران سنگ پشت مانند پیش رفته است و میزان درآمد ملی ایران در همین مدت ۳۷ سال تقریباً ۲٫۳ برابر شده که با مقایسه با دیگران بسیار کند بوده و در نتیجه سطح زندگی اقتصادی مردم پس رفتگی داشته است. من شخصاً فکر می کنم که مفهوم اقتصاد مقاومتی به درستی درک نشده است. به عقیده من اقتصاد مقاومتی آن نیست که درهای مملکت را ببندیم و مردم را در حصر اقتصادی نگه بداریم و اجبار کنیم که مرتاض مانند زندگی کنند تا خداوند در زندگی باقی آنها را یاری دهد. اقتصاد مقاومتی به ذهن من ساختن اقتصادی سالم و رقابتی است، اقتصادی که بتواند مایحتاج مملکت را فراهم کند، اقتصادی است که بتواند با دنیا تعامل، معامله، و رقابت کند و از نعمات آنها برای پیشبرد و توسعه مملکت استفاده کند. داستان بیکاری جوانان و یورش آنها به کشورهای دیگر بر همه روشن و آشکار است و این دردی است که بلیه های اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی گوناگونی به همراه دارد که کم و بیش می بینیم، بنابراین مهم این است که برای جوانان بیکار فرصت کار

www.ofoghetaze.com

telegram: @ofoghetaze

# آمار بیکاری جمعیت جوان طی ۱۹ سال گذشته

نرخ بیکاری دو رقمی در حالی ارائه می‌شود که بر اساس برنامه پنجم توسعه این نرخ تا پایان سال گذشته باید تک رقمی می‌شد و به ۷ درصد می‌رسید اما گزارش منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران از نرخ بیکاری ۱۱ درصدی معادل بیکاری ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در سال ۹۴ حکایت دارد.

با احتساب ورود سالانه ۸۰۰ هزار تا یک میلیون نیروی کار جدید به جمعیت جویای کار، دولت باید ضمن تثبیت جمعیت شاغل موجود، نسبت به اشتغالزایی جدید اقدام کند. البته علی‌رغم وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در آخرین اظهارنظر خود در خصوص وضعیت نیروی انسانی، «جلوگیری از ریزش نیروی شاغل» و «اشتغالزایی برای نیروهای جدید متقاضی شغل» را از سیاست‌های اشتغالزایی مهم این وزارتخانه عنوان کرده است.

وزیر کار معتقد است: بنگاه‌های خرد و متوسط تاثیر و سهم بیشتری در اشتغالزایی نسبت به صنایع بزرگ دارند؛ به گفته ربیعی، ایجاد یک پایلشگاه با ۱۲۰ هزار میلیارد ریال هزینه تنها می‌تواند برای ۷۰۰ نفر و راه‌اندازی یک پتروشیمی با سرمایه ۴۰ هزار میلیارد ریال فقط برای ۵۰ نفر شغل ایجاد کند، در حالی که در استانی چون کردستان در بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات برای ۳ هزار نفر اشتغالزایی شده است، بنابراین ایجاد شغل‌های گران مشکل اشتغال کشور را حل نمی‌کند.

مربوط به سال ۱۳۸۰ بود که این آمار در همان سال ۳۷.۳ درصد ثبت شد؛ بیشترین نرخ بیکاری جمعیت جوان در «مناطق روستایی» نیز به همان سال ۸۰ برمی‌گردد که این نرخ ۲۹.۸ درصد اعلام شد.

در عین حال کمترین نرخ بیکاری جمعیت جوان کل کشور با ۲۲.۳ درصد مربوط به سال ۸۶ بود؛ علاوه بر این پایین‌ترین نرخ بیکاری در «مناطق شهری» با ۲۷.۴ درصد در سال ۸۷ و در «مناطق روستایی» با ۱۳.۳ درصد در سال ۸۶ رقم خورد.

**■ نرخ بیکاری جمعیت بالای ۱۰ سال**

مرکز آمار ایران هر سال نرخ بیکاری «جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر» را نیز اعلام می‌کند که این نرخ طی ۱۰ سال گذشته تقریباً در دامنه ۱۰ تا ۱۱ درصد متغیر بوده است به طوری که این نرخ از ۱۱.۵ درصد در سال ۸۴ به ۱۰.۴ درصد در سال ۸۷ کاهش یافت اما به یکباره این نرخ بیکاری در سال‌های ۸۸ و ۸۹ به ترتیب به ۱۱.۹ درصد و ۱۳.۵ درصد افزایش یافت.

در ادامه، نرخ بیکاری جمعیت بالای ۱۰ سال مجدد روند نزولی به خود گرفت و از ۱۳.۵ درصد در سال ۸۹ به ۱۲.۳ درصد در سال ۹۰ تنزل یافت.

با تداوم این روند نزولی، نرخ بیکاری این جمعیت در سال ۹۱ به ۱۲.۱ درصد و در سال ۹۲ به ۱۰.۴ درصد رسید. آمار بیکاری کل کشور در سال ۹۳ با ۰.۲ درصد رشد به ۱۰.۶ درصد و در سال گذشته نیز به ۱۱ درصد رسید.

بررسی نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال کشور حاکی از آن است که جمعیت جوان کشور با بیکاری ۲۶.۱ درصدی مواجه است.

آمار و ارقام رسمی کشور حال و روز خوشی را برای اشتغال به عنوان مهمترین مطالبه و دغدغه جوانان نشان نمی‌دهد. این آمار زمانی تامل‌برانگیز می‌شود که بدانیم سهم دانشگاهیان از جمعیت شاغل کشور فقط ۲۰ درصد است و ۸۰ درصد جمعیت شاغل را افراد بدون تحصیلات دانشگاهی تشکیل می‌دهند. هر چند اشتغال، سهم هر فرد جامعه است و هر شخص باید به تناسب کارایی، مهارت و تحصیلات مشغول به فعالیت اقتصادی باشد اما این آمار از آن جهت نگران‌کننده است که افراد دارای تحصیلات دانشگاهی فقط یک پنجم جمعیت شاغل را در اختیار دارند.

بررسی وضعیت نیروی کار طی سال‌های ۷۶ تا ۹۴ نشان می‌دهد، نرخ بیکاری در بین جمعیت جوان کشور که سن ۱۵ تا ۲۴ سال را شامل می‌شود در سال گذشته به ۲۶.۱ درصد رسید. آمار بیکاری جمعیت جوان کشور در سال ۷۶ معادل ۳۰.۲ درصد بود که در سال ۱۳۸۰ با نرخ ۳۳.۶ درصدی به اوج خود رسید و در سال ۸۶ با ۲۲.۳ درصد، کمترین میزان خود در ۱۹ سال گذشته را تجربه کرد.

همچنین طی ۱۹ سال مورد بررسی، بیشترین نرخ بیکاری جمعیت جوان در «مناطق شهری»

## نمودار نرخ بیکاری جمعیت جوان کشور



در میان جوانان باعث ایجاد مشکلاتی از این دست در جامعه شده است.

وی با اشاره به بروز و گسترش اعتیاد در سطح شهرها و به ویژه کلان شهرها به عنوان شاهد روشن تاثیر فقر بر مشکلات اجتماعی ادامه داد: آمارهای مرتبط با رشد طلاق، رشد خشونت‌های خانگی، رشد جرائم و رشد نزاع‌ها همگی نشان‌دهنده آن است که آستانه تحمل افراد به دلیل مشغله‌ها و مشکلات تامین نیازهای معیشتی به شدت پایین آمده است.

وی با تاکید بر اینکه مسائل اقتصادی و معیشتی در همه دنیا محدودیت‌ها و مشکلات خاصی را به دنبال دارد، بیان کرد: درگیری‌های ذهنی افراد در این رابطه باعث می‌شود که آنان از پاسخگویی به نیازهای شخصی و خانوادگی خود ناتوان شوند. همچنین این موضوع به شدت بر منزلت اجتماعی افراد در نگاه سایرین تاثیر می‌گذارد و ارزیابی فرد از خود به عنوان موجودی توانمند و خلاق به یک موجود ناتوان تغییر می‌کند که این مساله سبب کاهش اعتماد به نفس فرد شده و به دنبال آن شاهد اشکال دیگر مشکلات روحی و روانی خواهیم بود.

#### ■ بیکاری آثار روانی منفی بر ذهن افراد دارد

این اقتصاددان اظهار کرد: بیکاری آثار روانی منفی بر ذهن افراد دارد، چرا که شغل، مهم‌تر از کسب درآمد برای فرد و تامین معیشت، یک ویژگی هویتی دارد به این معنا که بخشی از هویت افراد توسط شغل آنها تامین می‌شود و افراد فاقد شغل احساس بی‌هویتی می‌کنند به ویژه آنکه بیکاری سبب تقویت ناامیدی به خصوص در افراد جوانی می‌شود که امید به داشتن آینده‌ای خوب دارند، از طرف دیگر بی‌هویتی در جوانان باعث می‌شود که به راحتی در معرض آسیب‌های مختلف اجتماعی قرار گرفته و در دام بزه‌های اجتماعی بیفتند.

راغفر با اشاره بر اینکه قانون اساسی مواضع متعددی برای حفظ سلامت جامعه و سلامت افراد دارد، تصریح کرد: قانون اساسی تمهیدات گسترده‌ای را در این خصوص اتخاذ کرده که از جمله آنها ایجاد اشتغال برای همه افراد جامعه است تا افراد با داشتن شغلی شایسته بتوانند عزت نفس خود را حفظ کنند.

این استاد دانشگاه با بیان اینکه قانون اساسی بر حفظ کرامت انسانی و ابزاری که بتواند این ویژگی را برای آحاد جامعه تامین کند؛ تاکید کرده است، اضافه کرد: در این قانون تامین این نیازها بر عهده دولت است و دولت مسئول تامین نیازهای معیشتی مثل اشتغال است.

وی با تاکید بر اینکه مواردی همچون تامین مسکن، اشتغال، اطمینان از دسترسی به خدمات آموزش و پرورش و سلامت از جمله نیازهایی هستند که به عنوان حق قانونی ملت مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، گفت: این موارد ابزارهای رشد سرمایه انسانی هستند و می‌توانند افراد را توانمند و به موجوداتی فعال در حوزه اقتصادی و اجتماعی تبدیل کنند.



حسین راغفر:

## بیکاری جوانان را بی‌هویت می‌کند

افراد به دلیل مشغله‌ها و مشکلات مرتبط با عدم تامین نیازهای معیشتی به شدت پایین آمده است.

حسین راغفر درباره تاثیر فقر و مشکلات اقتصادی بر افزایش اختلالات روانی در جامعه با بیان اینکه قطعا عوامل اقتصادی و معیشتی نقش بسیار تعیین‌کننده در اختلالات روحی و روانی افراد دارد، گفت: درگیری‌های ذهنی افراد جامعه برای تامین معیشت خانواده و رشد بیکاری و کاهش امید به یافتن شغلی شایسته به ویژه

آمارهای مرتبط با رشد طلاق، رشد خشونت‌های خانگی، رشد جرائم و نزاع‌ها همگی نشان‌دهنده آن است که آستانه تحمل افراد به دلیل مشغله‌ها و مشکلات مرتبط با عدم تامین نیازهای معیشتی به شدت پایین آمده است.

عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا گفت: آمارهای مرتبط با رشد طلاق، رشد خشونت‌های خانگی، رشد جرائم و نزاع‌ها همگی نشان‌دهنده آن است که آستانه تحمل



مهدی اله دادی

m.alahdadi@gmail.com

چندی پیش، وزیر نیرو گفت که دشت‌های ایران یک به یک به دلیل برداشت‌های اضافه از آب‌های زیرزمینی دچار فرونشست می‌شوند و در همین شهر تهران در طول سال ۳۶ سانتی‌متر نشست زمین داریم. این مسئله اگر چاره‌جویی نشود منجر به تخریب تمام شبکه‌های آب، گاز، برق، ساختمان‌ها، مترو، راه‌آهن و پل‌ها می‌شود.

این هشدار قبلا هم توسط کارشناسان محیط زیست داده شده بود و مطلعین از آمارهایی درباره حفر ۱۷۰ هزار حلقه چاه غیر مجاز و برداشت بی‌رویه آب به عنوان یکی از مهمترین عوامل نشست زمین خبر داده بودند. در همین رابطه، محمد درویش مدیر کل دفتر آموزش و مشارکت مردمی سازمان حفاظت محیط زیست در باره‌ی فرونشست زمین گفته بود که در اتحادیه اروپا برای نشست سالانه چهار میلی‌متر خاک کمیته بحران تشکیل می‌دهند اما در جنوب تهران در دشت معین آباد ورامین سالانه ۳۶ سانتی‌متر پدیده فرونشست زمین رخ می‌دهد اما آب از آب تکان نمی‌خورد و صدای کسی در نمی‌آید.

او برای این که عمق فاجعه را نشان دهد، برای این فرونشست زمین، از عبارت «مرگ تهران» برای این بحران استفاده کرده بود.

#### ■ حال بد تهران از نظر بارندگی

کارشناسان یکی از عوامل افزایش نشست زمین در استان تهران را افزایش دما و کم شدن بارندگی و در نتیجه وقوع خشکسالی می‌دانند. رئیس مرکز ملی خشکسالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی از خشکسالی و افزایش دما در پایتخت و شهرستان‌های استان تهران خبر می‌دهد و به خبرآنلاین می‌گوید: اگر بخواهیم شرایط خشکسالی استان را بررسی کنیم، دو پارامتر در آن سهیم است؛ یکی پارامتر بارش و دیگری دما.

او ادامه می‌دهد: استان تهران از ابتدای سال زراعی یعنی از اول مهر ۹۴ تا نوزدهم فروردین، ۲۰۱ میلی‌متر بارش داشته است که در مقایسه با آمارهای بلندمدت در همین بازه زمانی، ۹،۴ درصد کاهش و در مقایسه با سال گذشته در مدت مشابه، ۱۲،۸ افزایش نشان می‌دهد. فاتح در مورد شهرستان‌های استان تهران هم می‌گوید: بررسی بارش رخ داده طی مدت مذکور در شهرستان‌های استان تهران، حاکی از این است که تعدادی از آن‌ها نسبت به بلندمدت خود عقب هستند و تعدادی از آن‌ها جلو هستند. مثلاً اسلامشهر ۲۶،۸ و شهرستان بهارستان ۴۳،۹ درصد نسبت به میانگین بلندمدت عقب هستند؛ این کمبود بارش نسبت به بلند



# بحرانی عظیم بیخ گوش تهران

استان تهران به طور کلی افزایش دما داشته و در شش ماهه اخیر شرایط گرم تر از شرایط طبیعی را داشته است. فاتح به ارائه‌امار می‌پردازد و می‌گوید: مثلاً در اسفندماه مجموعه کل استان ۴،۳ درجه نسبت به میانگین دمای اسفندماه در بلند مدت گرمتر شده است.

او ادامه می‌دهد: اگر زمستان را هم بخواهیم بررسی کنیم، استان تهران طی زمستان گذشته ۲،۶ درجه سلسیوس گرم تر از قبل بوده است.

فاتح مشکلاتی که این افزایش دما ایجاد می‌کند را بالا رفتن میزان تبخیر با افزایش دما و به دنبال آن افزایش نیاز آبی و بالا رفتن مصرف برمی‌شمرد.

او ادامه می‌دهد: دو نگاه در پدیده خشکسالی وجود دارد؛

مدت برای پاکدشت ۳،۷، پردیس ۲۰،۲ خود شهرستان تهران ۲۳،۷، رباط کریم ۴۳،۹، ری ۲۷،۸، شهریار ۳۵،۱، ملارد ۲۰،۹، شمشیران ۲۴،۷ و قدس ۳۳،۵ می‌باشد. مابقی شهرستان‌های استان تهران بیشتر از میانگین بلند مدت خود در این دوره بارش دریافت کرده‌اند.

او ادامه می‌دهد: این نشان می‌دهد که عقب افتادگی بارشی بین شهرستان‌های استان تهران توزیع شده است که با محاسبه کلی متوجه می‌شویم کل استان ۹،۴ منفی است.

رئیس مرکز ملی خشکسالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی در مورد افزایش دما هم به خبرآنلاین می‌گوید: به لحاظ دما هم اگر بخواهیم بحث کنیم،

قبال این پدیده می‌گوید: محیط زیست متولی بخش آب نیست و مدیریت منابع آب با وزارت نیروست، لذا ما در این حوزه مسئولیتی نداریم.

او در پاسخ به این سوال که «آیا محیط زیست نباید در مورد برداشت‌های بی‌رویه از آب و حفر چاه‌های غیرمجاز به سازمان‌های مربوطه مثلاً شهرداری هشدار بدهد؟» گفت: نظارت بر این موارد و این که چه دستگاه یا چه بخش‌هایی از آب‌های زیرزمینی و منابع آبی به طور غیرمجاز یا بیش از حد برداشت می‌کنند با وزارت نیرو و شرکت آب و فاضلاب است و آن‌ها هستند که تعیین می‌کنند منابع آبی چطور به مصرف برسند.

حیدرزاده در مورد این که فاضلاب قبلا به منابع آبی اضافه می‌شد و با سراسری شدن شبکه فاضلاب این اتفاق دیگر نمی‌افتد هم گفت: اساساً فاضلاب نمی‌تواند به عنوان منبع آبی به حساب بیاید و نباید وارد منابع آب‌های زیرزمینی شود. منابع آب زیرزمینی می‌بایست توسط بارش‌ها تامین شوند. پس شبکه سراسری فاضلاب از عوامل تشدید نشست زمین نیست و بیشتر برداشت بی‌رویه و مدیریت ناصحیح منابع آب و همچنین شرایط اقلیمی و خشکسالی موجب این اتفاق شده است.

رئیس مرکز ملی خشکسالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی هم در مورد نشست زمین که یکی از عواقب برداشت‌های بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی و همچنین خشکسالی است می‌گوید که سازمان هواشناسی دسترسی به اطلاعات آب‌های زیرزمینی و همچنین داده‌های زمین‌شناسی مرتبط با موضوع ندارد و این مقوله‌ها در حوزه اختیارات این سازمان نبوده و در این خصوص سازمان هواشناسی کشور صرفاً شرایط خشکسالی در کشور را بررسی و مطالعه می‌کند.

شاهرخ فاتح در پاسخ به این سوال که آیا بین دستگاه‌های مختلف و شهرداری برای برنامه ریزی در مورد نحوه استفاده از آب و سازگاری با اقلیم هماهنگی وجود دارد یا خیر به خبرنگار این می‌گوید: اطلاعات مربوط به خشکسالی، بارش و هشدارهای کم‌بارشی به طور مرتب از سوی سازمان هواشناسی، به مبادی زیربطار سال می‌شود. که آخرین مورد آن نیز اخیراً از طرف سازمان هواشناسی کشور برای تعدادی از استان‌ها هشدار کم‌بارشی صادر شد.

فاتح می‌گوید: ما همیشه در پایان هر فصل و هر ماه و هر هفته این را تکرار می‌کنیم که در اقلیم خشک هستیم و فعالیت‌هایمان باید متناسب با اقلیممان باشد. هشدارها داده می‌شود ولی اتخاذ تدابیر در جهت سازگاری با اقلیم و کم‌آبی و خشکسالی باید توسط مسئولین فعال در این زمینه باشد.

به نظر می‌رسد این خطر زیست محیطی که هشدار آن مدت‌هاست داده شده، مانند بسیاری از پدیده‌های دیگر مادامی که به یک بحران تبدیل نشود و خسارت ایجاد نکند، جدی گرفته نمی‌شود و همچنان ایرانی‌ها به علاج قبل از وقوع فاجعه اعتقادی ندارند!

انباشته به طبیعت هستند و این بدهی انباشته چون در کوتاه مدت ایجاد نشده، لذا با بارش‌های کوتاه مدت جبران نمی‌شود.

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان تهران هم فرونشست زمین در برخی مناطق استان تهران را تایید می‌کند. محمدهادی حیدرزاده در این باره به خبرنگار این می‌گوید: با توجه به برداشت بی‌رویه آب از آب‌های زیرزمینی و همچنین محدودیت‌های بارشی که ما در طول سال‌های گذشته داشتیم و خشکسالی‌های طولانی مدت، سطح آب‌های زیرزمینی به شدت پایین آمده است. او ادامه می‌دهد: تمامی این عوامل دست به دست هم داده و باعث شده در بسیاری از نقاطی که محدودیت منابع آبی مان‌جدی تر است مانند دشت ورامین با نشست زمین مواجه باشیم که بعضاً این نشست زمین تا ۳۰-۳۵ سانتی متر هم می‌رسد.

حیدرزاده می‌گوید: به نظر می‌رسد که پدیده حفر چاه‌های غیرمجاز و عدم مدیریت مناسب آب‌های سطحی و زیرزمینی، باعث شده که این اتفاق بیفتد و مشکلات جدی را در این حوزه ایجاد کند. به گفته این مقام مسئول نشست‌ها در دشت ورامین است و شهریار بیشتر بوده است.

رئیس مرکز ملی خشکسالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی هم در مورد نشست‌های زمین، به عنوان یکی از عوارض خشکسالی‌ها می‌گوید: جبران و برطرف شدن این عوارض، در صورت ممکن بودن، نیازمند زمان است.

فاتح تاکید می‌کند: در مورد خاص نشست زمین، تحمیل هر نوع استرس بلندمدت به طبیعت، چه ناشی از کم‌بارشی‌های بلندمدت و چه ناشی از برداشت‌های بی‌رویه از منابع زیرزمینی، با خالی شدن لایه‌های زیرین از آب، می‌تواند منجر به جابه‌جایی لایه‌های زمین شده و پدیده نشست را در پی داشته باشد. کما این که به وضوح دیده می‌شود که در مکان‌هایی با خشکسالی‌های بلندمدت، نشست هم اتفاق افتاده است.

### ■ محیط زیست: برخورد با برداشت از منابع زیرزمینی وظیفه ما نیست

با این که وزیر نیرو و نسبت به فرونشست زمین هشدار داده‌اما معاون شهرسازی و معماری وزیر راه این مسئله را جدی ندانسته و گفته که این نشست زمین نیز مربوط به ۲۰ سال اخیر است و موضوع تازه‌ای نیست.

پیروز حناچی درباره نشست روزانه یک میلی‌متری زمین در تهران اظهار کرد: مؤسساتی مانند ژئوفیزیک باید در این باره اظهار نظر کنند و با این حال نشست زمین در کل تهران نداریم و تنها در یکی از مناطق پایتخت آن هم نه در حد یک میلی‌متر نشست داریم.

به گفته او فقط در جنوب غربی تهران نشست صورت گرفته است و این مسئله جدید نیست و مربوط به بیش از ۲۰ سال اخیر است. مدیرکل حفاظت محیط زیست استان تهران هم در مورد مسئولیت این سازمان در

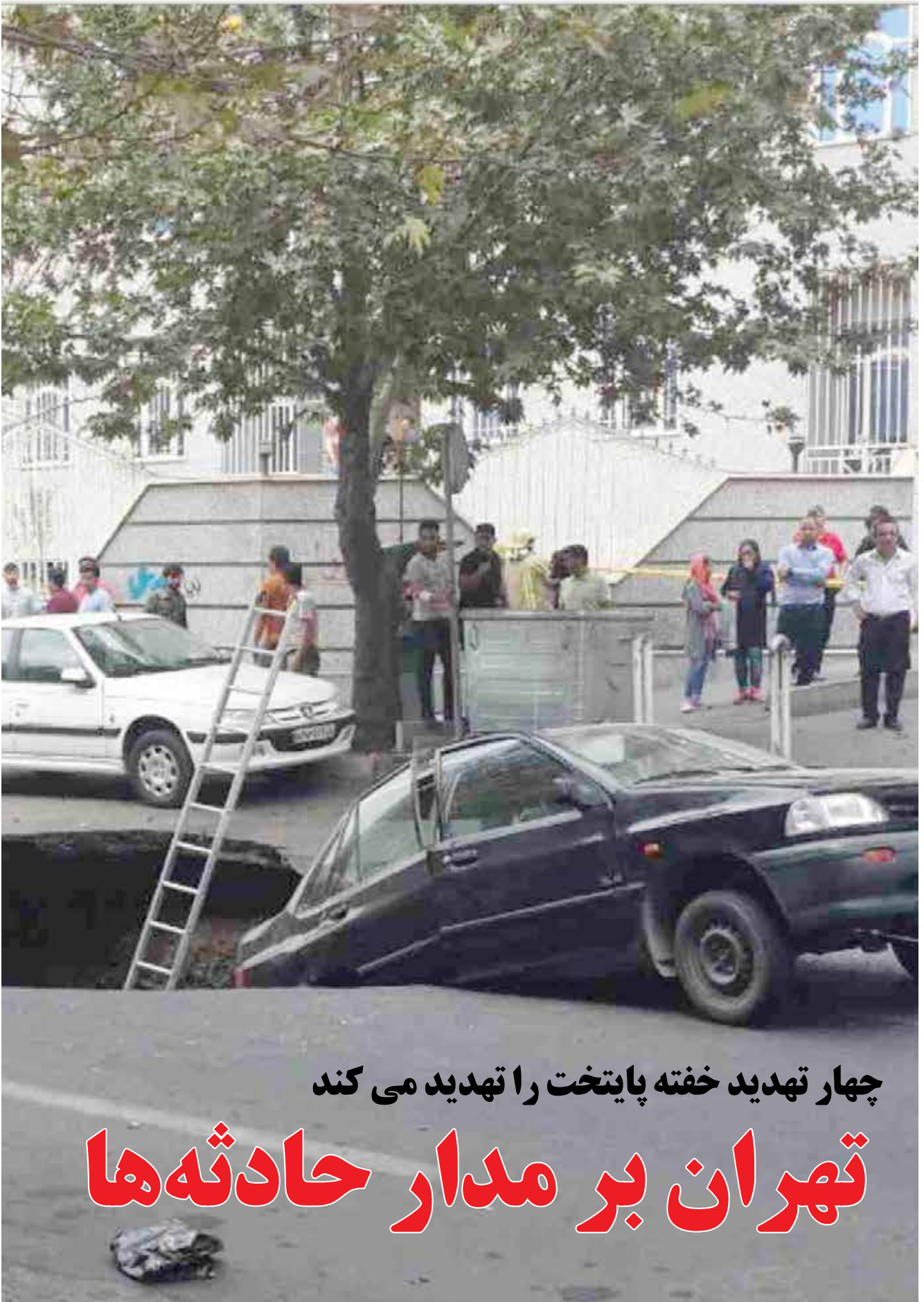


نگاه کوتاه مدت و نگاه بلندمدت، خشکسالی‌های کوتاه مدت همانطور که از اسم آن پیداست، کم‌بارشی‌های مقطعی و ایجاد تنش در آب‌های سطحی و جاری و همچنین بخش کشاورزی را شامل می‌شود اما در خشکسالی‌های بلندمدت، موضوع وارد فاز هیدرولوژی شده و همچنین تأثیری که این مرحله می‌تواند بر منابع آبی ایجاد نماید که در ادامه آن تبعات زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی آن را شاهد خواهیم بود.

فاتح در مورد خشکسالی‌های کوتاه مدت استان تهران از ابتدای سال زراعی تا به امروز می‌گوید: براساس بررسی‌های صورت گرفته، از مهرماه سال پیش تا الان، شهرستان ری، اسلامشهر، شهریار، شمال شمیران، بخش‌هایی از شهرستان فیروزکوه، با خشکسالی‌های متوسط مواجه هستند. البته در مقابل، برخی مناطق هم هستند که شرایط نرمالی را داشته یا ترسالی خفیفی داشته‌اند.

او ادامه می‌دهد: در همین حال وقتی با نگاه بلندمدت به موضوع توجه کنیم، می‌بینیم که خشکسالی‌های شدید در استان تهران وجود دارد. در شهرستان ری، در بخش‌هایی از شهرستان ورامین، قرچک، پاکدشت، اسلامشهر، شهریار و بخش‌هایی از ملارد، شمیران و فیروزکوه، با پهنه‌هایی مواجه هستیم که خشکسالی‌های شدید و خیلی شدید را داشته‌اند.

به گفته این مقام مسئول در سازمان هواشناسی، وقتی در بلندمدت برای یک منطقه خشکسالی شدید و بسیار شدید وجود داشته باشد، منابع آبی این منطقه دچار بدهی



چهار تهديد خفته پايخت را تهديد مي کند  
**تهران بر مدار حادثه‌ها**

زهره سلیمانی

پایتخت با چهار «تهدید خفته» از جمله زمین لرزه، فرونشست زمین، زمین لغزش و سیلاب به دلیل مخاطرات طبیعی بالقوه و توسعه ناموزون شهر مواجه است. هر یک از این تهدیدها می تواند حادثه‌ای در مقیاس وسیع تر از واقعه شهران را برای این کلانشهر رقم بزند. اما در شرایط کنونی اولین نگرانی مسئولان فرونشست زمین به عنوان زلزله خاموش در مناطق مناطق جنوبی پایتخت و سرایت آن به محدوده مرکزی شهر است. از ۳۳ نوع مخاطره طبیعی ریز و درشت در جهان، ۳۲ نوع آن در شهرهای مختلف ایران وجود دارد. نرخ تلفات و خسارات ناشی از حوادث طبیعی در ایران برخلاف سایر کشورها، در گذر زمان، رو به افزایش بوده که این موضوع نشان دهنده عدم استفاده از روش های مرسوم دنیا برای مقاوم سازی شهرها در برابر مخاطرات است.

بر اساس گزارش سازمان زمین شناسی، سالانه ۳۶ سانتیمتر در دشت های غربی و جنوب غربی در پایتخت شاهد نشست زمین هستیم و میزان نشست تهران از کل دنیا بیشتر است. با وجود اینکه سالانه در جنوب تهران در دشت معین آباد ورامین سالانه ۳۶ سانتی متر پدیده فرونشست زمین رخ می دهد، اما آب از آب تکان نمی خورد. با بررسی های انجام شده می توان به این امر اذعان داشت که در هیچ کجای ایران به اندازه تهران پدیده نشست زمین وجود ندارد، اما با این تفاسیر تا فاجعه ای رخ ندهد هیچ یک از مسئولان به روی خود نمی آورند. فرونشست در تهران ۹۰ برابر حد بحرانی اتحادیه اروپا است.

همین امر نشان می دهد که هر لحظه احتمال بروز حادثه ای در ابعاد بزرگ در تهران وجود دارد. براساس گزارش های رسمی سالانه دو متر سطح آب های زیرزمینی ۶۰ دشت اصلی در مرکز ایران افت می کند و ماتهالک های این بحران را می بینیم که خشک شدن منابع آبی است. به قول زمین شناسان زمینی که دچار نشست می شود زمین مرده است و به قولی باید فاتحه آن زمین را خواند. یکی از دلایل مهم نشست زمین در تهران، سد کرج است که باعث شد رودخانه کرج زمین های جنوب غربی را آبیاری نکند و کشاورزان شهریار برای تامین آب از چاه استفاده کنند. در جاجرود نیز همین اتفاق افتاد، همان طور که در سد ماملو و لار هم این موضوع وجود دارد.

با این تفاسیر در مکان هایی که سد احداث شده به نسبت بیشترین خطرات نشست را شاهد هستیم. هر روز یک میلی متر از زمین در تهران نشست می کند یعنی در سال ۳۶ سانتی متر. این میزان نشست، تهران را رکورد دار نشست زمین در دنیا کرده است. در سال های اخیر خشکسالی و برداشت نامتعارف آب از چاه های غیر مجاز، علاوه بر خشک شدن دیگر چاه ها و مشکل در تامین آب شرب باعث فرونشست زمین در دشت ورامین و دشت تهران، کرج و شهریار شده است؛ مناطقی که تا پیش از این قطب کشاورزی در منطقه به حساب می آمدند.

مناطق آسیب پذیر پایتخت شناسایی شد

هم اکنون فرونشست زمین در اغلب دشت های کشور وجود دارد که همین موضوع آسیب ها و خسارت هایی نیز به دنبال دارد. دلیل اساسی فرونشست در اغلب پهنه های کشور و در دشت های شناخته شده ای همچون دشت اصفهان، قزوین، تبریز، رفسنجان و بسیاری از نقاط دیگر، افت سطح ایستابی (بالا ترین تراز آب زیرزمینی بر روی یک سطح مشخص در زیر زمین) است. دلیل بروز این امر یکی کمبود بارندگی ها به دلیل تغییرات اقلیمی و دیگری برداشت بی رویه از آب های زیرزمینی است که هیچ گونه مدیریتی در سال های قبل روی آن انجام نشده و در حال حاضر عوارض سوء مدیریت در گذشته را مشاهده می کنیم.

کارشناسان عقیده دارند عمده مصرف آب در کشور در حوزه کشاورزی است و تنها چهار درصد آب به صورت آب شرب مصرف می شود و بقیه صرف کشاورزی و مقداری نیز مربوط به تامین آب صنعتی کارخانه ها و تاسیسات است. می توان دیگر دلیل اصلی فرونشست زمین را مصرف بالای آب های زیرزمینی دانست که باید با یک مدیریت جدی، از افزایش این مخاطره در کشور جلوگیری کرد. مناطق جنوب و جنوب غرب پایتخت نسبت به دیگر نقاط حادثه خیز تر است. در مناطق ۱۸، ۱۷ و ۱۲ تهران نیز بیش از دیگر نقاط عارضه فرونشست زمین مشاهده می شود.

این در حالی است که مناطق جنوبی پایتخت به دلیل حجم انبوه جمعیت و بافت فرسوده همچون بمب ساعتی آستن حوادث است و هر گونه حادثه ناگواری در هر لحظه در این مناطق می تواند بسیاری از افراد را با مشکلات فراوانی روبه رو کند، چون در صورت بروز حادثه شریان های حیاتی، راه های مواصلاتی ریلی، ساختمان های مسکونی، اداری و تجاری از بین می رود. در حال حاضر ممکن است این نقاط آسیب پذیر ترک برداشته و به مرور زمین نشست کند. این امر با توجه به زلزله خیزی تهران می تواند خطرات جبران ناپذیر فراوانی برای ساکنان پایتخت به دنبال داشته باشد. در این شرایط فقط با کنترل آب های زیرزمینی می توان از وقوع بیشتر نشست زمین پیشگیری کرد.

فرونشست زمین در پایتخت فاجعه است

یکی از مسائلی که در اثر برداشت بی رویه آب زیرزمینی اتفاق می افتد نشست زمین (land subsidence) است. این وضعیت اکنون در بسیاری از نقاط استان های کرمان و خراسان که دشت ها با بیابان منفی آب زیرزمینی روبه رو هستند مشاهده می شود. یک کارشناس محیط زیست درباره بحران آب و فرونشست زمین می گوید: فرونشست زمین در دشت ها و اطراف تهران در حال تشدید است. علت اصلی بروز فرونشست زمین استفاده بی رویه از آب های زیر زمینی برای مقاصد کشاورزی است.

چون در کشور ما میزان مصرف آب برای تولید محصول در یک واحد کشاورزی بیش از حد استانداردهای جهانی

است، بنابراین این امر روز به روز در کشور در حال گسترش است. در ضمن اقتصاد بیمار و افزایش بیکاری نیز موجب فشار و تشدید بهره برداری از آب های زیر زمینی می شود. این در حالی است که کنترل میزان برداشت آب ها مشکل است. با وجود نظارت و کنترل وزارت نیرو بر این امر، اما باز نمی توان در تمام نقاط به مدیریت این مقوله پرداخت و آن را تحت نظارت داشت. محمدرضا فاطمی می افزاید:

به همین دلیل باید با تغییر کشت و تغییر در الگوی کشاورزی به صرفه جویی در مصرف آب پرداخت. برای مثال در صرفه جویی مصرف آب در بخش کشاورزی باید از سیستم آبیاری قطره ای استفاده کرد. در ضمن روش دیگر آبیاری همچون آبیاری نیز وجود دارد، اما باید دانست که سیستم پاشیدن آب روی محصولات چندان مناسب نیست، چون برای صرفه جویی و آبیاری مناسب محصول باید از روش هایی بهره برد تا آب مستقیماً به ریشه برسد. فقط با آبیاری به این شیوه می توان در مصرف آب صرفه جویی کرد. تغییر الگوی کشت و استفاده از روش های نوین آبیاری می تواند بهترین راهکار در جلوگیری از آبیاری بی رویه در نتیجه نشست زمین باشد. به گفته او حفر چاه های غیر مجاز با برداشت بیش از حد سهمیه آب امکان پذیر نیست؛ با وجود اینکه این اقدام از سوی وزارت نیرو انجام می شود، این اقدام به دلیل اینکه چندان قابل کنترل نیست مشکل ساز است. به هر حال ابزار حاکمیتی در این زمینه باید تقویت شود، در غیر این صورت در آینده نزدیک شاهد فرونشست زمین خواهیم بود. فرونشست زمین شاید در مناطق خالی از سکنه، مناطق صنعتی یا کشاورزی چندان مساله ساز نباشد، اما در شهرها و روستاها می تواند موجب خسارت های عظیمه شود. برای مثال اگر در مرکز تهران زمین نشست کند، بی شک ضرر و زیان ها و فجایع فراوانی به وقوع می پیوندد. این کارشناس محیط زیست درباره اینکه جنوب و جنوب غربی تهران مستعد فرونشست زمین است، تأکید می کند: چون در جنوب تهران و نواحی ای همچون دشت ورامین خاک دانه ریز است به نسبت منابع آبی نیز بی رویه مورد بهره برداری قرار گرفته شده است. در ضمن شدت حفر چاه های غیر مجاز و برداشت های بی رویه باعث شده تا در دشت ورامین شاهد نشست زمین باشیم.

برای مدیریت این قضیه باید با هدایت آب های فاضلاب نیمه تصفیه شده به دشت های مستعد فرونشست زمین بتوان از بروز دیگر مشکلات جلوگیری کرد. این اقدام به عنوان تزریق فاضلاب ها به سفره های آب زیر زمینی می تواند تا حد زیادی یک موازنه بین تغذیه و تخلیه آب در سفره های آب زیر زمین ایجاد کند. هم اکنون حجم عظیمی از فاضلاب ها مورد کشاورزی قرار گرفته می شود و حجم فراوانی از آن نیز رها شده است. با بررسی سفره های آب زیر زمینی باید گفت که ۵۰ متر سفره های آبی سقوط کرده است و این ضخامت به مرور سنگین شده و به دلیل وجود رسوبات در نتیجه اختلال ارتفاع فرونشست زمین را شاهد هستیم.



مشاور رئیس سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور تشریح کرد:

## تهران؛ رکورددار فرونشست در جهان!

به شدت در خطر هستند و حتی کابل‌های برق تحت فشار بیش از حدی در این منطقه قرار گرفته‌اند. او با بیان اینکه سازمان زمین شناسی از ۱۰ سال پیش درباره وقوع پدیده فرونشست در کشور هشدار داده اما کمتر به آن توجه و دقت شده است، عنوان کرد: ریزش فروچاله‌ها در برخی نقاط تهران و وقوع حوادثی مانند ریزش تونل‌های مترو و قنات‌ها بار دیگر باعث توجه عمومی به این بحران شده است. پیش‌بینی می‌شود در حال حاضر از حدود ۶۰۰ دشت در کشور نیمی از آنها دچار پدیده فرونشست هستند.

وی اظهار کرد: تقریباً تمام شهرهای مهم کشور دچار خطر فرونشست هستند و علت اصلی آن هم برداشت بیش از حد از منابع آب زیرزمینی است.

مشاور رئیس سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور در پاسخ به سوال دیگر خبرنگار مابین نیوز درباره اینکه آیا مطالعات سازمان زمین شناسی درباره پدیده فرونشست در کشور همچنان ادامه دارد، اظهارات قابل تاملی را مطرح کرد و گفت: مطالعات سازمان ادامه دارد اما اعتبارات تزریق نمی‌شود و به همین دلیل روند انجام مطالعات بسیار کند شده است. امسال بررسی‌های ما در استان فارس در حال انجام است و سال‌هاست که بسیاری از دشت‌های کشور را در زمینه پدیده فرونشست مورد مطالعات قرار داده‌ایم اما سرعت مطالعات ما به علت عدم تزریق بودجه بسیار کند شده است.

حال از بین رفتن برای همیشه است. این باعث می‌شود تا منازل این منطقه نیز کم‌کم کج و خرد شده و ترک بردارند و اگر خدای نکرده زلزله‌ای در این منطقه رخ دهد، خسارات جانی و مالی چندین برابر خواهد شد. مشاور رئیس سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور تاکید کرد: از سوی دیگر تاسیسات زیربنایی در این منطقه مانند برق، گاز، آب، کابل‌کشی‌ها و ... نیز



### گفت‌وگو: محمدجواد به‌آبادی

گروه اکتشاف و زمین شناسی - مشاور رئیس سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور و سخنگوی این سازمان درباره وقوع پدیده فرونشست در سراسر کشور و به ویژه در تهران اظهارات تکان‌دنده‌ای را مطرح کرد.

محمدجواد بلورچی در پاسخ به این سوال که نظر شما درباره فرونشست زمین در بزرگراه آزادگان تهران که امروز برخی رسانه‌ها خبر آن را منتشر کردند، چیست؟ توضیح داد: این اتفاق موضوع تازه‌ای نیست و حدود ۱۰ سال پیش براساس مطالعاتی که سازمان نقشه‌برداری در جاده‌های اطراف تهران انجام داد، مشخص شد برخی از مناطق بعضاً ۱،۵ یا حتی ۱،۷ متر پایین رفته‌اند و یکی از بیشترین فرونشست‌ها نیز مربوط به تقاطع اتوبان آزادگان با جاده ساوه بود.

وی افزود: بر همین اساس مطالعات فرونشست در سازمان زمین شناسی شروع شد و پهنه فرونشست در جنوب تهران توسط سازمان زمین شناسی مشخص شد که آن موقع بیشینه فرونشست حدود ۱۷ سانتیمتر بود که امروز پیش‌بینی می‌شود این نرخ به یک میلیمتر در روز رسیده باشد که در سال معادل ۳۶ سانتیمتر می‌شود که در جهان یک رکورد است.

بلورچی گفت: فرونشست شدید در جنوب تهران متأسفانه نشان می‌دهد که آبخوان جنوب تهران در



# یک نظریه در مورد دلایل فرونشست های اخیر تهران

محمد رضا معماریان، رییس مرکز مطالعات ژئوتکنیک و مقاومت مصالح سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران



کارگران مترو، همه این خطرات را به جان خود می خردند تا مردم به واسطه توسعه مترو، آرامش، ایمنی و رفاه بیشتری داشته باشند.

به روزترین تجهیزات شناسایی و ویژگی های اعماق زمین، دستگاه های جی پی آر است که تا عمق قابل قبولی می تواند هر گونه تغییری را در زیر زمین شناسایی کند که البته در حال حاضر نیز دو دستگاه از این تجهیزات پیشرفته در شهرداری تهران در دست استفاده است.

بعد از اتفاقات اخیر، تمام توجه خود را معطوف به شناسایی نقاط دچار آب شستگی نموده ایم و البته چندین نقطه آب شسته را نیز در چند منطقه تهران مورد شناسایی قرار داده ایم.

از یکی از کشورهای معتبر دنیا که در این زمینه از تجربیات بالایی برخوردار است، دعوت به همکاری کرده ایم تا سرعت کار شناسایی نقاط دچار آب شستگی که موضوعی زمان بری است را تا جای ممکن بالا ببریم.

در تمامی ساختمان ها و تأسیسات قدیمی همچون پل ها و سازه هایی که بعد از انقلاب اسلامی ساخته شده، آیین نامه محاسبات رعایت گردیده و به عنوان نمونه، در محله قدیمی مولوی، ۵۰ مورد مطالعات ژئوتکنیکی انجام داده ایم. هر چند وجود آب در زیر زمین های تهران به یک معضل جدی تبدیل شده اما معضل جدی تر، خروج آب است که با توجه به شکل بستر تهران، رواناب ها از شمال شهر به سمت جنوب شهر و دشت تهران حرکت می کنند.

در حال حاضر، بستر تهران پر از آب است و نباید همه این آبها با اقداماتی همچون حذف چاه های جذبی و توسعه فاضلاب به یک باره دفع شود، بلکه این اقدام باید به تدریج اتفاق بیفتد.

شهرداری تهران از یک سال قبل، اقدام به پهنه بندی ژئوتکنیک نموده و نقشه اولیه مناطق ۹ و ۱۰ و ۱۱ را ترسیم کرده و این نقشه ها که نگاهی کلی از وضعیت بستر شهر به دست می دهند تا آخر سال در شش، هفت لایه آماده و منتشر می شوند.

طرح جامع جمع آوری آبهای سطحی شهر تهران تهیه شده که بر اساس آن مجموع رواناب های شهر، هدایت و جمع آوری می گردد و ورود و به کارگیری تجهیزات پیشرفته، مانع فرونشست های جدید خواهد شد.

عمق سنگ کف در تهران متغیر است و در شمال شهر، این عمق خیلی کم است اما در جنوب شهر، خیلی زیاد می شود و به ۴۰ متر می رسد. تراز صفر - صفر معابر تهران، شیب قابل توجهی دارد و لایه های خاک به مرور از کوهپایه البرز شسته می شوند و دانه های درشت تر در شمال شهر و دانه های ریزتر در جنوب شهر، ته نشین می شوند و شکل گیری بستر خاک تهران، تنوع و پیچیدگی خاصی به معابر زیر سطحی داده است.

در علم مکانیک، خاک متشکل از سه جزء سنگ دانه، آب و خاک است و در این میان، آب یکی از بهترین دوستان و در عین حال یکی از بزرگترین دشمنان خاک است و وقتی آب به همه فضای خالی خاک نفوذ کرده و آن را پر می کند، می گوئیم خاک اشباع شده است.

هر چند وظیفه شهرداری، مدیریت و جمع آوری آبهای سطحی است اما بخشی از این موضوع که شامل پساب حاصل از دفع فاضلاب به روش سنتی است از دست مدیریت شهری خارج است، چرا که حرکت فاضلاب از شمال شهر به سمت جنوب شهر، منجر به شست و شوی خاک می شود و کیفیت خاک را از بین می برد.

در دهه اخیر، در یک هزار نقطه شهر تهران مطالعات ژئوتکنیکی بستر خاک انجام شده و مؤید این ادعا، اجرای ۳۵۰ تقاطع غیر همسطح و ۶۵۰ سازه با اهمیت بالاست که حتی یک مورد از آنها نیز دچار واژگونی یا حتی نشست غیر همنواخت نیز نشده اند.

خاک ریزدانه یا خاک رُس، خاصیت منحصر به فردی دارد و می توان آن را به خاک کوزه گری تشبیه کرد، چرا که به محض این که آب به آن می خورد، شکل می گیرد و ظرفیت باروری خود را از دست می دهد و مخاطرات اخیر در تهران نیز به دلیل سرریز شدن ناگهانی حجم بالای آب در زیر زمین بوده است.

اجرای پروژه های زیر زمینی در تمام دنیا، خطرات و مخاطرات خاص خود را دارد و به همین دلیل، برای کل خطوط در دست ساخت مترو، مطالعات ژئوتکنیک انجام شده و این سازه های زیر زمینی با هزینه گزافی، عایق بندی می شوند.

از ۱۰ سال پیش که بحث توسعه مترو با جدیت مورد پیگیری قرار گرفت، تمام قنوت تهران شناسایی شدند و خطوط مترو نیز بر اساس اطلاعات نقشه قنوت، طراحی و اجرا گردیدند.

دستگاه های خدماتی و تأسیساتی، باید نسبت به شبکه آبرسانی پایتخت، نگاه ملی داشته باشند، چرا که در حال حاضر شاهد نشست آب از شبکه آبرسانی و تراوش آب از چاه های جذبی هستیم در صورتی که با ترمیم کامل شبکه آبرسانی تهران، خروج آب از شبکه به حداقل میزان ممکن کاهش پیدا می کند.

حوادث اخیر به دلیل خروج ناگهانی آب بوده و نشستی آب در شبکه آبرسانی و برداشت های بی رویه در دشت تهران، باعث کاهش ارتفاع معابر زیر سطحی می شود و این نشستی هر چه بیشتر باشد، تحركات زیر زمین بیشتر می شود که البته این پیچیدگی در محدوده مرکزی شهر، خیلی خاص بوده و به اوج خود رسیده است.

عملیات حفاری تونل های مترو در اعماق زمین های تهران با ویژگی های گفته شده، کار بسیار سخت و مخاطره آمیزی است و مهندسان و

# آیا راه‌حلی برای فرونشست زمین در ایران وجود دارد؟

منیژه قهرودی تالی



شواهد فرونشست وجود دارد که در شکل زیر شکاف عمیق می‌شود و در شکل بعدی کاملاً زیر خطوط ریلی، جاده و سایر تاسیسات در اثر نشست خالی شده است. علت آن احتمالاً پایین رفتن آبهای زیر زمینی و رسوبات ریز رسی با املاح محلول می‌باشد.

۲. از ایستگاه راه آهن نظر آباد اصفهان تا ۶ کیلومتر به طرف ایستگاه شمسی نشست گسترده‌ای وجود دارد که احتمالاً مربوط به کاهش آبهای زیر زمینی است.

۳. قبل از ایستگاه راه آهن قره تپه در ۵۰+۱۲۰۰ کیلومتر نشست در پایه‌های پل نمایان است که در قسمت فوقانی آن خطوط ریلی مشاهده می‌شود. که علت آن وجود رسوبات تحکیم یافته پادگانه آبرفتی است که راه آهن از آن عبور نموده است.

۴. نرسیده به ایستگاه مهیار در ۶۱۳+۶۱۷ کیلومتر ریلی وارد دشت مهیار می‌شود. نشست عظیمی در حدفاصل ۵ کیلومتر رخ داده است که علت آن را کارستی بودن منطقه و پایین رفتن سطح آبهای زیر زمینی می‌دانند.

۵. بعد از ایستگاه شهید مطهری در جنوب مشهد به طرف ایستگاه آزادگان حدود ۵۰ کیلومتر رخ داده است. جنس زمین مارن و تا حد زیادی رس است که دلایل نشست زمین می‌تواند وجود چاههای عمیق بالادست و زیر لایه‌های آهکی باشد. ترک زمین در شکل اول و اختلاف در شکل دوم آشکار است.

۶. نشست در پل در رباط کریم که در اختلاف حروف آشکار است. علت آن به نظر سازه‌ای می‌آید.

پدیده فرونشست زمین شامل فروریزش یا نشست رو به پایین سطح زمین است که می‌تواند دارای بردار جابجایی افقی اندک باشد. براساس گزارش موجود حدود ۳۰۰ دشت اصلی کشور با فرونشست روبرو هستند و به نظر می‌رسد که علت اصلی فرونشست برداشت و مصرف بی‌رویه آب در فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی باشد. اما در صورتی که بخواهیم این پدیده را در ایران مدیریت کنیم لازم است به عوامل دیگری از جمله رخدادهای پدیده در سنگهای کارستی، رسوبات جوان و فشرده نشده کواترنر و همچنین در نظر گرفتن نقش تغییرات اقلیمی و عوامل تکتونیکی و پراکنش گسل‌ها توجه کنیم.

اگر تصور شود فرونشست در دشت رفسنجان، مشهد و کرمان، دشت کبودآهنگ و فامنین، دشت معین آباد و رامین، دشت نظر آباد، دشت تهران بزرگ و سایر نواحی کوچکتر مدیریت راهبردی یکسان را می‌طلبد، یک نوع ساده انگاری علمی انجام داده ایم.

مقابله با فرونشست نیاز به استراتژی دقیق و ناحیه‌ای دارد. به بیان دیگر آمایش و توسعه کشور منوط به تدوین روشی علمی و اجرای صورانه آن است تا بتدریج اثرات آن کاهش یابد. آنچه مسلم است نباید پذیرفت که وسعت پدیده به اندازه‌ای است که نمی‌توان راهی برای درمان آن پیدا نمود. شواهد زیر به طور موردی پدیده فرونشست و علل آن را مورد بررسی قرار داده است. چون بازدیدها توسط راه آهن انجام شده است، لذا برای نمایش موقعیت مکانی، ایستگاه‌های شبکه راه آهن نام برده می‌شود.

۱. در سمنان در فواصل ایستگاه‌های راه آهن ده نمک، یاتری و گرمسار

علت لرزه‌های شبانه در تهران چیست؟

# لرزه بر تهران

رضا رویگری



همین افرادی است که هر شب در نقاط مختلف تهران طعم زمین لرزه را می‌چشند. او در این ارتباط گفت: علت زمین لرزه‌ها کاملاً مشخص است. عده‌ای از ساختمان‌سازهای تدبیری می‌کنند و هنگام خالی کردن تیرآهن و میلگرد از تریلی موجب لرزش زمین می‌شوند. حافظی تأکید می‌کند که این لرزش‌ها می‌تواند موجب سکنه‌های شبانه شود و حتی جان عده‌ای را بگیرد. وی می‌گوید: نصف شب که همه جا را سکوت گرفته و شهر در خواب است، ناگهان میلگرد و تیرآهن را از تریلی به زمین می‌اندازند که موجب می‌شود زمین در مقیاسی حدود ۲ ریشتر بلرزد. وی این عمل را نتیجه بی تدبیری ساختمان‌سازها می‌داند و می‌گوید: آنها می‌توانند از جرتیل برای خالی کردن میلگرد استفاده کنند تا صدای مهیب و ترس و وحشت ایجاد نکنند. اما متأسفانه این اتفاق رخ نمی‌دهد و کسی هم بر کار آنها نظارت نمی‌کند. حافظی تأکید کرد: دستور عمل و آیین نامه‌ای در این ارتباط در کمیسیون شهرسازی در حال آماده شدن است و انتظار این است که به نحوه تخلیه مصالح ساختمانی در آنجا اشاره شود. اما تا آن زمان نظارتی وجود ندارد و مردم هم نمی‌توانند شکایتی داشته باشند. به گفته وی باید برای این افراد که با جان مردم بازی می‌کنند، جریمه‌های سنگین در نظر گرفت اما این مهم بعد از تعریف روش انجام کار و موارد تخلف محقق می‌شود. حافظی به اتفاقی که در محله سکوتش رخ داده اشاره کرد و گفت: روبروی منزل خود ساختمانی در حال ساخت است. تریلی ساعت یک بامداد وارد کوچه ۸ متری می‌شود ۲۰ شاخه تیرآهن را هم زمان پیاده می‌کند. صدا و لرزش ایجاد شده منطقه را نابود می‌کند. اگر کسی مشکل قلبی داشته باشد ممکن است جان خود را از دست بدهد. وی ادامه داد: این مسئله شوخی نیست. بعد هم که اعتراض می‌کنیم می‌گویند من چکار کنم؟ این موضوع نشان می‌دهد که باید در خصوص ساختمان‌سازی و تخلیه مصالح دارای دستورالعمل باشیم تا وقتی چنین اتفاق‌هایی رخ داد صاحب ملک جریمه شود.

ساعت ۲ بامداد است. چشمهایش تازه گرم شده چرا که قلبش بعد از عمل هم مثل روز اول نشده است و یک لحظه آرامش نمی‌گذارد. ۶۸ سال دارد و با اینکه بازنشسته است امروزها در آژانس کار می‌کند تا چرخ زندگی را بچرخاند. دیر خوابش می‌برد و با وضعیت قلبی که دارد شب‌ها خواب راحتی ندارد. پزشکان به خانواده‌اش هشدار داده‌اند تا او را از استرس دور نگه دارند و فضایی آرام را در خانه فراهم کنند. حالا چشمهایش گرم شده و در خوابی ناز فرو رفته که ناگهان زمین می‌لرزد. شیشه‌ها صدا می‌دهند و شیشه‌های یکی از پنجره‌ها ترک بر میدارد. اهالی منزل از خواب با فریاد پدر و صدای مهیب و لرزش خانه از خواب می‌پرند. به سمت پدر می‌آیند که می‌خواهد با سرعت از منزل خارج شود. پسر و همسرش نیز همین قصد را دارند. راهرو شلوغ است و همه واحدها با احساس زمین لرزه می‌خواهند هر چه زودتر ساختمان را ترک کنند و به فضای باز بروند. پیرمرد هنوز به خیابان نرسیده قلبش را می‌گیرد و به زمین می‌افتد. همسایه‌ها به او ژانسن زنگ می‌زنند و می‌گویند که یک نفر بر اثر ترس از زمین لرزه سکنه کرده است. پراتور اورژانس می‌گوید «کدام زلزله؟ آدرس بدهید.» همسایه‌ها پیرمرد را به میان خیابان می‌کشاند و منتظر اورژانس هستند. اما در این میان نکته‌ای توجه آنها را جلب می‌کند. خبری از ساکنان ساختمان‌های ابتدا و انتهای خیابان نیست. چراغ‌ها خاموش است و همه در خواب هستند. گویی زمین زیر پای آنها نلرزیده باشد. آنها که زمین زیر پایشان لرزیده نگاهشان به کارگران ساختمان روبرویی می‌افتد که با تعجب نگاهشان می‌کردند. کارگرانی که مشغول خالی کردن میلگرد و تیرآهن از تریلی بودند. اورژانس پیرمرد را به بیمارستان منتقل کرد و او زنده ماند اما همسایه‌ها هنوز در پی کشف علت زمین لرزه و ترک خوردن شیشه پنجره‌های منزل خود بودند.

■ زمین لرزه‌هایی در پی بی تدبیری

رحمت‌الله حافظی رئیس کمیسیون سلامت شورای شهر تهران یکی از

# اما و اگر های سفر بدون ویزا به سرزمین تزارها

گردشگری



برای گردشگران گروهی ایران را به وزارت خارجه روسیه داده، ما هم متقابلا به وزارت خارجه کشورمان این پیشنهاد را دادیم، اما لازمه اجرایی شدن آن، امضای سند اصلی بین وزارت خارجه دو کشور است. این طرح پیشنهادی هنوز در حال بررسی است. او همچنین در پاسخ به این پرسش که با توجه به سطح تبادلات گردشگری دو کشور و تمایل بیشتر گردشگران ایرانی به روسیه، اختصاص تسهیلاتی چون لغو روادید گروهی، چقدر تراز گردشگری را به نفع ایران مثبت می کند؟ گفت: تراز مثبت شدن کیفیت و ارتقا کمی گردشگری به عوامل زیادی بستگی دارد و روادید تنها عامل آن نیست، زیرساختها، حرفه‌ای بودن، در بازار ماندگار بودن و ارتقا سطح ارتباط بین دو طرف، همگی تاثیر دارد تا حجمی از گردشگران منطقه‌ای را جذب کنیم. رحمانی موحد به استناد اظهارات آژانس داران روس، اظهار کرد: دو شاخص مهم برای توسعه گردشگری بین ایران و روسیه اهمیت دارد؛ حمل و نقل هوایی و روادید. این خواسته تورگردانان روسی است که معتقدند اگر این شرایط تامین شود تعداد گردشگران روس در ایران نیز افزایش خواهد یافت. وی همچنین بیان کرد: باید خطوط مستقیم پروازی از روسیه را به نقاط گرم کشور ارتقاء دهیم. در روسیه ۹ ماه از سال هوا سرد است و آن زمان به سمت اروپا هم نمی‌توانند بروند. می‌توان آنها را به ایران هدایت کرد. معاون گردشگری درباره محدودیت سفر روس‌ها به ایران بویژه در مناطقی که معمولا مدنظر گردشگران روس است، گفت: چه محدودیت‌هایی می‌تواند داشته باشد! ممکن است به واسطه شاخص‌های فرهنگی کشورمان برخی خدمات را نتوانیم دهیم که آن را رسما به روس‌ها اعلام کرده‌ایم، مطمئنا محیط‌های تاریخی و طبیعی ایران را دیدن و از غذاهای ایرانی خوردن حتما برای روس‌ها هم جذاب است.

بخش دیپلماسی رسانه‌ای سفارت ایران در مسکو از قول رئیس آژانس دولتی توریسم روسیه اعلام کرد که روسیه اقدامات فوری تری را در راستای لغو و تسهیل ویزا اتخاذ خواهد کرد و آماده افزایش تعداد گردشگران ایرانی و هندی به روسیه است. هرچند اولگ سافونوف گفته که «ایران یکی از امن‌ترین کشورها برای شهروندان روسیه محسوب می‌شود و البته طبق داده‌های آژانس دولتی توریسم روسیه، ایران در زمره ۲۰ کشوری است که گردشگرانشان بیشتر از همه به روسیه سفر می‌کنند.» اما ایران همچنان به دیده شک و تردید نگاه می‌کند. مرتضی رحمانی موحد معاون گردشگری سازمان میراث فرهنگی درباره برنامه ویژه وزارت امور خارجه و آژانس فدرال گردشگری روسیه برای تسهیل و افزایش سفر گردشگران ایرانی و هندی به آن کشور و برنامه متقابل ایران به ایسنا گفته است: لغو ویزای گروه‌های گردشگری یکی از انواع مدل‌های همکاری و تسهیل روابط کنسولی بین کشورها است که باید در چارچوب روابط دو کشور تعریف شود، این مدل قبلا بین روسیه، هند و چین اجرا شده و حتی تونس این تسهیلات را برای گردشگران گروهی قائل شده است که در این صورت ویزا رایگان می‌شود و قیمت بخشی از زنجیره خدمات، کاهش می‌یابد. او گفت: آژانس فدرال گردشگری روسیه پیشنهاد لغو روادید این کشور را برای گردشگران گروهی ایران مطرح کرده که ما اعلام کرده‌ایم سیاست اصولی ایران طبق آنچه وزارت خارجه کشورمان تعیین کرده، «لغو متقابل روادید» است و آمادگی در این بخش نیز وجود دارد. رحمانی موحد گفت: روسیه قبلا چنین تسهیلاتی را برای تجار و دانشجویان ایرانی در نظر گرفته بود و در گام بعدی آژانس فدرال گردشگری این کشور، پیشنهاد لغو روادید



# نشانه هایی برای اعتماد به شریک زندگیتان



مقابلش انتظار داشته باشد، واکنشی به همین بدی است. در عین حال هستند زوج هایی که حساب مشترک ندارند اما در عین حال درباره مسائل مالی با یکدیگر کاملاً صادق هستند و چیزی را در این باره مخفی نمی کنند. البته همه این مسائل به مقدار ظرفیت طرف مقابل شما هم بستگی دارد.

### وقتی او به شما اجازه حرف زدن می دهد

وقتی او نشسته است و سکوت کرده تا شما درباره روز بدی که داشته اید با خیال راحت حرف بزنید، یعنی اینکه همسر تان به احساسات شما احترام می گذارد. اما در عین حال باید یک نکته را یادتان باشد اینکه قرار نیست همسر شما صرفاً یک شنونده باشد. اما اگر شما طرف شنونده ماجرا هستید اول اجازه بدهید همسر تان حرف هایش را بزند و بعد به او بگویید آیا کاری هست که بتوانید برای آرام کردنش انجام دهید؟ اما اگر طرف گوینده هستید در عین حال که باید بدانید سکوت همسر تان در برابر گفته های شما یک رفتار قابل احترام و قابل اعتماد است، گاهی اجازه بدهید او هم اظهار نظری بکند.

### وقتی سوالات او مانند بازجویی کردن نیست

همیشه هم اینطور نیست که وقتی همسر تان از شما سوال می پرسد، صرفاً خیال بازجویی کردنتان را داشته باشد. گاهی سوال ها متعددی که او از شما می پرسد به نشانه علاقه در باب مسئله ای است که در اطراف شما، کار شما یا درس شما وجود دارد. یادتان باشد وقتی همسر تان رو در رو درباره موضوعی از شما سوال می کند همواره به معنای بازجویی کردن و شک داشتن نیست چون می توانست اینکار را مخفیانه هم انجام دهد و سراغ راه های دیگری برود اما وقتی رو در رو این سوال ها را از شما می پرسد می تواند به این معنا باشد که مسائل مربوط به شما برایش جالب توجه است.

### وقتی در حال رانندگی است، تلفنش را دست شما می دهد

طبیعی است که وقتی همسر شما در اتاق نیست و زنگ پیامک تلفن همراهش به صدا در می آید شما نباید در گوشی او سرکشی کنید اما وقتی همسر شما به هر دلیلی دستش بند است، مثلاً در حین رانندگی است و تلفن همراهش را دست شما می دهد تا برایش ننگه دارد به این معناست که او چیزی برای پنهان کردن ندارد. البته این موضوع با قضیه ای که شما خودتان بخواهید پنهانی گوشی همراه همسر تان را چک کنید کاملاً متفاوت است چه اینکه در آن موقعیت شما شرم پلیسی تان فعال شده و کاری را می کنید که در واقع نباید انجام دهید. اما وقتی او از قرار دادن تلفن همراهش در اختیار شما ابایی ندارد پس دیگر دلیلی هم برای نگرانی وجود نخواهد داشت.

### وقتی شما یک مکالمه طبیعی با همسر تان دارید!

یک دروغگو خوب می داند که حین گفتگو نباید زیاد به چشم های طرف مقابلش نگاه کند بنابراین یک همسر دروغگو حتما حواسش خواهد بود که تا جایی که امکان دارد نگاهش را از نگاه شما بدزد. وقتی همسر شما راستش را می گوید، مستقیم به چشم هایتان نگاه می کند. در ضمن یادتان باشد که یک همسر راستگو معمولاً زیادی دراماتیک رفتار نمی کند چون راستش را می گوید نیازی به زیاد روی در رفتارهای این چنینی و به دست آوردن دل شما ندارد.

منبع: ریدرز دایجست

گاهی هم نیمه پر لیوان را نگاه کنید. ذهنیت روشنی داشته باشید، خوش بین باشید و باور کنید که می توانید به شریک زندگی تان اعتماد کنید، بخصوص اگر این نشانه ها را در رفتار و کردار شریک زندگی تان می بینید مطمئن باشید که او فرد قابل اعتمادی خواهد بود. این نشانه ها به شما اطمینان می دهند که شریک زندگی تان با شما صادق است. بنابراین می توانید با فراغ بال به او اعتماد کنید.

### وقتی احساساتش را با شما در میان می گذارد

وقتی شریک زندگی تان درباره افکار و احساساتش با شما روراست است و همه آنها را با شما در میان می گذارد یعنی اینکه می تواند به او اعتماد کنید. وقتی همسر تان مقابل شما می نشیند و بدون سانسور، احساساتش را با شما در میان می گذارد، بدون اینکه از قضاوت شدن هراس داشته باشد، بدون اینکه بابت انتقادهایی که ممکن است متوجهش شود، یا اینکه شاید بابت احساساتش مورد تمسخر واقع شود، همه آنچه را که در دلش می گذرد با جزئیات بازگو کند یعنی او فرد قابل اعتماد شما در زندگی خواهد بود. اما این را هم یادتان باشد که اگر همسر شما از آن دست آدم هایی نیست که بلافاصله هر آنچه را که در دلش می گذرد با شما در میان بگذارد به این معنا نیست که قابل اعتماد نیست. بعضی آدم ها با حرف زدن، احساساتشان را به مرور مطرح می کنند و بعضی ها نیاز به تنهایی دارند و زمان بیشتری می خواهند تا حرف دلشان را برای شما رو کنند. اما به طور کلی وقتی صحبت از افکار و احساسات درونی بین یک زوج برقرار می شود یعنی اینکه میزان اعتماد بین آنها می تواند بسیار بالا باشد.

### وقتی او قبول می کند که اشتباه کرده است

وقتی همسر شما اشتباهات جزئی را که انجام داده اظهار می کند و می پذیرد که قصوری از طرف او صورت گرفته یعنی اینکه در مورد مسائل بزرگتر هم همین کار را خواهد کرد. به طور کلی وقتی شما اشتباهات کوچک خود را می پذیرید یعنی شهامت پذیرفتن اشتباهات بزرگ خود را هم دارید. و خوب زمانی هم که برای اشتباهی که مرتکب شده اید عذرخواهی می کنید یعنی اینکه قصد دارید اساس اعتماد را بسازید و شاید حتی آن را محکم تر کنید. با این وصف پذیرفتن اشتباه از طرف همسر شما و اعلام عذرخواهی به این معنی است که او فرد قابل اعتمادی در زندگی تان خواهد بود.

### وقتی او همه جزئیات روز را برای شما بازگو می کند

وقتی زن و شوهری چیزی برای پنهان کردن از یکدیگر نداشته باشند، طبیعی است زمانی که در پایان روز به هم می رسند همه آنچه که جزئیات اتفاقات رویتان آن روز آنها بوده را با یکدیگر در میان می گذارند. در واقع چیزی برای پنهان کردن وجود ندارد. با این وصف وقتی همسر تان خودش مایل است جزئیات روزانه اش را با شما در میان بگذارد و در این راستا هیچ تردیدی هم ندارد یعنی اینکه به راحتی می توانید به او اعتماد کنید.

### وقتی او با شما یک حساب بانکی مشترک باز می کند

خیلی از زوج ها پس از ازدواج یک حساب مشترک بانکی باز می کنند با این ذهنیت که اگر برای یکی مشکلی پیش آمد دیگری بتواند به لحاظ مالی از خودش مراقبت کند. در عین حال پیدا می شوند زوج هایی که مسائل مالی و اقتصادی را از یکدیگر مخفی می کنند و خوب وقتی یک طرف ماجرا درباره این مسائل پنهان کاری می کند آنچه که باید از طرف

### صنم بیاناتی

توهین و بداخلاقی حتما نباید در قالب رفتارهای ناخوشایند فیزیکی و بی‌کلمات اتفاق بیفتد، این توهین‌ها می‌توانند در قالب رفتارهای احساسی، بدون اینکه حتی یک واژه نامتعارف و ناخوشایند رد و بدل شود، اتفاق بیفتند. جایی که شما استقلال خود را از دست می‌دهید، جایی که روح و روانتان خدشه‌دار می‌شود یعنی زندگی احساسی‌تان به مخاطره افتاده است و باید سعی کنید تعادل از دست رفته را بازگردانید. البته قرار نیست همه روابط ناشوئی صد در صد کامل باشد، اما می‌توان در مسیر تکامل آنها پیش رفت، بهره‌مندی از میزان معتدلی از استقلال مالی در حین متاهل بودن یکی از مسائل بااهمیت از دواج است. یکی از توهین‌های بی‌کلام احساسی می‌تواند نوعی توهین اقتصادی باشد که به همان سوء استفاده اقتصادی تعبیر می‌شود. از آن جایی که محدوده اختیارات متعادل مالی شما نقض شود، یعنی اتفاق ناخوشایندی در شرف وقوع است.

**وقتی شما مهجور می‌شوید...**

یکی از لطمه‌های احساسی که همسر شما می‌تواند با رفتارش به روحیه شما بزند، بدون اینکه کلامی ناخوشایند رد و بدل شود، دورنگه داشتن شما از دنیاست. این اتفاق

هم با دخالت‌ها نابجا در روابط شما با خانواده و دوستانتان اتفاق می‌افتد. گاهی هم همراهی قدم به قدم شما از یک محل به محل دیگر می‌تواند اتفاق ناخوشایندی تلقی شود. فردی که تمام تلاشش را می‌کند تا شما را از همه دور نگه دارد، قطعا نمی‌خواهد این راز که تا چه حد همسرش را از دنیا دور نگه داشته فاش شود، حتی برای نزدیکترین دوستان و اقوامش.

**وقتی که عزت نفس‌تان با یک ضربه گرفته می‌شود!** اگر همسر شما همواره تلاش می‌کند شما را پایین نگه دارد و به افکار تان ارزش و بهایی نمی‌دهد، پس او به راحتی می‌تواند عزت نفس شما را از بین ببرد. در چنین شرایطی است که شما احساس حقارت می‌کنید و مرتب با مقصر دانستن خودتان احساس می‌کنید مشکلی در شما وجود دارد که چنین اتفاقی افتاده است.

**وقتی شما تهدید می‌شوید، آن هم بدون کلام!** تهدید شما توسط همسر تان در هر حالتی اتفاق خوشایندی نیست. گاهی اما این تهدید بدون رد و بدل شدن کلمه‌ای اتفاق می‌افتد. مثلاً یک نگاه یا یک ژست تهدید آمیز می‌تواند نشان دهد که همسر آنچه را که انجام می‌دهید تأیید نمی‌کند. این نوع از تهدید در واقع تهدید روح شماست و خوب این اتفاق که گاهی بدون عمد و غرض می‌افتد، اجتناب ناپذیر است اما تکرار روز به روز آن به یک واقعه

مخرب تبدیل خواهد شد.

**وقتی فرزندتان وسیله‌ای برای گروکشی می‌شود** شخصی که از روش‌های حمله به همسر خود بدون خشونت کلامی یا فیزیکی استفاده می‌کند، می‌تواند از فرزند هم به عنوان وسیله‌ای برای کنترل طرف مقابل خود بهره‌برد. این همان گروکشی است که احساسات طرف مقابل را تحت تاثیر قرار می‌دهد و بازی را به نفع فرد مهاجم پیش خواهد برد.

**وقتی روابط شما را با خانواده و دوستانتان قطع می‌کند** قطع کردن رابطه شما با خانواده تان یا دوستانتان بدون دلیل موجه می‌تواند یک تاکتیک ویژه بدون دعوا و مرافعه باشد. اما باید این را بدانید فردی که اقدام به قطع رابطه همسرش با افراد نزدیک او می‌کند، در واقع به همسر خود نوعی توهین احساسی کرده است.

**وقتی وسیله‌ای را پرت می‌کند...**

پرت کردن و شکستن اشیاء اطراف شما توسط همسر تان یک رفتار خشن است حتی اگر آن وسیله به سمت شما پرتاب نشود. مشت یا لگد زدن به دیوار، در یا وسایل، همچنین پرتاب کردن اشیاء همگی جزو رفتارهای ناشایستی است که نوعی توهین به احساسات شما تلقی می‌شود و بیشتر باعث صدمه روحی خواهد شد.

منبع: ریدرز دایجست

### از دواج کنید اما استقلال هم داشته باشید

# با این نشانه‌ها زندگی‌تان در خطر است





# سایه سنگین تغییر اقلیم بر سر فقرای جهان

در گزارشی که سازمان ملل منتشر کرد هشدار داده شده تا ۱۵ سال دیگر شاید ۱۲۲ میلیون نفر دیگر به علت تغییر اقلیم و تأثیرات آن روی کشاورزی، به شدت فقیر شوند. در این گزارش که توسط سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل فائو آن را منتشر کرده نوشته شده است که تغییر اقلیم «یک تهدید برای امنیت غذایی» در جهان است و حتی امکان دارد باعث شود تا سال ۲۰۳۰ تا ۳۵ تا ۱۲۲ میلیون نفر فقیر شوند؛ در این میان کشاورزان مناطق جنوب صحرای آفریقا بیشترین آسیب را می بینند. به همین منظور فائو خواستار تحولی عمیق در سیستم غذایی و کشاورزی شده و خواسته است که از نیم میلیارد مزرعه کوچک در زمین حمایت خاص شود.

در همین رابطه در قسمتی از این گزارش ۱۹۴ صفحه فائو نوشته شده است که بدون استفاده گسترده از زمین پایدار، آب، شیلات و علوم جنگل، فقر جهانی نمی تواند ریشه کن شود و همچنین باید تأثیر کشاورزی روی انتشار گازهای گلخانه و گرمایش جهانی کاهش یابد.

آینده تغییر اقلیم مشخص نیست و سناریوهای خوشبینانه و بدبینانه زیادی در رابطه با آینده تولید گازهای گلخانه وجود دارد، به همین دلیل فائو در این گزارش بر اساس سناریوهای مختلف از آینده کشاورزی و غذا گفته است، اما به نظر می رسد در هر صورت تغییر اقلیم به غذا و کشاورزی آسیب وارد می کند. در این باره در قسمتی از این گزارش نوشته شده است: بدون شک، تغییر اقلیم به قسمت کشاورزی و امنیت غذایی آسیب وارد می کند، در برخی از مناطق آسیب پذیر مثل جزیره های کوچک می تواند تأثیر تغییر اقلیم مصیبت بار باشد.

در بهترین حالت، سرعت کم تغییر اقلیم می تواند منجر شود که از طریق تکنیک های مختلفی کشاورزی خود را با اتفاقات وفق دهد، اما تغییرات ناگهانی تر در اقلیم وفق شدن با محیط را برای کشاورزی تقریباً غیر ممکن می کند. اما سرعت بیشتر تغییر اقلیم پیامدهای اساسی تری دارد که می تواند منجر به کاهش بازدهی محصولات شود و منجر شود قیمت غذا افزایش یابد. در قسمتی از این گزارش نوشته شده: اگر اقداماتی برای توقف تغییر اقلیم انجام نشود،

تولید غذا در برخی از قسمت های بزرگ زمین می تواند غیر ممکن باشد. البته این گزارش راه هایی هم برای انطباق کشاورزی با دمای بیشتر به کشاورزان پیشنهاد کرده است: راه هایی مانند تنوع تولید محصول، یک پارچگی کشاورزی با زیستگاه های طبیعی و ... در روز جمعه مدیر کل فائو در این رابطه گفت: گرمای بیشتر و الگوهای آب و هوایی نامنظم در حال حاضر هم به سلامت خاک، جنگل ها، اقیانوس ها و .. آسیب وارد می کند، به همین دلیل ما شاهد افزایش بیماری و آفات هستیم.

ارتاترین کازین، مدیر اجرایی برنامه جهانی غذا هم درباره تغییر اقلیم و فقر گفته بود: تغییرات اقلیمی هم اکنون هم در حال آسیب وارد کردن به سیستم های بشر دوستانه است، بیش از ۸۰ درصد افراد گرسنه در مناطقی زندگی می کنند که امکان آمدن بلای طبیعی در آن زیاد است. تغییر اقلیم منتظر نمی ماند ما هم نمی توانیم.

گفتنی است تا سال ۲۰۳۰ تغییر اقلیم تأثیرات مثبتی هم در مناطق سرد تر دارد، اما بعد از آن سال تأثیرات منفی تغییر اقلیم می تواند کشاورزی و سیستم های غذایی را در هر منطقه ای تهدید کند. در دسامبر ۲۰۱۵، سران کشور های مختلف در پاریس توافق را امضا کردند تا جلوی تغییر اقلیمی را بگیرند و گزارش فائو که امروز منتشر شد نشان می دهد که سران جهان الان باید تعهدات خود را اجرا کنند.

همچنین در قسمت دیگری از گزارش فائو نوشته شده است که یک سوم فراورده های غذایی در جهان تلف می شوند و کاهش این میزان می تواند منجر به کاهش تأثیر کشاورزی بر روی تغییر اقلیم شود.

منبع: گاردین



گفت و گو با موفق ترین تاجر فرش ایرانی

# مرد بحران های تنیده شده در تار و پود قالی

فرش ایرانی از ۵ تا ۳۰ میلیون دلار قیمت دارد. بنابراین از برلیان، مرغوب تر و گران تر است. اما آیا بازاریابی های ما که عمدتاً از سوی کارشناسان دولتی صورت می گیرد، حرفه ای و جامع است؟ من می گویم نه. چون کارشناسان دولتی، تجربه این کار را ندارند. چیزهایی در دانشگاه خوانده اند که بعضاً با واقعیت ها تناسب ندارد. نه اطلاعات کامل در زمینه فرش ایران دارند و نه بازارها را به خوبی می شناسند. در نتیجه برخی اوقات فقط پیشنهاد های غلط می دهند و به این صنعت ملی آسیب هم می رسانند. بافندگان فرش با خون جگر تولید می کنند اما چون پای عرضه می لنگد نه آنها منتفع می شوند نه صادر کنندگان. حدود ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر بافنده فرش داریم که یکی یکی دارند میدان را خالی می کنند و احتمالاً برای کار یابی با پاینده سوی میادین پارس جنوبی بروند یا در حالت دیگر، به اعتیاد پناه ببرند. آیا این بازی با اقتصاد کشور نیست. اما دولت مدعی است که از این صنعت حمایت می کند. مراکز مختلفی هم به همین منظور تاسیس شده حتی اخیراً طرح تبلیغات ماهواره ای فرش از طریق کانال های

دستباف ایران را به گردن مدیریت غیر علمی در داخل و فرصت طلبی رقبا در خارج می اندازند. واقعا از نظر جنابعالی چرا تولید و صادرات فرش دستباف ایرانی با آن قدمت و اصالت و ابهت به این حال و روز افتاده که قدرت رقابت با تولیدات باسمه ای پاکستان را هم از دست داده است؟

پیش از انقلاب ۶۸ درصد بازارهای جهانی فرش در اختیار ایران بود. در حال حاضر سهم کشورمان از این بازار ۲۲ درصد است.

به نظر من تولید فرش دستباف نه تنها افت نکرده، بلکه به لحاظ کمیت و کیفیت رشد هم داشته است. اما چرا برخی کشورها با سابقه صدسال تولید فرش دستباف، گوی رقابت را از ایران که سابقه ای ۳ هزار ساله دارد، برده اند؟ این روند چند دلیل دارد که یکی از آن دلایل، فرصت طلبی رقبای خارجی است. از این نکته غافل نباشیم که فرش تولیدی رقبای ما هنوز در بازارهای جهانی امتحان پس نداده است. همه می دانند که فرش دستباف ایرانی اعتبار جهانی دارد. در موزه های مشهور دنیا، هر قطعه

احد عظیم زاده هستیم، موفق ترین «بیزینس من فرش دستباف در دنیا». در این نقل قول تردید نتوان کرد. او چنان با قاطعیت از کار و تجارت خودش دفاع می کند که ناخودآگاه مخاطب را به این واقعیت می رساند که فرش عظیم زاده در عرصه تجارت یک استثنا است.

اگر نخستین سال های زندگی مشقت بار این تاجر فرش را در نظر بگیریم و آن را با موقعیت کنونی اش قیاس کنیم، شگفت زده خواهیم شد. کسی که در هفت سالگی و از همان روز اول مدرسه، مجبور می شود پشت دار قالی بنشیند، اکنون با اتکا به خلاقیت و کار طاقت فرسای خودش، یکی از بزرگ ترین تاجران فرش در دنیا است و به قول خودش هر بار که برای خرید به بازار تبریز می رود، این بازار را تکان می دهد. آن هم در هنگامه ای که بحران در تار و پود تولید و تجارت فرش دستباف ایران تنیده شده و آمار رسمی دل بر کاهش ۳۳ درصدی صادرات این محصول ملی در ماه اول سال جاری است.

متن گفت و گو با احد عظیم زاده را بخوانید.

■ آقای عظیم زاده! چند سالی است که بحران فرش

پربیننده خارجی مطرح گردیده و ظاهراً اعتبار کلانی هم به آن اختصاص داده شده است.

■ دولت چگونه حمایت می کند؟ تلویزیون ملی کشور که باید رسانه اصلی تبلیغات صنعت ملی فرش باشد، چه کار کرده است؟

معاون سابق سازمان توسعه تجارت، دو سال پیش رسماً اعلام کرد که این سازمان ۵۰ درصد تبلیغات برون مرزی فرش ایران را از طریق شبکه «جام جم» تقبل می کند. شرکت فرش عظیم زاده در سال ۱۳۸۴، بیش از یک میلیارد و دویست میلیون تومان (بله تومان، نه ریال!) به تبلیغ داخلی فرش دستباف اختصاص داد. این کاری بود که خودم برحسب ضرورت برای شناخت این صنعت انجام دادم و انتظار یارانه هم از دولت نداشتم. اما از سوی دیگر، طبق صورتحساب صداوسیما، در همان سال ۷۸۰ میلیون تومان تبلیغات برون مرزی داشته ام که علی الظاهر نصف آن را باید سازمان توسعه تجارت تقبل می کرد. اما از شما چه پنهان که بعد از هشت ماه دوندگی و رفتاری های بوروکراسی اداری، قرار شد این سازمان فقط پرداخت ۱۰ درصد مبلغ کل صورتحساب «جام جم» را تقبل کند. یعنی ۱۸۰ میلیون تومان! خلاصه از این رقم هم ۳۰ میلیون تومان قرار است به صورت علی الحساب پرداخت شود و مابقی به بودجه سال آینده واگذار شده است که البته هنوز هیچ چیز معلوم نیست. آیا این است حمایت های دولتی؟ من تا کی می توانم از جیبم هزینه های هنگفت تبلیغات فرش ایرانی را بپردازم؟ حتی اگر دولت ۵۰ درصد هزینه تبلیغات را هم بپردازد باز بودجه تبلیغات داخلی و خارجی شرکت فرش عظیم زاده، بیش از یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان در سال ۸۴ بوده است که فکر نمی کنم خود دولت هم این مقدار برای تبلیغ فرش ایرانی هزینه کرده باشد.

■ آیا این فرصت به شما داده شده که مستقیماً درباره مسائل کار خود با مدیران ارشد وزارتخانه ارتباط برقرار کنید. شاید آنها واقعا از این ماجرا خبر ندارند. خیر. تا به حال حتی یک جلسه رسمی در این خصوص برگزار نشده. الان چهار ماه است که تقاضای ملاقات با وزیر بازرگانی کرده ام اما هنوز موفق به دیدار ایشان نشده ام. من یک بازرگان موفق هستم و باید در وزارتخانه بازرگانی به رویم باز باشد، اما این طور نیست.

■ برگردیم به این نکته مهم که می گویند رقبا طرح های فرش ایرانی را سرقت کرده اند و با کپی از روی آنها، محصولات خود را به نام ایران صادر می کنند. آیا واقعا چنین است؟

بله، باید از مدت ها پیش، برای فرش ایرانی شناسنامه صادر می شد. مادر شرکت فرش عظیم زاده این کار را کرده ایم و فرش را با شناسنامه اش که حکم پاسپورت را دارد، صادر می کنیم. دکتر میر کاظمی، وزیر محترم بازرگانی از این ایده ما استقبال کرد و آن را ستود. با این وصف، دیگر نمی شود در بازار جهانی تقلب کرد.

■ در زمینه برگزاری نمایشگاه ها چه نظری دارید. آیا ساختار دولتی نمایشگاه در ایران، مقتضیات جهانی

را دارد؟

شرکت سهامی فرش ایران که برگزار کننده اصلی نمایشگاه های تخصصی فرش در کشورمان است با این مقوله بیگانه است. نمایشگاهی که پارسال در تهران برگزار شد واقعا جای تاسف داشت و مایه آبروریزی بود، اگر این شرکت نمی تواند مجری نمایشگاهی خوبی باشد بهتر است از خیر آن بگذرد. متری ۲۰ هزار تومان سود می برند که چی؟ این حمایت از صادر کننده نیست. ظلم آشکار به او است. خدمات فاقد کیفیت به صادر کنندگان و مهمانان خارجی هم حکایتی دیگر دارد که مثل روز روشن است. سالن ها گرم است، کولر کار نمی کند، آسفالت و چمن محوطه های نمایشگاه درب و داغان است و... چرا در نمایشگاه های خارج از کشور همه چیز مرتب و منظم است و بهترین خدمات را به مهمانان و بازدید کنندگان می دهند؟ به هر حال آنها می دانند که با برپا کردن چند غرفه، نمایشگاه برگزار نمی شود.

■ یک سوال دیگر، با توجه به تجربه دیدار شما از نمایشگاه های خارجی و تعامل نزدیک با بازارهای جهانی بیشترین استقبال خریداران از کدام نوع فرش دستباف ایرانی صورت می گیرد؟

فرش تبریز. نه اینکه فکر کنید چون خودم تبریزی هستم، این ادعا را دارم. واقعیت همین است. فرش تبریز از نظر طراحی و رنگ آمیزی بسیار متنوع و خلاقانه است. فرش نائینی سال ها است که فقط پنج، شش رنگ دارد. فرش اصفهان هم قبل از انقلاب، وضعیت بهتری داشت اما حالا افت کرده چون تنوع ندارد. جاهای دیگر هم، همین طور، متأسفانه تنوع تولید از بین رفته است.

■ گران ترین فرشی که تا به حال به مشتریان خارجی فروخته اید چقدر ارزش داشته؟

درست یادم نیست. من فرش یک میلیون تومانی فروختم. ۲۰۰ میلیون تومانی هم فروخته ام...

■ چند تا فروشگاه در ایران و خارج دارید؟

در تهران ۲ فروشگاه بزرگ فرش دارم. در توکیو هم انبار فرش دارم، در همین فروشگاه (جام جم) مرغوب ترین فرش ها و تابلوهای دستباف ایران را می توانید ببینید.

■ در بازارهای داخلی اوضاع چگونه است، فرش های نفیس چگونه قیمت گذاری می شوند، آیا معیار حرفه ای وجود دارد؟

در فروشگاه من همه فرش ها کدگذاری شده اند و قیمت های کارشناسی شده و مشخص دارند. طبق خرید، با سود منصفانه قیمت گذاری کرده ایم. تخفیف هم می دهیم، هم به مشتریان خارجی، هم به خریداران داخلی، یک مساله این است که قیمت فرش دستباف در بازار داخلی فقط تابع اراده فروشنده است. خارجی ها بارها به من گفته اند مثلاً در فلان بازار، چون دیدند خارجی هستیم، قیمت ها را بالا بردند. در حالی که نباید این طور باشد. دلال ها، کمیسیون می گیرند و قیمت ها را بالا می برند.

■ شما خودتان این همه فرش های نفیس را از کجا خریداری می کنید؟

از جاهای مختلف. عمدتاً از بازار تبریز. هر وقت به بازار تبریز می روم مثل این است که زلزله آمده باشد. سه، چهار میلیارد تومان فرش می خرم و آن بازار را تکان می دهم.

چند تاجر فرش در ایران این قدر قدرت خرید دارند؟ خودم هم کارخانه دارم که ۷۰۰ کارگر و بافنده در آنجا کار می کنند. سال گذشته می خواستم با این صنعت خداحافظی کنم اما بعد به این نتیجه رسیدم که فقط «پول» کافی نیست. انسان آن است که مثل درخت سایه داشته باشد.

از خودتان بگوئید و اینکه چه شد که تاجر فرش شدید آن هم به قول خودتان، موفق ترین تاجر فرش در دنیا. زادگاه من روستای اسفنجان است در ۲۰ کیلومتری تبریز. هفت ساله بودم که پدرم را از دست دادم و همین مصیبت باعث شد که از پشت میز کلاس اول، یکر است بروم پشت دار قالی. هفت سال فرش بافتم. با فقر و رنج زیاد زندگی کردم و خرج و مخارج خانواده ام را تامین کردم. شب ها درس می خواندم و روزها کار می کردم. از چهارده سالگی به بعد، شدم فروشنده سیار فرش. از فروش هر فرش دستباف یک تومان دستم می آمد تا بعدها که انقلاب شد و رفتم سربازی. از خدمت نظام که برگشتم، چند سفر خارجه رفتم و توانستم مشتریانی قابل اطمینان دست و پا کنم و این آغاز فعالیت تجاری من بود. تا بعد که یک کارخانه در اسفنجان و یکی هم در تبریز راه اندازی کردم.

■ سرمایه را از کجا آوردید؟

خودم ۲۰ هزار تومان سرمایه داشتم. ۲۰ هزار تومان هم از یکی از بستگانم قرض کردم، ۶۰ هزار تومان هم وام بانکی گرفتم. خلاصه، ریسک کردم. من آدمی ریسک باز هستم، ریسک تجارت می کنم. به پیشنهاد یک مشتری خارجی برای اولین بار در ایران شروع کردم به تولید فرش گرد دستباف تا اینکه پایم به کشورهای اروپایی باز شد و شدم تاجر فرش. اگر آمار دقیق صادرات را اعلام کنند و پیمان فروش ها و دلال ها، خودشان را به عنوان صادر کننده، جان نزنند، آن وقت معلوم می شود که صادر کننده نمونه کشوری در زمینه فرش دستباف چه کسی است.

■ در سال ۸۴ حدود ۴۰۰ میلیون دلار فرش به خارج صادر شده، سهم شرکت فرش عظیم زاده از این میزان صادرات چه قدر بوده است؟

■ ۵ میلیون و ۸۴ هزار دلار. آمار صادرات صادر کننده نمونه کشوری در سال ۱۳۸۴، بیش از ۸ میلیون دلار بوده که یک رقم غیر واقعی است چون همین صادر کننده در سال ۸۲، ۲ میلیون دلار فرش صادر کرده بود. آیا جای تعجب ندارد که با وجود بحران صادرات فرش در سال ۸۴، یک صادر کننده ۸ میلیون دلار صادرات داشته است. این رشد ۴۰۰ درصدی چگونه بررسی شده؟ آیا جز این بوده که از طریق پیمان فروشی، به این رقم نائل شده اند؟

ضمن اینکه من ارزیابی های گمرک را دقیق نمی دانم بنابراین این آمار می شود جای سوال دارد و صادرات واقعی را نشان نمی دهد.

دکتر علی اصغر جهانگیری در گفت و گوی تفصیلی با «افق تازه»

# کار آفرینی یک بیماری دلنشین است

تاسیس بانک اشتغال برای فرار از بیکاری



هادی قهرمانی

gharemani.hadi@gmail.com

اولین مشکل این است که دانشگاه‌های ما خیلی کهنه هستند و از طرفی جامعه ما نیز بسیار مدرک گرا شده است. متأسفانه چیزی که الان زیاد است، وفور مدرک است که خود مدرک را بی اعتبار کرده است. ما مدرک گرا شده ایم؛ برای اینکه این مدرک، صد تومان روی حقوقمان تاثیر می‌گذارد.

دوم اینکه مراکزی که کارآفرینی درس می‌دهند، الگوهایشان غربی است. آیا کسانی که این کتاب‌ها را نوشته اند نیز در کشورشان نرخ تورم ۴۰ درصد است؟ آنجا هم بهره بانکی ۳۰ درصد و سود سپرده ۲۰ درصد وجود دارد؛ چگونه نسخه یک بیمار کره ای را به یک بیمار ایرانی تجویز می‌کنیم؟ ما باید براساس چالش‌های فرهنگی و امتیازاتمان بر این بستر بنا بسازیم. بستر ما وال استریت نیست. مثلاً برای من ایمیلی آمده از بانه کردستان یک پسر جوانی می‌خواهد کاری را شروع کند. الگوی آمریکایی چه کمکی می‌تواند به او بکند؟ به همین دلیل است که کارنامه درخشانی نداریم و دانشگاه‌ها ناکارآمد هستند. برای همین افرادی که در این کلاس‌ها ثبت نام می‌کنند نمی‌توانند آن تئوری‌ها را اجرا کنند و زده می‌شوند و روز به روز از تعداد علاقه مندان کم می‌شود.

سوم اینکه جوان‌ها حامی و پشتیبان ندارند. جوان‌هایی که ایده دارند نمی‌دانند ابراز را باید از کجا بخزند یا فرمول چیست. خب اگر کسی به این جوان کمک نکند معلوم است که هیچ وقت موفق نمی‌شود.

چهارم اینکه منابع کشور مان را نمی‌شناسیم. من اگر به بچه ای که در روستا زندگی می‌کند بگویم دور و برش ۲۰۰ فرصت طلایی است باورش نمی‌شود. به بچه‌هایمان یاد بدهیم که ثروت ایرانی فقط نفت و گاز نیست. متأسفانه سایر ثروت‌های ما مخصوصاً ثروت فرهنگی ما بسیار مغفول مانده است.

### ■ لطفاً به یکی از استفاده‌های بهینه‌ای که شما از ثروت‌های طبیعی و فرهنگی کردید، اشاره بفرمایید.

من زمانی که از آمریکا به ایران آمدم، بعد از سی سال با قطر به روستای زادگاهم کندلوس رفتم که آن زمان جاده، برق و گازی در آنجا وجود نداشت. گفتم باید برای روستایی که کودکی ام را در آن گذراندم کاری انجام دهم. برای آنجا یک مدرسه ساختم اما هیچ کس در آن مدرسه نیامد، چون می‌گفتند ما فقیریم و پول نداریم. برای اینکه آن‌ها را به مدرسه بکشانم گفتم بچه‌ها چه کسی می‌رود برای من گیاه بچینند و درازایش پول بگیرد؟ گیاه‌هایی مثل

در ابتدا برای ورود به بحث از دو منظر اشتغالزایی و کارآفرینی وارد شویم. بسیاری از ما این دو موضوع را یکسان می‌پندارند و تفاوتی برای آن قائل نمی‌شوند. نظر شما را در این رابطه جویا شویم.

مقوله عدم شناخت صحیح کارآفرین اشتباه بزرگی است که در فرهنگ ما وجود دارد و در موارد زیادی شاهد آن هستیم که اشتغالزایی را با کارآفرینی یکسان می‌بینند. مثلاً یک فردی کارخانه‌ای با صدها کارگر ایجاد می‌کند و مورد تحسین و تشویق همگان به عنوان یک کارآفرین قرار می‌گیرد در حالی که کارآفرین به سه موضوع ایجاد فرصت، ایجاد ثروت و تبدیل زیان به سود می‌پردازد که در این راستا گاهی شغل هم در ایده آن ایجاد می‌شود.

امروزه کارآفرینی شرط بقا محسوب می‌شود. به عقیده بنده اگر جوامع بشری کارآفرینی را یاد نگیرند و رواج ندهند حاصلی جز نابودی برایشان نخواهد داشت. در دنیا هر ثانیه با ابداع و اختراعات جدیدی روبرو می‌شویم که این خلاقیت و کارآفرینی است که جوامع بشری را سرپا نگه داشته است. ولی متأسفانه در کشور ایران به دلیل وجود درآمدهای نفتی، به دنبال شناسایی منابع بی‌شمار دیگری که وجود دارد، نرفته ایم. ثروت نفت و گاز ما را به خواب برده است و در حال حاضر با حدود ۸۰ میلیون جمعیت و ۲۸ درصد نرخ بیکاری روبرو هستیم که این موارد عواقبی همچون فقر، فساد، فحشا، دزدی و... را در جامعه همراه دارد که نمی‌توان آنها را کتمان کرد. کشوری مثل هند که ثروت ندارد برای رسیدن به اهداف و بقای خود مجبور است که فکر کند و راه حل مناسب پیدا کند.

### ■ کارآفرینی در سایه چه عواملی به بار می‌نشیند؟

کارآفرین باید عاشق کشور و مردم سرزمینش باشد. به نظر بنده کارآفرینی یک بیماری دلنشین است چون دغدغه‌هایی که کارآفرین برای حل مشکلات با آن طرف هست همانند یک ویروس در درون آن عمل می‌کند و همیشه با آن درگیر است. کارآفرین باید توانمندی این راداشته باشد تا در هر شرایطی فرصت خلق کند. کارآفرین نقش بزرگی در اداره یک جامعه دارد و همان طور که گفتم باید سرعت خود را با قطار پیشرفتی که از اول قرن بیستم در دنیا به راه افتاده هماهنگ کنیم و جا نمانیم.

### ■ آقای دکتر، برای رسیدن به کارآفرینی در کشور، با چه موانع و مشکلات عمده‌ای روبرو هستیم؟

قطار توسعه و پیشرفت از ابتدای قرن بیستم با سرعتی شتابان در حال حرکت است حال اینکه این توسعه و پیشرفت در سایه ایجاد ایده و بهادادن به کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه توسعه یافته در حال گذر است. کشورهای طبیعی که طی این دهه‌ها خود را در حصار استفاده از منابع طبیعی محصور کرده اند محکوم به اقتصاد رو به زوال هستند. در دنیا در هر ثانیه شاهد ابداع و اختراعات جدید هستیم که این مهم نقش بسزایی در توسعه اقتصادی جوامع و اشتغالزایی آن جوامع دارد. از طرفی در کشور ما منابع طبیعی بسیاری جدای از نفت و گاز وجود دارد که بهره برداری اصولی از ظرفیت‌های آن صورت نمی‌گیرد چه بسا که استفاده از همین ظرفیت‌ها به طور مناسب می‌تواند کشوری که سالها با نرخ بالای بیکاری روبرو است را از بحران نجات دهد.

از طرفی استفاده بهینه از این منابع مستلزم وجود ایده‌هایی است که با خلق فرصت‌های جدید بتواند ما را به سر منزل مقصود برساند. همه ما در طول روز به موارد بسیاری برمی‌خوریم که به عنوان مشکلی در زندگی روزمره تنها از آن یاد کرده و به راحتی از آن عبور می‌کنیم این در حالیست که در درون این مشکلات راه‌حل‌های بسیاری نیز نهفته است. کارآفرینان افرادی هستند که در برخورد با مصائب به راحتی از آن عبور نمی‌کنند و سعی در حل مشکل با استفاده از منابع موجود دارند چه بسا که در بیشتر موارد یک کارآفرین از منابع بلااستفاده خلق فرصت می‌کند. آنچه که بسیاری از ما با بی تفاوتی و شاید به دلیل مشغله فراوان در طول زندگی روزمره از آن غافل می‌شویم.

دکتر علی اصغر جهانگیری مردی از تبار زیبای کندلوس در سه فرسنگی چالوس نمادی از یک کارآفرین خلاق، پر تلاشی و آشنا به علوم روز محسوب می‌شود. مردی که برای بسیاری از جوانان این مرز و بوم فرصت خلق می‌کند تا چراغ امیدی برای آینده کشور باشد.

ایشان پس از اتمام دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه در ایران راهی آمریکا می‌شود و در ایالت تگزاس در رشته حفاری چاه نفت ادامه تحصیل می‌دهد. پس از تحصیل به ایران بازمی‌گردد و به دلیل پذیرفته شدن در بورس سازمان ملل متحد در دانشگاه وین در رشته پلیمر و الیاف مصنوعی نیز تحصیل می‌کند.

وی کارآفرین موفق و عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس و استاد دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی در رشته‌های مدیریت و کارآفرینی است. با اینکه در حوزه دانشگاهی نیز فعال است اما بیشترین چیزی که بر آن تاکید دارد، تمرکز بر کاربردی بودن و وارد شدن به میدان عمل است.

از آنجائیکه امروز بیکاری به عنوان بزرگترین پاشنه آشیل دولتمردان طی سالهای اخیر به شمار می‌آید شناسایی ویژگی‌های کارآفرینان کشورمان و معرفی الگوهای نقشی که آنان در زندگی شغلی و شخصی خود به کار برده اند تا به قله‌های موفقیت دست یابند، می‌تواند نقشه راهی برای جوانانی باشد که آرزوهای بزرگ در سر می‌پروراند.

هر چند تا به حال به کرات گفت و گو با ایشان در نشریات مختلف کشور به چاپ رسیده است اما سعی کردیم فضایی به گفت و گوی پیش رو بدهیم که کمی از آنان متفاوت تر باشد.

## من معتقدم برای کار آفرینی پنج حلقه باید حتما کامل باشد. ایده، سرمایه، راهکار، ابزار و بازار. ایرانی‌ها خیال می‌کنند که سرمایه فقط پول است

دریاست. به من گفتند ما که اینجا کاری نمی‌توانیم بکنیم. بیایم فاضلاب شهر را در آن خالی کنیم. من گفتم از هر ده متر این کویر می‌توان یک لیتر روغن هیدرولیک در آورد؛ اینکه خیلی ارزشمندتر از زمینی است که در آن خربزه می‌کاشتید پس می‌بینیم که عدم آگاهی باعث اتلاف منابع ما می‌شود.

### ■ هدف جناب عالی از راه اندازی بانک اشتغال چیست؟

در سازمان ملل برنامه‌ای بود که بنده به عنوان نماینده ایران شرکت و عنوان نفر برتر برنامه را از آن خود کردم. در آنجا مطرح کردم که تنها راه حل برای برون رفت از مشکلات جوامعی مشابه کشور ما، ایجاد بانک اشتغال است به نحوی که با جمع آوری و تبدیل تمام ایده‌های موفق که در دنیا انجام می‌شود به نسخه ایرانی و آرشیو آن در بانکی به نام بانک اشتغال می‌توانیم کمک شایانی به اوضاع اشتغال افراد جامعه کنیم.

اگر من بخواهم خوانندگان برون مرزی شما را مخاطب قرار دهم، می‌گویم هر جای دنیا که هستید اطراف خود را بگردید و ببینید آن قوم چه کاری می‌کند ایده‌های موفق و کوچک و بزرگ جهانیان را برای ما بفرستید. بگذارید خزانه مان پر از ایده شود. مثلا یک بچه‌ای در آرژانتین لب رودخانه نشسته و برای مراکز فرهنگی باقلوه سنگ هدیه فرهنگی درست می‌کند. ما باید از او یاد بگیریم. ما که از ابتدای قرن بیستم خواب ماندیم و دائم از درآمد تفتی می‌خوریم و دنیا به سرعت برق و باد جلو رفت. پس حداقل باید ببینیم جهانیان در این یک قرن چه کردند و حداقل از آن‌ها یاد بگیریم و زودتر بیدار شویم. آن هم ایرانی که کار آفرین ترین قوم جهان است. ایرانی که ۱۶۵ کیلومتر قنات در استان یزد حفاری کرده که آب را به سطح بیاورد. چیزی که محاسبات ریاضی پیچیده‌ای دارد. ایرانی که در سال‌های خیلی دور پنج کیلو پشم بی ارزش را فرش کرده و ارزشش را میلیونی کرده است که هم افتخار، هم اشتغال، هم اقتصاد و هم فرهنگ را با خود به همراه دارد. ملتی که سه هزار سال پیش گل را سرامیک کرده و روی گلدسته و مناره‌ها گذاشته و این قوم حقیقت نیست که بی‌کار باشد. اشتباه کردیم بلد نبودیم، مغرور در آمد تفتی شدیم و در خواب ماندیم. اما حالا باید جبران کنیم. شعار من این است که هر ایرانی، با هر سنی، با هر پولی، با هر سواد و در هر جایی می‌تواند برای خودش کسب و کار راه بیندازد.

### ■ لطفا راجع به حلقه‌های دیگر کسب و کار نیز

بایده، گزنه و بومادران که در طبیعت پر است. ۱۸۰ بچه آمدند و آن بچه‌ها خودشان پول تحصیلشان را در آوردند. من به آن‌ها هیچ لطفی نکردم و الان همه آن بچه‌ها خودشان برند هستند و می‌درخشند. برای این است که تحقیر نشوند و با افتخار به درآمد رسیدند. چرا روستایی که من به آنجا رفتم الان قطب بین المللی توریستی است؟ این‌ها همه به خاطره توجه به منابع طبیعی است و من بعدها توانستم در روستایم موزه و رستوران و مهمان سرا بسازم.

و حالا من می‌خواهم بگویم عزیزان هم وطن ایرانی دیر شده است. الگوهایمان را باید عوض کنیم؛ باید راه تازه‌ای را شروع کنیم. نیاز به بودجه هم نداریم، از یک جای کوچک شروع کنیم و ادامه دهیم. این قدر برای شروع کار منتظر سرمایه کلان نباشیم.

### ■ ما چگونه می‌توانیم نقش سرمایه را از پول محور به دانش محور تغییر دهیم؟

من معتقدم برای کار آفرینی پنج حلقه باید حتما کامل باشد. ایده، سرمایه، راهکار، ابزار و بازار. ایرانی‌ها خیال می‌کنند که سرمایه فقط پول است. به محض اینکه به یک ایرانی می‌گوییم برو سراغ کار، می‌گوید پول ندارم سرمایه از کجا بیاورم؟ پس هر ایرانی که سرمایه ندارد محکوم به مرگ است؟ مگر کشورهای سوسیالیستی سرمایه داشتند؟ جوانی که مثلا از دانشگاه اتریش بیرون می‌آید سرمایه‌ای ندارد. پس آن‌ها چه کار می‌کنند؟ متاسفانه دولت ما بلافاصله به این جوان دو تا پنج میلیون پول می‌دهد، در صورتی که این حلقه هنوز چهار قسمت دیگرش مغفول مانده است؛ بنابراین کار آن جوان هم هرگز به ثمر نمی‌نشیند و پول هم هدر می‌رود.

من می‌گویم خیلی چیزهای دیگر هم سرمایه است. آیا دانش سرمایه نیست؟ تجربه یا منابع کشورمان سرمایه نیست. من معتقدم منابع ایران ما را نفرین می‌کنند. کشور ما به اندازه دویست کشور دنیا منابع مختلف دارد و من می‌توانم ده‌ها جلد کتاب راجع به منابع کشورمان بنویسم. پس پول، یک روان کننده است نه همه چیز.

### ■ برای انتخاب ایده اولیه باید چه نکاتی را در نظر بگیریم؟

انتخاب ایده مناسب و جدید خیلی مهم است. ما نباید کار نسل قبلی را تکرار کنیم. جوان ایرانی حق ندارد نسل ما را کپی کند. ما یک زمانی سود می‌کردیم اما نسل ما دیگر سودآور نیست. پس ایده‌ها باید نو باشد و برای اولین بار ارایه شود. چون ما نمی‌توانیم یک جوان بی تجربه را با یک رقیب با تجربه و پولدار و قدیمی به جنگ رقابت بیندازیم. باید ایده‌های نو را پیدا کنیم. اما از کجا؟ باید ایده‌های خوب جهانیان را که در کشورهای دیگر به ثمر نشسته رصد کنیم و از طرف دیگر از منابع کشورمان هم می‌توانیم ایده بگیریم. مثلا در اصفهان کویری هست که شوری آبش دو برابر آب

برایمان توضیح دهید.

بعد از ایده و سرمایه، باید سراغ راهکار برویم. ببینیم فرمول محقق کردن این ایده چیست. شما نباید این متقاضی را تنها بگذارید. ما به این جوان یادندادیم از کی باید پرسید؟ همه جوان‌های ایرانی هم که پایتخت نشین نیستند. آن هم وطن من که در روستا زندگی می‌کند، مشاورش

کیست؟ و همچنین باید ابزار مناسب را به او معرفی کرد. چون جوانان در این زمینه تجربه‌ای ندارند. و بعد می‌رسیم به بازار، آیا شما در عمر تحصیلتان یک کلمه از بازار شنیده‌اید؟ کسی به شما گفته که بازار ایران یعنی چه؟ اگر گفته باشند هم راجع به وال استریت گفته‌اند. پس یک ایرانی تحصیل کرده از بازار چیزی نمی‌داند، وای به حال آدم‌های معمولی. بنابراین ما باید بازار ایرانی را برای جوان‌ها باز کنیم. چون اینجا چالش‌ها و راهکارهای خودش را دارد. بزرگ‌ترین سوال ایرانی‌ها این است: کجا بفروشیم چون واقعا ما نمی‌دانیم کجا بفروشیم. ما حتی کلاهبرداری یا جیب دزدی را هم باید یاد بدهیم که این جوان بتواند در برابر این مسایل مقاومت بکند. وقتی من به بچه‌ام یاد نداده‌ام که این چک پول نقد می‌شود یا نمی‌شود، خب می‌رود چکی را می‌گیرد که پول نمی‌شود! و این مسایل را استاد دانشگاهی که نه پولش را خوردند، نه چکش برگشت خورده، نه اداره کار رفته و نه با کارگش دعوایش شده است چگونه می‌خواهد به من یاد بدهد؟ ما باید بچه‌های کشور را با مدیران آشنا کنیم. باید جوان‌ها مدیرانی را که کف بازار هستند، ورشکست شده و موفق شدند، ببینند. البته اساتید به عنوان شخصیت علمی قابل احترامند اما استاد علمی، کسی که فقط کتاب خوانده است تجربه‌ای از کار در کشور ندارد. نمی‌داند فرق چک حقوقی با چک‌های دیگر چیست و تجربه میدانی ندارد، نمی‌داند اگر کارگش در انباری دزدی کرد باید چه کار کند (شاید من تنها استاد دانشگاهی باشم که حدود چهل سال است با انواع فعالیتهای اقتصادی اعم از صنعت، کشاورزی، توریست و غیره روبرو هستم). ما باید کتاب‌هایی را هم که ترجمه می‌کنیم، ایرانیزه کنیم و با فرهنگ خودمان منطبق کنیم. وقتی شما این حلقه‌ها را کامل کردید و اگر یک تیم کارآفرین هم کنارتان باشند، دیگر ترس‌تان می‌ریزد و با شهامت بیشتری کارتان را طی می‌کنید.

**بزرگ‌ترین سوال  
ایرانی‌ها این است: کجا بفروشیم  
چون واقعا ما نمی‌دانیم کجا بفروشیم. ما  
حتی کلاهبرداری یا جیب دزدی را هم باید  
یاد بدهیم که این جوان بتواند در برابر  
این مسایل مقاومت بکند**





# ایکاپ، چرخ توسعه صادرات ایران خودرو را به حرکت در می آورد

## ایکاپ و توسعه صادرات

گروه صنعتی ایران خودرو برای همکاری با شرکای خارجی یک شرط اساسی را لحاظ کرده و آن صدور حداقل ۳۰ درصد تولید محصول مشترک از طریق شبکه توزیع شرکت خارجی است؛ به طور مثال در قراردادی که با پژو بسته شده، این موضوع قید شده است. ایران خودرو و پژو با تشکیل شرکتی مشترک به نام ایکاپ، تولید محصولاتی از جمله پژو ۲۰۸، ۳۰۱ و ۲۰۸ را در دستور کار قرار داده که براساس آن ۳۰ درصد تولیدات آن از طریق شبکه پژو صادر خواهد شد.

## بازارهای صادراتی ایران خودرو

در مقطعی عمده بازار صادرات محصولات ایران خودرو عراق بود، اما براساس راهبردهای مدیریت ارشد ایران خودرو بازارهای جدیدی نیز در برنامه صادراتی مورد توجه واقع شده؛ از جمله شمال آفریقا شامل الجزایر، تونس و بازارهای مشترک المنافع مانند آذربایجان، قزاقستان و احیای بازار سوریه که این گستره روز به روز در حال توسعه است. ایران خودرو در شش پایگاه تولیدی در فراسوی مرزها از جمله بلاروس، سوریه، عراق، سنگال و ونزوئلا ظرفیت تولید ۶۳ هزار دستگاه محصولات تولیدی این شرکت را دارد. استراتژی صادرات ایران خودرو، فعال سازی و تولید محصولات جدید در این سایتها است. ایران خودرو به کشورهایی که در آن سایت تولید راه اندازی کرده، با ارسال قطعات منفصله خودرو مونتاژ می کند.

## تولید بدون سرمایه گذاری

در سالهای گذشته، ایران خودرو در برخی از کشورها به سرمایه گذاری و راه اندازی خط تولید اقدام کرده است، اما در برخی از سایتها که با سرمایه گذاری مستقیم ایران خودرو تاسیس شد، راهبرد این شرکت در زمینه تولید در سایر کشورها تغییر کرده و به سمت تولید بدون سرمایه گذاری مستقیم حرکت می کند. نزدیک ترین مثال در این زمینه راه اندازی خط تولید در کشور الجزایر بدون سرمایه گذاری مستقیم و صرفاً با ارائه خدمات مهندسی و فنی است و به این ترتیب ایران خودرو خود را از چالشهای احتمالی ناشی از شرایط سیاسی و اجتماعی کشورهای هدف مصون نگاه داشته و آینده صادرات محصولات خود را تضمین می کند.

## ساخت کارخانه تولید محصولات ایران خودرو

### در باکو

عملیات ساخت خط تولید محصولات ایران خودرو در جمهوری آذربایجان با حضور وزیر صنعت، معدن و تجارت ایران و وزیر اقتصاد جمهوری آذربایجان و مدیرعامل این گروه صنعتی آغاز شده است. این پروژه با سرمایه گذاری ۱۴ میلیون دلاری طرف آذربایجانی، نیمه نخست سال آینده به بهره برداری خواهد رسید و محصولات برند ایران خودرو شامل خودروهای دنا، رانا، سمندو سورن در آن تولید خواهد شد. بیشترین سهم ایران خودرو در راه اندازی این خط

گروه صنعتی ایران خودرو در راستای تحقق راهبرد مولتی برند، رویکرد اصلی خود را بر توسعه روابط بین المللی و دعوت از خودروسازان بزرگ و معتبر دنیا برای سرمایه گذاری در تولید محصولات جدید قرار داده است.

این گروه صنعتی برای دستیابی به اهداف تعیین شده در حوزه توسعه و تنوع محصول، در کنار ارتقای کیفیت محصولات فعلی، همکاریهای بین المللی و شراکت با تولیدکنندگان مطرح جهانی را به عنوان راه یافتنی برای تامین نیاز مشتریان پیش روی خود قرار داده است.

ایران خودرو در هر بازار هدف، بسته به سلیقه، نیازها، رقبای آن بازار و یک یا چند خودرو را به عنوان محصول صادراتی تعریف می کند.

در راستای سیاستهای مدیریت ارشد ایران خودرو برای حضور مستمر در بازارهای هدف، ایجاد تنوع در سبد محصولات صادراتی، حفظ برند ملی و مونتاژ خودروهای رانا، دنا و سورن در سایتهای فرامرزی در دستور کار قرار دارد. حضور در بازارهای جهانی، در درجه اول با هدف ارزیابی صورت می گیرد. در این فرآیند بنگاههای اقتصادی و صنعتی با سطح توقع بالاتری نسبت به انتظارات داخلی مواجه می شوند و در رقابت با کشورهای دارای تکنولوژی پیشرفته تر، تلاش می کنند تا کیفیت محصولات تولیدی را ارتقا دهند. قطعاً در چنین روندی بهره‌وری افزایش و هزینه‌ها پایین می آید.







قیمت تمام شده محصول کنترل شود و به تبع آن، مزیت صادراتی هم حفظ شود.

#### کلام آخر

طبق سند توسعه خودرو قرار است طی سال ۱۴۰۴، یک سوم خودروهای تولید داخل (یعنی یک میلیون دستگاه) صادر شود. در این شرایط، کارشناسان معتقدند که خودروسازها باید علاوه بر حفظ بازارهای خارجی خود، به دنبال بازارهای جدید نیز باشند، هر چند در عین حال این کار را بسیار سخت می دانند. به گفته آن‌ها، نفوذ در بازارهای جدید صادراتی، اتفاقی نیست که به این زودی‌ها رخ دهد، اما به هر حال نمی توان از آن غافل شد. ارتباط طولانی با کشورهای هدف، ارتباطی که حداقل تا یک دهه آینده‌اش قابل پیش بینی باشد لازمه داشتن یک صادرات موفق است.

راه اندازی سایت آذربایجان و قزاقستان را در دستور کار قرار داده است. بر مبنای قراردادی که با وزارت کشور ترکمنستان منعقد شده تامین ۲۰۰ دستگاه خودروی پلیس این کشور توسط ایران خودرو صورت می گیرد که در صورت تایید، تامین ناوگان مورد نیاز پلیس ترکمنستان از سوی ایران خودرو ادامه خواهد یافت. ترکمنستان از کشورهای مشترک المنافع است که ایران خودرو آن را به عنوان دروازه‌ای برای صادرات به کشورهای منطقه در نظر گرفته است.

#### نوسانات نرخ ارز و صادرات

در نگاه اول شاید این شائبه پیش بیاید که ارز گران به نفع صادرات است، اما در نگاه عمیق تر متوجه می شویم که بالا بودن نرخ ارز، قیمت تمام شده را افزایش می دهد؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت، ثبات در نرخ ارز، کمک می کند که

تولید دانش فنی و انتقال تکنولوژی خواهد بود. ظرفیت تولید این سایت سالانه ۱۰ هزار دستگاه در یک شیفت کاری است و برای ۳۰۰ نفر، اشتغال زایی خواهد کرد. بررسی‌ها و آمارها نشان می دهند، خودروسازانی در سال‌های آینده موفق خواهند بود که علاوه بر بازارهای داخلی، با افزایش توان رقابتی، سهمی از بازار بین المللی را نیز در اختیار داشته باشند.

#### پارس پلیس در ترکمنستان

گروه صنعتی ایران خودرو صادرات محصولات تجهیز شده به کشور ترکمنستان را با هدف افزایش سهم بازار کشورهای CIS آغاز کرد. یکی از برنامه‌های ایران خودرو افزایش سهم در بازار کشورهای آسیای میانه و قفقاز از طریق اتحادیه گمرک این کشورهاست و بر همین اساس صادرات به کشورهای ترکمنستان، بلاروس و







سوالات انگلیسی را به فارسی جواب دهید

جدول ترجمه

peach	vertical	cousin	poison	bird	soup	beside
		least		astrigent	degree	tourist
			dialog			
			you			
	baggy	fog		tradition		deaf
		journey		skiing		there
	two			friend ship		
	age			strap		
refusal		thirty	curl			slow
		trap	beam			full
	for		jump		person	
			master		equal	
	bad		sap		ill	umbrella
	when		art		scale	
year		ruse		core		
		shank		male		
		despair		a country in africa		thigh
		moon		pocket		loyal
	or		obedient			
	chin		commodity			
	face		slice		spare	gold
			reed		body	odor
subsidy		rabid		that	fever	
		light		father	idol	
		cotton		policeman		root
		olive		abrupt		opaque
			sin		gesture	
aversion			train		crown	
	wet		single		coil	client
			ancestor		mugginess	
		crave		head		
		missing		he		
	technique			bangle		skyling
						lesson
		minaret			owl	



## Keep on running: train your brain

### Guardian

Where does fatigue come from? It doesn't come from the body. Even when people exercise to exhaustion, studies have shown that there is fuel left in the tank – one found there was enough energy left in muscle tissue for participants to have kept going for another seven or eight minutes. The brain puts the brakes on, stepping in to stop us from over-exerting and injuring ourselves long before we reach our actual limits.

According to the latest research, our physical endurance is determined by our “perception of effort” – how much work the brain thinks that the body has done. But the brain can be tricked. In Brazil, a group of scientists improved power output in cyclists by 10% by running a small electric current through the brain. Elsewhere, it has been shown that giving athletes incorrect information about the temperature can help them maintain their performance in hot conditions, and that lying to them about their split times can help them break personal bests. In one study, Professor Samuele Marcora and colleagues asked people to pedal an exercise bike at a fixed pace for as long as possible. Unbeknownst to the participants, a screen in front of them was flashing up subliminal images for 1/16th of a second at a time. Cyclists flashed images of sad faces rode for 22 minutes and 22 seconds on average. Those shown happy faces reported less perceived exertion, and rode for three minutes longer. Marcora now wants to develop a pair of goggles that could flash up this kind of image at athletes while they are out training.

Mo Farah drinks a couple of espressos before a race, to reduce mental fatigue. Forcing ourselves to keep going also

means ignoring all the signals from our body telling us to stop. This “response inhibition” is very mentally taxing, and it causes a substance called adenosine to build up in the brain. Adenosine is associated with the feeling of mental fatigue – it builds up when people run marathons or work on boring spreadsheets, or if they haven't had enough sleep. Adenosine increases perception of effort. It is the enemy of endurance. Caffeine blocks adenosine. This is why Mo Farah drinks a couple of espressos before a race, and why caffeine pills and gum have become an essential part of the long-distance runner's pre-race preparation. You can also train your brain, by doing monotonous response- inhibition tasks before or during exercise. In the short term, this will make your performance worse, but in the long run your brain will learn to produce less adenosine, which will reduce perception of effort and increase endurance. In one study, Marcora asked two groups of soldiers to do a time-to-exhaustion test, where they were asked to ride at a fixed percentage of their maximum until they couldn't any more. After 12 weeks of training the control group's time-to-exhaustion had improved by 42%. The other group performed a mentally fatiguing task alongside their physical training sessions. Their time to exhaustion improved by 115%. Auditory versions of these tasks for smartphones are in the works, but you can replicate the effect simply by changing your training patterns. For your brain, running five miles after a hard day's work feels like the last five miles of a much longer run. It offers a much better workout for your willpower. It's mind over matter, and fortunately for athletes – from the elite to the amateur – the mind is much easier to manipulate.



such as the Misfit Ray and Jawbone Up3 offer rudimentary sleep tracking, and the opportunity to recognise causes for soaring resting heart rates. The upcoming Feel (another wristband) claims to detect mood via electrodermal activity, blood volume pulse and skin temperature. And clip-on devices Bellabeat Leaf, Prana and Spire track breathing.

When Neema Moraveji, chief scientist and co-founder at Spire, and director of the Stanford University Calm Lab, researched the physiological changes that manifest the body according to mood, he says they “found respiration to be a unique and interesting signal because you have direct control over it”. This was followed up by lab studies that, he says, “showed that if you give people feedback about their breathing, they can change it so easily that they don’t even need to stop what they’re doing”.

I started road-testing Spire while coincidentally doing a meditation course. It was encouraging to see all my calm streaks (as Spire calls them) on screen. And realising that a three-minute stress streak coincided with my computer inexplicably not allowing me to copy text from one email to another gave me a calm detachment about inevitable technical issues.

I liked that I could view my breath on screen as a wavy line. One of the app’s guided “boosts” involves following a pace-slowng dot along said line. Another “boost” talked me through alternate nostril breathing, which has a surprisingly settling effect (although I’m not sure I’d do it on the bus).

But my chill honeymoon didn’t last long. First I learned that my dad had had a mild-but-debilitating stroke, and then I accidentally reversed into a parked car while distracted by a screaming child. When I checked Spire to wallow in my dramatic breathing data, the app had detected zero stress.

I ask Moraveji whether this could be because I unknowingly breathe deeply to get through turmoil. “Peo-

ple do learn naturally to slow their breathing when they’re stressed,” he says, “and it might have been that you were so tense that you were holding your breath. That’s something we’re updating in the app.” My relationship with Spire isn’t over, but it no longer takes precedence over Instagram. Claire Burge is a productivity specialist, brought in by companies (Virgin and Siemens, among others) to liberate staff from mental-energy draining, email-based cultures. She has thought about this question of phones as mental health tools a lot. “I don’t think it’s a conducive environment,” she says. “Phones create neural loops that mindfulness should counter, but that means a break away from the object that creates the neural loop in the first place.” Even the creator of bestselling mindfulness app Buddhify, is having doubts about his industry. In a recent, widely circulated blog post, Rohan Gunatillake describes the app world as “warring fiefdoms”, battling for market domination, whereas, “community has historically always been part of the mindfulness tradition. Whether it is people practising together or teachers supporting each other with shared codes of ethics, engaging with peers is a central part of the culture”.

He also fears that the way digital mindfulness is monetised, by dangling limited free content up front, with subscriptions then offered if you want all the whistles and bells, risks financially excluding people. “The demographic is English-speaking, middle-class and financially stable,” he writes.

Moreover, mindfulness apps are largely peddling guided meditations, rather than providing the learning and insight you get from experienced teachers. Gunatillake wants to build a bridge between the two strands of mindfulness – traditional and digital – with teachers more involved in app design. With apps reaching more people than face-to-face teaching can, he says, “nothing will influence how mindfulness is perceived and practised in our culture more in the next 20 years”.

Guardian

To the smartphone-addled among us, advising the use of apps to fix mental health problems might seem like telling someone who needs to get fit to live on jam and fags. But it's happening all the same. While gadget and social media addiction are lampooned for increasing teenage depression, and complaints abound that the constant compulsion to check apps and message conduits leaves us frazzled and scatterbrained, purveyors of wearable tech, app designers and even the NHS really want us to use our phones for soul-soothing.

# Can apps improve your mental wellbeing?

The idea of treating mental health digitally is not new. A PC-based online cognitive behavioural therapy (CBT) treatment for depression has been in clinical use for seven years now – rolling out newer such services via smartphone apps will make this kind of treatment even more accessible. Meanwhile, there are more than 500 mindfulness apps, offering meditation soundtracks, relaxation techniques and pearls of wisdom, not to mention the many fitness/self-optimisation apps making forays into mood tracking. Everyone's at it, from Apple Watch's Breathe, to the guy who invented the online monster adoption game, Moshi Monsters, Michael Acton Smith. Scrolling through his mindfulness app, Calm's, sensory front page options – rain falling on foliage, a mountain lake – is blissful, but can increasing reliance on phones really help us find peace?

There is evidence that mental health apps can work. This summer, it was announced that Sleepio, a digital CBT programme for tackling insomnia, has had a successful NHS "real-world" trial, after being offered via the Manchester service, Self Help (this follows a placebo-group randomised control trial). The app assesses users' worries, sleep schedules, lifestyle and bedrooms, before teaching them CBT techniques. Through improving their sleep, the 98 participants saw a 68% recovery rate from anxiety and depression symptoms, compared with an NHS average of 45%.

The app was co-created by Peter Hames, an NHS Innovation Fellow, and Colin Espie, who is professor of sleep medicine at Oxford University. It has already been privately administered to more than 750,000 staff members at US companies such as Comcast, LinkedIn, Boston Medical Center and the Henry Ford Health System. And Sleepio's parent company, Big Health, recently secured \$12m funding, to further scale up delivery of drug-free, mental-health treatments.

Meanwhile, the wearable-tech industry is extending its offer into the realm of stress relief. The idea being that devices can track personal biometrics, and then that data can be used to positively influence changes in our behaviour. Fitness brands



# The Sugar Industry Shifted to Fat

typically require researchers to disclose funding sources. The New England Journal of Medicine did not begin to require financial disclosures until 1984.

The industry "should have exercised greater transparency in all of its research activities," the Sugar Association statement said. Even so, it defended industry-funded research as playing an important and informative role in scientific debate. It said that several decades of research had concluded that sugar "does not have a unique role in heart disease." The revelations are important because the debate about the relative harms of sugar and saturated fat continues today, Dr. Glantz said. For many decades, health officials encouraged Americans to reduce their fat intake, which led many people to consume low-fat, high-sugar foods that some experts now blame for fueling the obesity crisis.

"It was a very smart thing the sugar industry did, because review papers, especially if you get them published in a very prominent journal, tend to shape the overall scientific discussion," he said.

Dr. Hegsted used his research to influence the government's dietary recommendations, which emphasized saturated fat as a driver of heart disease while largely characterizing sugar as empty calories linked to tooth decay. Today, the saturated fat warnings remain a cornerstone of the government's dietary

guidelines, though in recent years the American Heart Association, the World Health Organization and other health authorities have also begun to warn that too much added sugar may increase cardiovascular disease risk.

Marion Nestle, a professor of nutrition, food studies and public health at New York University, wrote an editorial accompanying the new paper in which she said the documents provided "compelling evidence" that the sugar industry had initiated research "expressly to exonerate sugar as a major risk factor for coronary heart disease." "I think it's appalling," she said. "You just never see examples that are this blatant."

Dr. Walter Willett, chairman of the nutrition department at the Harvard T. H. Chan School of Public Health, said that academic conflict-of-interest rules had changed significantly since the 1960s, but that the industry papers were a reminder of "why research should be supported by public funding rather than depending on industry funding." Dr. Willett said the researchers had limited data to assess the relative risks of sugar and fat. "Given the data that we have today, we have shown the refined carbohydrates and especially sugar-sweetened beverages are risk factors for cardiovascular disease, but that the type of dietary fat is also very important," he said.

The JAMA Internal Medicine paper relied on thousands of pages of corre-

spondence and other documents that Cristin E. Kearns, a postdoctoral fellow at U.C.S.F., discovered in archives at Harvard, the University of Illinois and other libraries. The documents show that in 1964, John Hickson, a top sugar industry executive, discussed a plan with others in the industry to shift public opinion "through our research and information and legislative programs." At the time, studies had begun pointing to a relationship between high-sugar diets and the country's high rates of heart disease. At the same time, other scientists, including the prominent Minnesota physiologist Ancel Keys, were investigating a competing theory that it was saturated fat and dietary cholesterol that posed the biggest risk for heart disease.

Mr. Hickson proposed countering the alarming findings on sugar with industry-funded research. "Then we can publish the data and refute our detractors," he wrote. In 1965, Mr. Hickson enlisted the Harvard researchers to write a review that would debunk the anti-sugar studies. He paid them a total of \$6,500, the equivalent of \$49,000 today. Mr. Hickson selected the papers for them to review and made it clear he wanted the result to favor sugar.

Harvard's Dr. Hegsted reassured the sugar executives. "We are well aware of your particular interest," he wrote, "and will cover this as well as we can." As they worked on their review, the Harvard researchers shared and discussed early drafts with Mr. Hickson, who responded that he was pleased with what they were writing. The Harvard scientists had dismissed the data on sugar as weak and given far more credence to the data implicating saturated fat.

"Let me assure you this is quite what we had in mind, and we look forward to its appearance in print," Mr. Hickson wrote. After the review was published, the debate about sugar and heart disease died down, while low-fat diets gained the endorsement of many health authorities, Dr. Glantz said. "By today's standards, they behaved very badly," he said.





### New York Times

The sugar industry paid scientists in the 1960s to play down the link between sugar and heart disease and promote saturated fat as the culprit instead, newly released historical documents show.

The internal sugar industry documents, recently discovered by a researcher at the University of California, San Francisco, and published Monday in JAMA Internal Medicine, suggest that five decades of research into the role of nutrition and heart disease, including many of today's dietary recommendations, may have been largely shaped by the sugar industry.

"They were able to derail the discussion about sugar for decades," said Stanton Glantz, a professor of medicine at U.C.S.F. and an author of the JAMA Internal Medicine paper. The documents show that a trade group called the Sugar Research Foundation, known today as the Sugar Association, paid three Harvard scientists the equivalent of about \$50,000 in today's dollars to publish a 1967 review of research on sugar, fat and heart disease. The studies used in the review were handpicked by the sugar group, and the article, which was published in the prestigious New England Journal of Medicine, minimized the link between sugar and heart health and cast aspersions on the role of saturated fat.

# How the Industry Blame

Even though the influence-peddling revealed in the documents dates back nearly 50 years, more recent reports show that the food industry has continued to influence nutrition science. Last year, an article in The New York Times revealed that Coca-Cola, the world's largest producer of sugary beverages, had provided millions of dollars in funding to researchers who sought to play down the link between sugary drinks and obesity. In June, The Associated Press reported that candy makers were funding studies that claimed that children who eat candy tend to weigh less than those who do not.

The Harvard scientists and the sugar executives with whom they collaborated are no longer alive. One of the scientists who was paid by the sugar industry was D. Mark Hegsted, who went on to become the head of nutrition at the United States Department of Agriculture, where in 1977 he helped draft the forerunner to the federal government's dietary guidelines. Another was Dr. Fredrick J. Stare, the chairman of Harvard's nutrition department.

Unfortunately, despite greater willingness to recognize sugar as a toxin «shifting the blame to fat» for the obesity and diabetes epidemic...

In a statement responding to the JAMA journal report, the Sugar Association said that the 1967 review was published at a time when medical journals did not



# 7 Things You Might Have Missed at China's G20 Summit

negotiations over the Syrian crisis, because talks between their governments ended without an agreement over the weekend. The leaders also discussed Russia's cyber intrusions and Ukraine, reports CNN.

#### 4. Worries aired about populist-fueled discontent

With the backdrop of the U.K. voting to leave the E.U. and populist leaders such as Donald Trump preaching a protectionist gospel, world leaders were unanimous in their acknowledgment of rising income inequality and a growing backlash to globalization. At the conclusion of the summit Christine Lagarde, managing director of the International Monetary Fund, said: "Growth has been too low for too long

for too few...there was also a determination around the room to better identify the benefits of trade in order to respond to the populist backlash against globalisation."

#### 5. No quick trade deals for the U.K.

Obama told U.K. Prime Minister Theresa May that a trade deal between both countries would not be a priority, reiterating his stance that "the world benefited enormously from the United Kingdom's participation in the E.U." Her team was then warned in a 15-page memo that Japanese companies could be driven out of Britain after Brexit if the country ceased being a "gateway to Europe."

#### 6. Kim Jong Un makes a splash

North Korea launched three ballistic

missiles on Sept. 5, in a move seen as an attempt to capture the attention of world leaders as they attend the G-20 summit. The medium-range Rodong missiles flew for around 600 miles before landing in the Sea of Japan.

7. Philippines president crosses the line  
On Sept. 5, Obama cancelled his planned meeting with Philippine President Rodrigo Duterte after the Filipino appeared to call him a "son of a whore." Obama was due to meet Duterte at the ASEAN summit in Laos, which is taking place a day after the G-20 on Sept. 6. Duterte issued a statement on Tuesday saying he regretted his curse, blaming the slur on "certain press questions that elicited concern and distress."



## Time

This year's G20 summit, which ended on Sept. 5, saw leaders who represent around 85% of the world's economy gather in China's southeastern city of Hangzhou. Here are some key moments from the two-day event over the Labor Day weekend that saw factories shuttered, building work suspended and local residents out of the city so that Chinese authorities could proceed without a glitch:

### 1. Red carpet fracas

A squabble over a mobile stairway caused President Barack Obama to disembark from the belly of Air Force One on a small flight of metal stairs, and not onto the red carpet normally

provided to world leaders. The incident created the narrative that the Chinese had snubbed the American leader, which Chinese officials deny. There was also a disagreement on the tarmac when a Chinese official shouted "this is our country" to U.S. officials and reporters trying to cross a cordon. The situation was further exacerbated online, when U.S. spy unit Defense Intelligence Agency (DIA), tweeted "Classy as always China" with a link to a New York Times article on the airport incident.

### 2. U.S. and China give green light to green plan

The diplomatic feuding didn't prevent leaders of the world's two biggest

greenhouse gas emitters—Obama and Chinese President Xi Jinping—from announcing that they will formally ratify the Paris climate change agreement. Obama said the announcement, made a day before the start of the summit on Sept. 3, showed that the world's two largest economies could come together to battle climate change. The pair also enjoyed a cup of tea together at a heavily-staged photo op.

### 3. No Syria deal in sight between U.S. and Russia

Obama met with his Russian counterpart President Vladimir Putin on Sept. 5 on the sidelines of the G-20 summit for around ninety minutes. The pair were attempting to clarify gaps in

Manchester – but with very small actual difference between them. “London is actually a very liveable city,” Mr Copestake told The Independent. “Its score puts it in the very top tier of liveability and even though it ranks lower than Manchester the differences are small. “London’s vibrancy and diversity make it a great destination but these are also factors that can weigh on liveability. “Cities that have a big city buzz and attract lots of people tend to also have greater congestion as well as higher crime rates. In London’s case, as we have seen in the past, it also makes the city a target for terrorism. In many ways factors that weigh on London’s liveability score reflect that it is a victim of its own success”. The cities which sit at the top of the table share similarities. Those that score best tend to be “mid-sized cities in wealthier countries with a relatively low population density,” the report states. Those factors enable them to offer a range of recreational activities without “leading to high crime levels or overburdened infrastructure”. But Western Europe has been significantly affected by the recent wave of terror attacks.

Some 10 cities - Zurich, Geneva, Frankfurt, Berlin, Oslo, Luxembourg, Brussels, Paris, Rome and Lisbon - have seen declines in liveability, “mostly stemming from heightened fears of terrorism in the wake of attacks in Paris and Brussels”, according to the findings. Some categories carried more weight than others. For instance, stability – ranked on prevalence of petty crime, violent crime, threat of terror, military conflict and civil unrest – has more importance than education which is rated on availability and quality of private and public schooling. Those at the top of the table share similarities – all tending to be mid-sized “in wealthier countries with a relatively low population density,” the report states. While some conflict-ridden cities have predictably seen the biggest decline in liveability standards over the past five years – such as Damascus in Syria and Kiev in the Ukraine - others have seen a rise in standards. Iran’s capital Tehran, Dubai in the United Arab Emirates and Harare in Zimbabwe were ranked one to three respectively for most-improved liveability. Mr Copeland explained: “There is

certainly an air of optimism surrounding Iran and Tehran given the opening up of trade ties. “Meanwhile Dubai and other Emirates have been seen as something of a safe haven for businesses and expatriates given the wider disruption in the Middle East, especially with oil prices affecting economies of other Gulf States like Saudi Arabia. “For Harare much of this improvement is a case of making up ground that has been lost in the past. Harare remains in the bottom tier of liveability but as the situation there improves in line with the Zimbabwean economy it could see itself becoming more attractive.” Asked about the effects of Brexit, Mr Copeland told The Independent: “It’s too soon to tell. The survey scores were compiled before the Brexit vote and as things stand we still have at least two years of EU membership ahead of us as negotiations continue. “The impact of a Brexit may be felt if dissatisfaction spills over into unrest or if the economic ramifications of a Brexit weigh on public spending. “That said, London and Manchester both have a significant size and status that makes them very resilient to potential fallout.”



## Independent

Some of the world's key financial centres in major developed countries are becoming a lot less «liveable» because of the rising threat of terrorism. According to a report from the Economist Intelligence Unit published, more cities are now beset with growing terrorist threats, civil unrest, and increasing geopolitical tensions. Even cities in the US fail to place in the rankings of top liveable cities because, the report said, of social unrest borne out of «the deaths of black people in police custody.» In its annual rankings of city liveability, which scores cities based on factors such as stability, infrastructure, and culture, the EIU said many of the scores had declined.

Over the past six months 16 cities of the 140 surveyed have experienced changes in scores. This rises to 35 cities, or 25% of the total number surveyed, when looking at changes over the past year. Of these changes, the majority have been negative (29 in the past 12 months), reflecting deteriorating stability as cities around the world face heightened threats of terrorism or unrest.

Melbourne has retained the top spot as the world's «most liveable city»

but the global picture is a «sombre» one as terrorism, police shootings and geopolitical tensions led to an overall decline in living standards.

A report which assesses the best and worst living conditions across the globe placed the Austrian capital of Vienna in second place followed by Vancouver and Toronto in Canada. But international stability is waning, as terrorist attacks on the West increase and waves of civil protests hit the US. Damascus, the Syrian capital city, languishes at the bottom of the table, followed by Tripoli in Libya and Lagos in Nigeria.

The top-scoring cities ranked highly across five broad categories – stability, healthcare, culture and environment, education and infrastructure. But “violent acts of terrorism” have affected many countries and while not a new phenomenon, the “frequency and spread have increased noticeably and become even more prominent in the past year,” according to the Economist Intelligence Unit’s 2016 Global Liveability Report. Jon Copestake, its editor, told The Independent: «The latest rankings paint a very sombre picture. «The fact that one in five cities has seen its liveability score decline reflects a worrying

backdrop and one that is depressingly familiar given that similar declines were reported last year. “What is interesting is that it is not just the threat of terrorism that is lowering stability. The last few years have seen an intensification of protests, and border disputes as well as the ongoing armed conflicts in the Middle East and North Africa.” There have been more than 1,000 terrorist attacks in 2016 so far – with incidents in France, Turkey, the US and Belgium among the most high profile. “Social unrest” caused by deaths in police custody and regular mass shootings have also led to the decline in the scores of five leading American cities - Chicago, Atlanta, Cleveland, San Francisco and New York. Some 140 cities were assessed and assigned a rating of relative comfort for over 30 qualitative and quantitative factors – each rated as acceptable, tolerable, uncomfortable, undesirable or intolerable. Companies pay a premium to employees who move to cities where living conditions are particularly difficult and there is excessive physical hardship or a notably unhealthy environment, the report said. London kept its unchanged position of 53rd, ranking 10 places behind

# Melbourne ranked most liveable city in the world





MrDraghi dashed hopes for an expansion of the ECB's monthly €80bn (£60bn) programme of bond purchases, and offered no guidance on whether the scheme would be extended after it expires in March 2017. There was not a discussion on the subject. "The bar to further ECB action is higher than widely assumed," said Ben May from Oxford Economics. The March deadline threatens to become a neuralgic issue for markets given the experience of the US Federal Reserve, which suggests that an abrupt stop in QE stimulus amounts to monetary tightening and can be

highly disruptive.

The ECB has pulled out all the stops to reflate the economy yet core inflation has been stuck at or below 1pc for three years. Officials are even more worried about the underlying trends. Data collected by MarchelAlexandrovich at Jefferies shows that the percentage of goods and services in the inflation basket currently rising at less than 1pc has crept up to 58pc. This is a classic precursor to deflation and suggests that the eurozone is acutely vulnerable to any external shock. The figure has spiked to 67pc in Italy, and is now significantly higher than it was when the ECB launched QE last year. The eurozone should have reached economic "escape velocity" by now after a potent brew of stimulus starting last year: cheap energy, a cheaper euro, €80bn a month of QE, and the end of fiscal austerity. Yet all the eurozone has achieved is growth of 0.3pc a quarter. France and Italy have both slowed to a standstill. The euro's trade-weighted exchange rate has crept up by 7pc since QE began, and it has continued to rise even since the ECB cut interest rates to minus 0.4pc. "The euro is far stronger than they want, and stronger than the economy deserves, but they don't know how to weaken it. This is exactly what happened to the Japanese," said Hans Redeker, currency chief at Morgan Stanley. MrRedeker said the eurozone's current account surplus – now running at €350bn, or 3.3pc of GDP – is feeding the deflationary dynamic. Since European banks are shrinking their balance sheets and repatriating money to meet capital rules, they cannot recycle the eurozone surplus abroad. This is creating a chronic bias towards a stronger currency. Work by the International Monetary Fund shows that "lowflation" – even short of deflation – causes to a host of debilitating pathologies. It holds down nominal GDP and makes it

even harder to work off high-debt ratios.

In theory, MrDraghi could resort to even more radical measures but the scope is limited and he is walking through a political minefield. Public trust in the ECB has collapsed in several countries and the mood in Germany has turned toxic. The German banking and insurance lobbies have accused the ECB of destroying their business models with negative rates. Deutsche Bank's chief economist David Folkerts-Landau said the ECB had gone beyond the point of diminishing returns and was now itself a threat to the eurozone. "Central bankers can lose the plot. When they do, their mistakes can be catastrophic. After seven years of ever-looser monetary policy there is increasing evidence that following the current dogma risks the long-term stability of the eurozone," he said. This is unfair to MrDraghi. The great macroeconomic errors were made long ago from 2010 to 2012 when drastic austerity and premature rate rises pushed the region into a double-dip recession. Yet ECB officials confess that they may be close to the "economic lower bound", where any gains to be eked out from more stimulus are outweighed by poisonous side effects.

The ECB network is running out of assets to buy since it can purchase only in proportion to the size of each national economy, a precaution against backdoor bail-outs of insolvent states. The eurozone no longer seems to have an activist policy. It is treading water and at the mercy of external forces. The danger is that the next global downturn will strike before the currency bloc has escaped its current malaise and before it has built up any defences against a deflationary shock. MrDraghi will not be able to rescue them a second time.

# ECB's Mario Draghi has run out of magic as deflation closes in Telegraph



## Telegraph

Large parts of the eurozone are slipping deeper into a deflationary trap despite negative interest rates and one trillion euros of quantitative easing by the European Central Bank, leaving the currency bloc with no safety buffer when the next global recession hits. The ECB is close to exhausting its ammunition and appears increasingly powerless to do more under the legal constraints of its mandate. It has downgraded its growth forecast for the next two years, citing the uncertainties of Brexit, and admitted that it has little

chance of meeting its 2pc inflation target this decade, insisting that it is now up to governments to break out of the vicious circle. Mario Draghi, the ECB's president, said there are limits to monetary policy and called on the rest of the eurozone to act "much more decisively" to lift growth, with targeted spending on infrastructure. "It is abundantly clear that Draghi is played out and we're in the terminal phase of QE. The eurozone needs a quantum leap in the nature of policy and it has to come from fiscal policy," said sovereign bond strategist Nicholas Spiro.



world growth. If this process is indeed coming to an end, or even going into reverse, it would not be the first time since the industrial revolution, in the early 19th century. Another period of globalisation, in an era of empires, occurred in the late 19th century. The first world war ended this and the Great Depression destroyed it. A principal focus of US economic and foreign policy after 1945 was to recreate the global economy, but this time among sovereign states and guided by international economic institutions. If Donald Trump, who has embraced protectionism and denigrated global institutions, were to be elected president in November, it would be a repudiation of a central thrust of postwar US policy. Given the historical record and the current politics of trade, notably in the US, it is natural to ask whether

the same could happen to the more recent era of globalisation. That requires us to understand the drivers. Part of the reason for the slowdown is that many opportunities are, if not exhausted, radically diminished. When, for example, the production of essentially all labour-intensive manufactures has moved out of the rich countries, the growth of trade in such products must fall. Similarly, when the biggest investment boom in the history of the world, that in China, slows, so too must the demand for many commodities. That will affect both their prices and their quantities. Again, the end of once-in-a-lifetime global credit boom is sure to lead to a decline in the cross-border holdings of financial assets. Finally, after decades of FDI, a host of companies with something to gain from it will have taken their opportunity and succeeded or, in important cases, failed. Yet this is not all there is to this story. Trade liberalisation has stalled and one can see a steady rise in protectionist measures. The financial crisis brought with it regulatory measures, many of which are bound to slow cross-border financial flows. The rise of xenophobic sentiment and the slowdown in trade are both likely to reduce the growth of FDI. In brief, policy is less supportive. The politics are becoming even less so. Again, the US is the central part of the story. Mr Trump is much the most protectionist candidate for US president since the 1930s. But, revealingly, Hillary Clinton, an architect of the US “pivot to Asia” has turned against the Trans-Pacific Partnership of which she was once a keen supporter. The Transatlantic Trade and Investment Partnership, being negotiated between the US and the EU, is now in deep trouble. The Doha round of multilateral trade negotiations is moribund. Above all, important segments of the western public no longer believes increased trade benefits them. Evidence on

relative real incomes and adjustment to rising imports provides some support for such scepticism. Globalisation has at best stalled. Could it even go into reverse? Yes. It requires peace among the great powers. Some would also argue it requires a hegemonic power: the UK before 1914 and the US after 1945. At a time of poor economic performance in leading high-income countries, rising inequality and big shifts in the balance of global power, another collapse must be a possibility. Consider the impact of any fighting between the US and China over the South China Sea, though such a calamity would be terrifying for far more than its narrow economic effects. Does globalisation’s stalling matter? Yes. The era of globalisation has seen the first fall in global inequality of household incomes since the early 19th century. Between 1980 and 2015, average global real income rose by 120 per cent. The opportunities afforded by globalisation are vital. Our future cannot lie in closing ourselves off from one another. The failure — a profound one — lies in not ensuring that gains were more equally shared, notably within high-income economies. Equally dismal was the failure to cushion those adversely affected. But we cannot stop economic change. Moreover, the impact on jobs and wages of rising productivity and new technologies has far exceeded that of rising imports. Globalisation must not be made a scapegoat for all our ills. Yet it has now stalled, as have the policies driving it. It might reverse. Yet even a stalling would slow economic progress and reduce opportunities for the world’s poor. Pushing globalisation forward requires different domestic and external policies from those of the past. Globalisation’s future depends on better management. Will that happen? Alas, I am not optimistic.





# The tide of globalisation is turning

By Martin Wolf columnist in Financial Times

Has the tide of globalisation turned? This is a vitally important question. The answer is closely connected to the state of the world economy and the west's politics. Migration raises quite specific issues. The era of globalisation was not accompanied by a general commitment to liberalising flows of people. So I will focus here on trade and capital flows. The evidence in these areas seems quite clear. Globalisation has reached a plateau and, in some areas, is in reverse. An analysis from the Peterson Institute for International Economics argues that ratios of world trade to output have been flat since 2008, making this the longest period of such stagnation since the second world war. According to Global Trade Alert, even the volume of world trade stagnated between January 2010 and March 2016, though the world economy continued to grow. The stock of cross-border financial assets peaked at 97 per cent of global output in 2007, falling to 36 per cent by 2010. Finally, inflows of foreign direct investment have remained well below the 3.3 per cent of world output attained in 2007, though the stock continues to rise, albeit slowly, relative to output.

Thus, the impetus towards further economic integration has stalled and in some respects gone into reverse. Globalisation is no longer driving



شامپوهای گیاهی فیروز برای تمیزی و زیبایی موهای فرزندان شما

**فیروز**

گروه بهداشتی فیروز  
[www.firooz.com](http://www.firooz.com)

دریچه ای تازه به دنیای اخبار



[www.tadbiretaze.com](http://www.tadbiretaze.com)



تدبیر تازه

سایت خبری-تحلیلی

 [telegram.me/tadbiretaze](https://t.me/tadbiretaze)

 [instagram.com/tadbire-taze@gmail.com](https://www.instagram.com/tadbire-taze@gmail.com)



**LG**  
Life's Good

# جشنواره فروش مایکروویو

تخفیف نقدی در هنگام خرید ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال

به مدت محدود

## MS94\*CR



- ۳۸ لیتر
- فر سولار دام مجهز به پخت نوری
- مجهز به هیتر ذغالی (Charcoal Heater)
- مجهز به سیستم مگهایتینگ (گریل از بالا و پایین)
- مجهز به بخار پز
- پخت با ۵ روش (گریل - مایکرو - کانوکشن - پخت با بخار - پخت ترکیبی)
- دارای ۲۴ برنامه پخت اتوماتیک غذاهای ایرانی و فرنگی
- طبخ انواع شیرینی و کیک به همان کیفیت طبخ در فر گازی



## MS93\*CR/SD-3853\*CR



- ۳۸ لیتر
- فر سولار دام مجهز به پخت نوری
- مجهز به هیتر ذغالی (Charcoal Heater)
- مجهز به سیستم مگهایتینگ (گریل از بالا و پایین)
- مجهز به بخار پز
- پخت با ۵ روش (گریل - مایکرو - کانوکشن - پخت با بخار - پخت ترکیبی)
- دارای ۲۴ برنامه پخت اتوماتیک غذاهای ایرانی و فرنگی
- طبخ انواع شیرینی و کیک به همان کیفیت طبخ در فر گازی



**گلپریان**  
روی خوشی زندگی